
مراحل

برای

مسیح

الن جی وایت

ناشر 4 فرشتگان

فهرست مطالب

1.....	فصل 3
2.....	فصل 9
3.....	فصل 14
4.....	فصل 26
5.....	فصل 31
6.....	فصل 36
7.....	فصل 42
8.....	فصل 50
9.....	فصل 58
10.....	فصل 64
11.....	فصل 71
12.....	فصل 82
13.....	فصل 90

>>>>

فصل 1

عشق خدا به انسان

طبیعت و نیز وحی بر محبت خداوند گواهی می دهد. پدر ما در بهشت منبع حیات، حکمت و شادی است.

به چیزهای زیبا و شگفت انگیز در طبیعت نگاه کنید. به فکر خودت باش
سازگاری خیره کننده با نیازها و شادی، نه

فقط در مورد انسان، بلکه در مورد همه موجودات زنده. درخشش از

خورشید و باران که زمین و کوه و دریا و دشت را شاد می کند و طراوت می بخشد
همه چیز حکایت از عشق خالق به ما دارد. این خداست که تامین می کند

نیازهای روزانه همه مخلوقات او. با کلمات زیبا

مزمور سرای: «چشم همه منتظر توست و تو در وقت معین،

شما به آنها غذا می دهید دستت را باز کن و همه را با خیرخواهی راضی کن

زنده ها.» (مزمور 145: 15 و 16)

خداوند انسان را کاملاً مقدس و شاد آفرید. و زمین

رنگارنگ، همانطور که از دست خالق آمده بود، هیچ

اثری از زوال یا سایه نفرین. این تخلف از

قانون خدا - قانون عشق - که نفرین و مرگ را به ارمغان آورد. ولی

حتی در میان رنج های ناشی از گناه، عشق

خداوند نازل شده است نوشته شده است که خدا زمین را به خاطر انسان لعنت کرد (پیدایش 3: 17). خار و خار -

سختی ها و رنج هایی که زندگی شما را به وجود می آورد

زحمت ها و مراقبت ها - به عنوان بخشی از نظم و انضباط لازم در برنامه خدا برای بازسازی شما طراحی شده است.

تباهی و تباهی که گناه به ارمغان آورد. دنیا اگرچه سقوط کرده است

فقط غم و بدبختی نیست. در طبیعت وجود دارد

پیام های امید و آرامش روی خارها گلهایی هست،

و خارها با گل سرخ پوشیده شده است.

روی هر جوانه ای که باز می شود، روی هر ساقه گیاهی که رشد می کند، نوشته شده است: "خدا عشق

است." پرنده های دوست داشتنی

هوا را با آوازهای شادشان پر می کنند، گل های رنگارنگ ظریف

معطر کردن هوا در کمال خود، درختان سر به فلک کشیده جنگل
با شاخ و برگ‌های سبز پررنگ و زنده‌اش، همگی نشان از لطیف بودن و پدرا نه بودن دارد
از خدای خود و آرزوی او برای شاد کردن فرزندانش برحذر باشید.
کلام خدا شخصیت او را آشکار می‌کند. خودش اعلام کرد
عشق و محبت بی پایان شما. هنگامی که موسی دعا کرد: «خودت را به من نشان بده
خداوند پاسخ داد، جلال، من تمام خوبی‌های خود را از پیش روی تو خواهم گذرانم. (خروج 33: 18 و 19) این جلال
اوست. خداوند
از کنار موسی گذشت و او اعلام کرد: «خداوندا، خداوندا
دلسوز و آمرزنده و بردبار و سرشار از رحمت و
وفاداری؛ که رحمت را برای هزار نسل نگه می‌دارد، که گناه و معصیت و گناه را می‌بخشد.» (خروج 34: 6 و 7) او
هست
"آهسته در خشم و در مهربانی فراوان" (یونس 2: 4) زیرا او از رحمت لذت می‌برد" (میکاه 7: 18)

خداوند قلب‌های ما را برای بی‌شماری به سوی خود جلب کرده است
نشانه‌هایی در آسمان و زمین از طریق چیزهای طبیعت، و بیشتر
پیوندهای عمیق و لطیف زمینی که قلب انسان می‌تواند
درک کنید، او به دنبال این بوده است که خود را به ما نشان دهد. ولی
همه این چیزها به طور ناقص نشان دهنده عشق اوست.
اگرچه همه این شواهد ارائه شده است، اما دشمن از
مهربانی ذهن انسان‌ها را کور کرد، به طوری که با ترس به خدا می‌نگریستند. آنها او را خشن و نابخشوده قضاوت
می‌کنند.

شیطان آنها را هدایت کرد تا تصویری از خدا به عنوان یک موجود داشته باشند
که انتساب اصلی آن عدالت شدید است که افراطی است
قاضی، جمع‌آوری سختگیر و خواستار. او خالق را به عنوان
موجودی که با نگاهی مشکوک به تحقیق می‌پردازد
خطاها و عیوب مردم را بشناسید تا با قضاوت از آنها بازدید کند.

پسر خدا از آسمان آمد تا پدر را آشکار سازد.
«هیچ‌کس خدا را ندیده است. پسر یگانه که در آغوش پدر است، همان کسی است که آن را آشکار کرد.» (یوحنا
1: 18) هیچ‌کس پسر را نمی‌شناسد.

اگر نه پدر؛ و هیچ‌کس پدر را نمی‌شناسد جز پسر و کسی که او را
پسر می‌خواهد آن را فاش کند.» (متی 11: 27) وقتی یکی از شاگردان

عیسی این درخواست را کرد که «پدر را به ما نشان دهید»، عیسی پاسخ داد: «فیلیپ، خیلی وقت پیش چند وقت است که با شما هستم و شما مرا نمی شناسید؟ هر که مرا ببیند پدر را می بیند. چگونه می گویی که پدر را به ما نشان بده؟» (یوحنا 8: 14 و 9).

عیسی در توصیف مأموریت خود بر روی زمین گفت: «خداوند مسح شده برای بشارت دادن به فقرا. مرا فرستاد تا اعلام کنم رهایی به اسیران و بازگرداندن بینایی به نابینایان، گذاشتن آزادی برای ستمدیدگان» (لوقا 4: 18). این کار او بود. او آمد تا نیکی کند و همه ستمدیدگان را شفا دهد

توسط شیطان روستاهای کاملی بودند که در آنها ناله ای به گوش نمی رسید از بیماری در هر خانه ای که از آنها عبور کرده بود، و همه بیمارانشان را شفا داد. کار او شواهدی از او را نشان داد

مسح الهی عشق، رحمت و شفقت در هر عمل زندگی او آشکار شد. قلبش از همدردی لطیف به سمت

با فرزندان مردان او فطرت انسان را چنان گرفت که او می توانست نیازهای بشریت را برآورده کند. بیشترین فقیر و فروتن از نزدیک شدن به او هراسی نداشتند. یکسان بچه های کوچک را نزد او آوردند، آنها عاشق نشستن بودند روی زانوهایش نشسته و به چهره انعکاسی، مهربان و دوست داشتنی او نگاه کن.

عیسی حتی یک کلمه حقیقت را سرکوب نکرد، بلکه او او همیشه آن را عاشقانه بیان می کرد. او بیشترین درایت و توجه متفکرانه و دقیق را در برخورد با مردم به کار می برد. او

هرگز گستاخ نبود، هرگز یک کلمه تند غیر ضروری نگفت، هرگز باعث ناراحتی بی مورد برای یک روح حساس نشد. او نه ضعف انسان را سرزنش کرد. او حقیقت را می گفت، اما همیشه می گفت عشق. او نفاق، کفر و ظلم را محکوم کرد، با این حال هنگامی که سرزنش های جدی خود را بیان می کرد، اشک در چشمانش جاری بود. او بر اورشلیم، شهری که دوستش داشت، گریست که از پذیرفتن او، راه، حقیقت و زندگی خودداری کرد.

آنها نجات دهنده او را رد کرده بودند، اما او با مهربانی دلسوزانه به آنها نگاه کرد. زندگی او انکار خودش بود و

مراقبت دقیق از دیگران هر روحی برای او ارزشمند بود چشم ها. او همیشه با کرامت الهی رفتار می کرد و نهایت تلاش خود را می کرد

مراقبت مهربانانه برای تک تک اعضای خانواده خدا. من در همه آن را دیدم
ارواح مرده ای که وظیفه او نجات دادن آنها بود.
این شخصیت مسیح بود که در زندگی او آشکار شد. این هست
شخصیت خدا قلب پدر سرچشمه شفقت الهی بود که در مسیح تجلی یافت و به سوی فرزندان انسان جاری شد.
عیسی،

ناجی مهربان و دلسوز، «خدا در جسم ظاهر شد» (I)

تیموتائوس. (3:16)

برای نجات ما بود که عیسی زندگی کرد، رنج کشید و مرد. او اگر
تبدیل به "مرد غمگین" شدیم تا بتوانیم ساخته شویم
شریک جلال ابدی خدا به پسر محبوب خود که سرشار از فیض و حقیقت بود، اجازه داد تا از دنیایی با شکوه وصف
ناپذیر به دنیای دریا زده و گناه آلود که در سایه مرگ و نفرین تاریک شده بود، برود. به او اجازه داد

سینه محبت او، عبادت فرشتگان را رها کن تا رنج بکشد
شرم، توهین، تحقیر، نفرت و مرگ. «مجازات که
به ما می رساند که سلام بر او بود. و ما به ضربات او بودیم
شفا یافت.» (اشعیا. 53:5) او را در بیابان، در جتسیمانی بنگرید،
بر فراز صلیب! پسر مطهر خدا بار این کار را بر عهده گرفت
گناه کسی که با خدا یکی شده بود، جدایی وحشتناکی را که گناه بین خدا و انسان ایجاد می کند، در روح خود
احساس کرد. این فریاد غمگین را از لبانش پاره کرد: «خدای من، خدایا

من، چرا مرا رها کردی؟» (متی. 27:46) بار آن بود
گناه، احساس عظمت وحشتناک آن، از جدایی این
بین روح و خدا که قلب پسر خدا را شکست.
اما این فداکاری بزرگ برای ایجاد عشق انجام نشد
انسان در قلب پدر است و نه برای اینکه او را مایل به نجات کند. نه،
نه! "خدا آنچنان جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد" (یوحنا. 3:16) پدر ما را دوست دارد، نه به خاطر
بزرگان

کفاره، اما او کفاره را فراهم کرد، زیرا او ما را دوست دارد. مسیح وسیله ای بود که از طریق آن می توانست عشق
بی پایان خود را بر آن جاری کند

یک دنیای افتاده «خدا در مسیح در حال آشتی دادن بود
جهان." (دوم قرنتیان. 5:19) خدا با پسرش رنج کشید. در عذاب

جتسیمانی، در مرگ کالواری، قلب عشق بی نهایت

بهای رستگاری ما را پرداخت کرد.

عیسی گفت: «به این دلیل است که پدر مرا دوست دارد، زیرا جان خود را می‌سپارم تا دوباره آن

را بگیرم.» (یوحنا 10:17) یعنی «پدر من شما را دوست داشت

آنقدر که او مرا بیشتر دوست دارد، زیرا من جانم را به آن می‌سپارم

تو را بازخرید تبدیل شدن به جایگزین و ضامن شما برای تحویل

زندگی من، با گرفتن محدودیت های شما، تخلفات شما، من

من نزد پدرم عزیزترم، زیرا از طریق قربانی من، خدا می‌تواند

عادل بودن و همچنین عادل کننده کسانی که به عیسی ایمان دارند.»

هیچ کس جز پسر خدا نمی‌تواند کار ما را انجام دهد

رستگاری، زیرا تنها کسی که در آغوش پدر بود می‌توانست او را آشکار کند. تنها کسی که اوج و عمق محبت خدا را

می‌دانست می‌توانست آن را آشکار سازد. چیزی کمتر از

فداکاری بی نهایت توسط مسیح به نفع انسان سقوط کرده می‌تواند

ابراز عشق پدر به انسانیت از دست رفته.

«خدا آنقدر دنیا را دوست داشت که پسرش را داد

تازه متولد شده.» او او را فقط برای زندگی در میان مردم نگذاشت

با تحمل گناهان و قربانی کردن آنها، او را به نژاد سقوط کرده داد.

مسیح قرار بود خود را با علایق و نیازهای مردم بشناسد

بشریت. کسی که با خدا یکی بود با فرزندان انسان پیوندهایی پیدا کرد که هرگز گسسته نمی‌شود. عیسی «اینطور

نیست

خجالت می‌کشم آنها را برادر خطاب کنم.» (عبرانیان 2:11) او مال ماست

فداکار، وکیل ما، برادر ما، شکل ما را می‌گیرد

بشریت در برابر تخت پدر و در طول اعصار ابدی، یکی با

نژادی که او نجات داد - پسر انسان. و همه اینها به طوری که

ممکن است انسان از تباهی و زوال گناه برانگیخته شود، که

می‌تواند عشق به خدا را منعکس کند و در شادی تقدس شرکت کند.

بهایی که برای رستگاری ما پرداخت شد، فداکاری بی‌نهایت

پدر آسمانی ما در دادن پسرش که برای ما بمیرد، باید او را بدهد

ما تصورات خود را از آنچه از طریق مسیح تبدیل شده ایم تعالی بخشیدیم.

هنگامی که یوحنا رسول الهام گرفته ارتفاع را دید،

عمق، وسعت عشق پدر به نژاد گمشده بود

پر از ستایش و احترام و نتونستن یکی رو پیدا کنن

زبان کافی برای بیان عظمت و لطافت این عشق، جهان را به تفکر در او دعوت کرد: «ببینید چگونه

محبت زیادی از طرف پدر عطا شده است، به طوری که ما فرزندان خدا خوانده می شویم.» (اول یوحنا 3:1)

کلمات چه ارزشی قائل هستند

مرد! فرزندان انسان از طریق تجاوز تبدیل می شوند

رعایای شیطان از طریق ایمان به قربانی کفاره

مسیح، فرزندان آدم می توانند فرزندان خدا شوند. برای تصاحب

طبیعت انسان، مسیح انسانیت را تعالی می بخشد. مردان افتاده

در جایی قرار می گیرند که از طریق ارتباط با مسیح می توانند به آنها تبدیل شوند

اگر آنها واقعاً سزاوار نام "پسران خدا" هستند.

چنین عشقی بی نظیر است. فرزندان پادشاه آسمانی! وعده گرانها! تم برای عمیق ترین مراقبه! عشق

بی نظیر

خدا برای جهانی که او را دوست نداشت! این فکر دارای یک

تسلط بر روح، و ذهن را به تسلیم در می آورد

خواست خدا. هر چه بیشتر شخصیت الهی را در پرتو مطالعه کنیم

صلیب، رحمت بیشتر، لطافت و بخشش همراه با عدالت و

انصاف را خواهیم دید و به وضوح شواهد بیشماری از عشقی بی نهایت و لطافتی دلسوزانه برتر از همدردی

مضطرب مادر برای فرزند سرکش را تشخیص خواهیم داد.

هر پیوند انسانی ممکن است از بین برود.

یک دوست ممکن است به یک دوست خیانت کند.

مادران ممکن است از ابراز محبت دست بردارند.

آسمان و زمین را می توان حذف کرد،

اما بدون تغییر

شما می توانید به عشق یهوه بیایید.»

فصل 2

نیاز گناهکار به مسیح

انسان در اصل دارای استعدادهای عالی و الف عقل متعادل او در ذات خود کامل بود و در بود هماهنگی با خدا افکارش پاک و آرزوهایش مقدس بود. اما با نافرمانی، قوای آنها منحرف شد و خودخواهی جای عشق را گرفت. ذات او در اثر تجاوز چنان ضعیف شده بود که غیرممکن بود

او با قدرت خود در برابر قدرت شر مقاومت می کند. او را به اسارت بردند

توسط شیطان، و اگر او نبود، تا ابد چنین می ماند خدا به خصوص دخالت کرد. این هدف وسوسه گر بود نقشه الهی در آفرینش انسان را خنثی کن و زمین را پر کن نفرین و ویرانی و او به این همه بدی اشاره می کرد نتیجه کار خداوند در خلقت انسان است. انسان در حالت بی گناه خود با او ارتباط شادمانی داشت که «در او همه گنجینه های حکمت و حکمت است.

دانش پنهان است.» (کولسیان 2:3) با این حال، پس از گناه او، او دیگر شادی در تقدس پیدا نکرد، و او به دنبال پنهان شدن از حضور خدا بود. این هنوز شرط است از قلب تبدیل نشده با خدا هماهنگ نیست و نیست در ارتباط با او شادی می یابد. گناهکار نتوانست در پیشگاه خداوند احساس خوشبختی کنید او طفره می رفت جمع موجودات مقدس اگر به او اجازه ورود به بهشت داده می شد، برای او شادی نمی آورد. روح عشق فداکار که

آنجا سلطنت می کند - هر قلب مربوط به قلب عشق بی نهایت است

- در روحش ریسمانی طنین انداز نمی یافت. شما

افکار، علایق، انگیزه هایشان از خود بیگانه خواهد شد

از کسانی که به ساکنان بی گناه خود عمل می کنند. او یک خواهد بود

نت ناهماهنگ در ملودی بهشت بهشت برای او محل شکنجه خواهد بود. او بسیار دوست دارد از کسی که

نور اوست پنهان بماند

مرکز شادی شما این یک حکم خودسرانه از طرف نیست
خدایی که گناهکار را از بهشت طرد می کند. آنها به دلیل عدم تناسب خود برای آن طرد می شوند. جلال خدا
برای آنها آتش خواهد بود
مصرف کننده. آنها با کمال میل تخریب را می پذیرفتند، به طوری که
می توان از چهره او که مرد تا رستگاری کند پنهان شود
را
برای ما غیرممکن است که خودمان از گودال فرار کنیم
گاهی که در آن غرق شده ایم دل ما بد است و
ما نمی توانیم آنها را تغییر دهیم. «چه کسی می تواند چیزی پاکیزه را از پلیدی بیرون بیاورد؟ هیچ کس.»
«ذهن نفسانی با خدا دشمنی می کند، زیرا نه تابع قانون خداست و نه می تواند باشد.» (ایوب: 14)

4 و رومیان. (7: 8)

آموزش، فرهنگ، اعمال اراده، تلاش انسان،
هر کس حوزه خود را دارد، اما در اینجا آنها ناکارآمد هستند. آنها می توانند
تغییری در رفتار بیرونی ایجاد می کنند، اما نمی توانند قلب را تغییر دهند. آنها نمی توانند منابع زندگی را
پاکسازی کنند. و
باید نیرویی از درون کار کند، نیرویی جدید
زندگی از بالا، قبل از اینکه انسانها از گناه به تقدس تبدیل شوند. این قدرت مسیح است.

فقط لطف اوست که می تواند قوای مرده روح را زنده کند و آن را به سوی خدا و به تقدس بکشاند. ناجی گفت:
«اگر کسی باشد

دوباره متولد نشود، مگر اینکه قلب جدیدی دریافت کند،
خواسته ها، اهداف و انگیزه های جدید، منجر به زندگی جدید،
"نمی توان ملکوت خدا را دید" (یوحنا 3:3) تصویری که هست
تنها لازمه توسعه خیری است که به طور طبیعی در انسان وجود دارد یک اشتباه مهلک است. «انسان
طبیعی چیزهای روح خدا را نمی پذیرد، زیرا برای او حماقت به نظر می رسد. و او نمی تواند آنها را درک کند،
زیرا آنها از نظر روحی قابل تشخیص هستند. «از اینکه به شما می گویم تعجب نکنید، باید از نو متولد شوید»
(اول قرن تیان ۲)

14 و یوحنا. (7: 3) درباره مسیح نوشته شده است: «زندگی در او بود. زندگی

نور انسانها بود، «تنها نامی که در زیر آسمانها داده شده است

مردانی که به وسیله آنها نجات خواهیم یافت.» (یوحنا 4: 1 و اعمال رسولان. (12: 4)

درک محبت خدا، دیدن محبت او کافی نیست

خیرخواهی و مهربانی پدرانۀ شخصیت او. این کافی نیست که حکمت و عدالت شریعت او را تشخیص دهیم و ببینیم که این قانون بر اصل ابدی عشق بنا شده است. پولس رسول همه اینها را دید

وقتی فریاد زد: "من به قانون رضایت دارم که خوب است." شریعت مقدس است. و

فرمان، مقدس، عادل و نیک. «اما بر تلخی آن افزود

و یأس از روح رنجور او: «اما من جسمم،

به بردگی گناه فروخته شد» (رومیان 12، 16، 7: و 14) او

به پاکی امیدوار بود که در خود عاجز بود.

رسید و فریاد زد: «ای بدبخت من! چه کسی مرا از بدن این مرگ نجات خواهد داد؟» (رومیان 7:24) چنین است فریادی که

در همه سرزمین ها و در همه اعصار از دل های سنگین برخاسته است. برای همه فقط یک پاسخ وجود دارد: «اینجاست

بره خدایی که گناه دنیا را می برد!» (یوحنا 1:29)

بسیاری از چهره هایی هستند که روح خدا از طریق آنها وجود دارد

به دنبال این بود که این حقیقت را به تصویر بکشند و برای ارواح روشن کند که

منتظرند تا از زیر بار گناه رهایی یابند. وقتی بعد از شما

گناه فریب عیسو، یعقوب از خانه پدرش فرار کرد، او بود

با احساس گناه خم شد تنها و همان طور که بود دور انداخته شد،

جدا از هر چیزی که زندگی اش را شاد کرده بود، این فکر که

بیش از همه تحت ستم روح او ترس از او بود

گناه او را از حضور خدا جدا کرده بود، که او بود

رها شده توسط بهشت با اندوه روی زمین برهنه دراز کشید

دور تا دور او کوه های تنه است و بالای سرش آسمان های روشن

توسط ستاره ها به محض اینکه او به خواب رفت، نور عجیبی از او گذشت

در مورد دید شما و سپس، از هواپیمایی که در آن دراز کشیده بود، به نظر می رسید که پله های تاریک و وسیع

به سمت بالا منتهی می شود

دروازه های آسمان و فرشتگان خدا از بالای آنها بالا و پایین می رفتند، در حالی که جلال از بالا شنیده می شد

صدای الهی در پیام آرامش و امید. این کار را انجام داد

یعقوب آنچه را که نیازها و خواسته های مردم را برآورده می کند، می داند

روح شما - یک نجات دهنده. با خوشحالی و قدردانی او را دید

راهی که از طریق آن او، یک گناهکار، می تواند به او بازگردد
ارتباط با خدا نردبان عرفانی در خواب او نمایانگر عیسی بود، تنها وسیله ارتباطی بین خدا و انسان.

این همان شخصیتی است که مسیح در گفتگوی خود با ناتانائیل به آن اشاره کرد، وقتی گفت:
«بهشت را خواهی دید که باز شده و

فرشتگان خدا بر پسر انسان صعود و نزول می کنند» (یوحنا
1:51). انسان در ارتداد خود را از خدا دور می کند. سرزمین

از بهشت جدا شد از طریق شکاف بین آنها

ممکن است ارتباط وجود داشته باشد. با این حال، از طریق مسیح، زمین است

دوباره با آسمان وصل شد با شایستگی های خودش، مسیح

بر پرتگاهی که گناه ایجاد کرده بود، پلی ساخت،

بنابراین به فرشتگان خدمتگزار اجازه می دهد تا ارتباط خود را با انسان حفظ کنند. مسیح انسان سقوط کرده را در
خود پیوند می دهد

ضعف و ناامیدی، با سرچشمه قدرت بی نهایت.

اما رویاهای انسان برای پیشرفت بیهوده است، بیهوده

اگر اجازه بدهند تمام تلاش برای اعتلای بشریت است

تنها منبع امید و کمک برای نژاد سقوط کرده را کنار بگذاریم. "هر هدیه نیکو و هر هدیه کامل" (یعقوب 1:17) از

طرف خدا می آید. خیر

برتری شخصیت فراتر از او وجود دارد.

و تنها راه رسیدن به خدا مسیح است. او می گوید: «من هستم

راه، حقیقت و زندگی: هیچ کس به سوی پدر نمی آید مگر به وسیله من.»

(یوحنا، 14:6)

دل خدا برای فرزندان زمینی اش با الف

عشق قوی تر از مرگ با دادن پسرش، او بیرون ریخت

همه ما بهشت در یک هدیه زندگی، مرگ و شفاعت منجی،

خدمت فرشتگان، التماس های روح، کار پدر بر و

از طریق همه، علاقه بی وقفه موجودات بهشتی - همه چیز به نفع رستگاری انسان است.

آه، اجازه دهید به خودمان اجازه دهیم که فداکاری فوق العاده ای را که انجام داده است، ببندیم

توسط ما ساخته شده است! به خودمان اجازه دهیم که قدرانی از کار و

انرژی ای که بهشت برای بازیابی چیزهای از دست رفته صرف می کند، و

او را به خانه پدر بازگردانید

با انگیزه های قوی تر و عوامل قوی تر عمل می کند. به پاداش عالی عمل درست، لذت بهشت، جامعه فرشتگان، ارتباط و محبت پدر و پسرش، تعالی و گسترش تمام قوای ما در طول اعصار

ابدی - آیا این مشوق ها و تشویق های قدرتمند برای شما نیستند ما را برانگیزد تا از قلبی سرشار از عشق به خود خدمت کنیم خالق و نجات دهنده؟

و از سوی دیگر، احکام خداوند بر ضد گناه، عذاب اجتناب ناپذیر، تنزل شخصیت ما و نابودی نهایی، در کلام خدا ارائه شده اند تا ما را از خدمت شیطان برحذر دارند.

آیا رحمت خدا را در نظر نگیریم؟ او بیشتر از این چه می توانست بکند؟ بیایید خودمان را در یک رابطه صحیح قرار دهیم

به سوی او که ما را با عشق شگفت انگیز دوست داشته است. بیایید انجام دهیم خودمان از وسایلی که برایمان در نظر گرفته شده استفاده می کنیم تا بتوانیم باشیم به شباهت او تبدیل شده و به ارتباط با او باز می گردند فرشتگان خدمتگزار، برای هماهنگی و ارتباط با پدر و فرزند پسر.

فصل 3

توبه

چگونه یک انسان می تواند در پیشگاه خداوند عادل باشد؟ چگونه می توان یک گناهکار را عادل کرد؟
تنها از طریق مسیح است که می توانیم با خدا هماهنگ شویم، با تقدس. اما چگونه به مسیح خواهیم رسید؟ خیلی
ها همین کار را می کنند

سوال توسط جمعیت در روز پنطیکاست که متقاعد شده است
از گناه، فریاد زدند: «چه کنیم؟» اولین کلمه از
پاسخ پطرس این بود: «توبه کنید» (اعمال رسولان، 2:38) در دیگری
مدتی بعد گفت: «توبه کنید... و تبدیل شوید
تا گناهان شما پاک شود.» (اعمال رسولان، 3:19)
توبه شامل غم گناه و ترک است
از او، ما گناه را نخواهیم دید مگر اینکه گناهکاری آن را ببینیم. تا زمانی که ما تغییری واقعی در زندگی ما ایجاد
نخواهد شد

در دل ما از آن روی برگردان
بسیاری هستند که ماهیت آن را درک نمی کنند
توبه انبوهی غمگین می شوند زیرا گناه کرده اند و
حتی انجام یک اصلاحات خارجی، زیرا آنها می ترسند که بد خود را
اعمال باعث رنج و عذاب خود می شود. با این حال، این نیست
توبه از دیدگاه کتاب مقدس آنها از رنج قبل ناله می کنند
از گناه این غم عیسو بود وقتی دید که
حق تولد برای او برای همیشه از دست رفت. بلعم،
از فرشته ای که با شمشیر در سر راه او ایستاده است وحشت کرده است
بدون غلاف، او گناه خود را تشخیص داد زیرا ممکن است گناه خود را از دست بدهد
زندگی با این حال، هیچ توبه واقعی از گناه وجود نداشت،
بدون تغییر هدف، بدون آزار از شر.
یهودا اسخریوطی پس از خیانت به پروردگارش گفت: من با خیانت گناه کردم.
خون بی گناه.» (متی، 27:4)

این اعتراف با احساس وحشتناک محکومیت و دید ترسناک قضاوت از روح گناهکار او خارج شد. به

عواقبی که برای او اتفاق افتاد او را مملو از وحشت کرد، اما او این کار را نکرد
غم و اندوه عمیق و دلخراشی وجود داشت زیرا او به پسر پاک خدا خیانت کرده بود و تنها قدیس اسرائیل را انکار
کرده بود. فرعون هنگامی که از قضاوت های خدا رنج می برد، گناه خود را برای فرار از مجازات آینده تشخیص
داد، اما به سرپیچی خود از بهشت بازگشت.

به محض اینکه آفات متوقف شدند. همه اینها ناله کردند
نتایج گناه، اما آنها از خود گناه اندوهگین نشدند.
با این حال، هنگامی که قلب تسلیم نفوذ روح از
خدایا وجدان بیدار می شود و گناهکار چیزی را تشخیص می دهد
از عمق و تقدس شریعت مقدس خدا، پایه و اساس حکومت او در آسمان و زمین. "نوری که به جهان می آید و
هر انسان را روشن می کند" (یوحنا 9: 1) اتاق های مخفی روح را روشن می کند و چیزهای پنهان تاریکی آشکار
می شود. محکومیت

ذهن و قلب را در اختیار می گیرد. گناهکار حس عدالت دارد
یَهُوَه، و ترس از ظاهر شدن در گناه خود را احساس می کند
نجاست در برابر جستجوگر دلها. او عشق را می بیند
خدایا جمال قداست، لذت پاکی. او امیدوار است که باشد
پاک کنید و به ارتباط با بهشت بازگردید.
دعای داوود پس از سقوط او ماهیت آن را نشان می دهد
غم واقعی برای گناه توبه او خالصانه و عمیق بود. هیچ تلاشی برای تسکین گناه او وجود نداشت.

هیچ تمایلی برای فرار از تهدید قضاوت، دعای او را برانگیخت.
داوود عظمت گناه خود را دید. او آلودگی را دید
از روح شما؛ از گناه خود بیزار بود او فقط برای بخشش دعا نکرد
گناه، بلکه برای پاکی قلب. او آرزو داشت
شادی تقدس - بازگرداندن به هماهنگی و ارتباط با
خداوند. این زبان روح او بود: «خوشا به حال کسی که گنااهش آمرزیده شود و گنااهش پوشیده شود.» (مزمور

32:1

2).

«خوشا به حال مردی که خداوند به او نسبت نمی دهد
گاهی که در روح او نیرنگی وجود ندارد. به من رحم کن، او
خدایا، با توجه به محبت تو؛ و با توجه به کثرت شما

رحمت، گناهان مرا محو کن... زیرا من گناهان خود را می دانم و گناه من همیشه در پیش روی من است...

مرا با زوفا پاک کن تا پاک شوم. مرا بشور تا از برف سپیدتر شوم... خدایا در من دلی پاک بساز و روحی تزلزل ناپذیر در من تازه کن. مرا از حضورت دفع مکن

روح القدس را از من نگیر. شادی خودت را به من برگردان

رستگاری و با روحی مشتاق مرا حمایت کن... مرا از آن رهایی بخش

جنایات خون، ای خدا، ای خدای نجات من و زبان من

عدالت تو را ستایش خواهد کرد.» (مزمور 51:1-14)

رسیدن به چنین توبه ای از توان ما خارج است. فقط از مسیح که به آسمان عروج کرد و

به مردان هدیه داد

دقیقاً اینجا نقطه ای است که خیلی ها اشتباه می کنند و

بنابراین، آنها از دریافت کمکی که مسیح می خواهد به آنها بپردازد، شکست می خورند. آنها

فکر می کنند که نمی توانند به مسیح بیانند مگر اینکه ابتدا آنها را انجام دهند

توبه کنند و این توبه آنها را برای آمرزش گناهانشان آماده می کند. این یک واقعیت است که توبه واقعی مقدم

است

آمرزش گناهان، زیرا تنها قلب شکسته و پشیمان است که نیاز به نجات دهنده را احساس می کند. اما آیا گناهکار

باید صبر کند تا قبل از آمدن نزد عیسی توبه کند؟ آیا توبه مانعی بین

گناهکار و نجات دهنده؟

کتاب مقدس تعلیم نمی دهد که گناهکار باید توبه کند

قبل از اینکه بتواند دعوت مسیح را بشنود: «همگی نزد من بیایید

که خسته و سنگین شده ای و من به تو آرامش خواهم داد.» (متی 11:28) این فضیلتی

است که از مسیح بیرون می آید که به اصیل منتهی می شود

توبه پطرس این موضوع را در بیانیه اش به بنی اسرائیل روشن کرد، زیرا گفت: «اما خدا با دست راست خود او را

به عنوان شاهزاده و نجات بخشید تا به اسرائیل عطا کند.

توبه و آمرزش گناهان.» (اعمال رسولان 5:31)

آیا می توانیم بدون روح مسیح برای بیدار کردن آنها توبه کنیم؟

وجدان به همان اندازه که بدون مسیح نمی توانیم بخشیده شویم.

مسیح سرچشمه هر انگیزه خوبی است. او تنها کسی است که می تواند

دشمنی با گناه را در دل بکارید. هر آرزویی پس از حقیقت و پاکی، هر اعتقاد به گناهکاری خودمان، دلیلی بر این است که روح او در ما کار می کند.

قلیها.

عیسی گفت: «و من وقتی از زمین بلند شوم، خواهم کشید

همه به خودم.» (یوحنا 12: 32) مسیح باید به آنها آشکار شود

گناهکار مانند نجات دهنده ای که برای گناهان جهان می میرد. و،

به محض اینکه بره خدا را روی صلیب می اندیشیم

جلگه، راز رستگاری برای ما آشکار می شود

ذهن ها، و خوبی های خدا ما را به توبه می کشاند.

مسیح با جان دادن برای گناهکاران، عشقی را آشکار کرد که قابل درک نیست. و به محض این که گناهکار در این عشق بیندیشد، او

قلب را نرم می کند، ذهن را تحت تأثیر قرار می دهد و در روح الهام می بخشد.

درست است که مردان گاهی اوقات دچار این مشکل می شوند

شرمنده از راه گناه خود، و تغییر برخی از

عادات آنها، قبل از اینکه متوجه شوند که هستند

جذب مسیح شد اما هر زمان که آنها تلاش می کنند تا خودشان را اصلاح کنند، به دلیل میل خالصانه به انجام درست،

این قدرت مسیح است که آنها را می کشد. تأثیری که آنها ناخودآگاه هستند بر روح تأثیر می گذارد. آگاهی است

بیدار شده؛ و زندگی بیرونی اصلاح می شود. و به محض مسیح

ما را جذب می کند تا به صلیب او نگاه کنیم تا او را ببینیم که ماست

گناهان رخنه کرده اند، فرمان در وجدان صورت می گیرد. آ

شرارت زندگی شما و گناهی که در اعماق روح شما ریشه دارد

بر آنها آشکار می شود. آنها شروع به درک چیزی از عدالت مسیح می کنند و فریاد می زنند: «گناه چیست که برای

رستگاری قربانی خود به چنین قربانی نیاز دارد؟ آیا این همه عشق، این همه رنج، این همه تحقیر لازم بود که ما هلاک

نشویم، اما زندگی جاودانی داشته باشیم؟»

گناهکار ممکن است در برابر این عشق مقاومت کند، ممکن است از کشیده شدن خودداری کند

به مسیح، اما اگر مقاومت نکند، به سوی عیسی کشیده خواهد شد.

آگاهی از برنامه نجات شما را به پای صلیب خواهد برد
در توبه از گناهان خود، که باعث شد
رنج های پسر عزیز خدا.
همان ذهن الهی که روی چیزها کار می کند
طبیعت سخن گفتن با دل انسانها و آفرینش است
اشتقاق غیرقابل بیان برای چیزی که ندارند. چیزهای از
دنیا نمی تواند خواسته شما را برآورده کند. روح خدا است
التماس از آنها برای جستجوی چیزهایی که فقط
می تواند آرامش و استراحت بدهد - فیض مسیح، شادی
تقدس با تأثیرات مرئی و نامرئی ناجی ما است
دائماً تلاش می کند تا ذهن انسانها را از لذت های رضایت بخش گناه، به سوی نعمت های بی پایان که ممکن است
از آنها در او باشد، بکشاند. برای همه این روح ها که هستند

بیهوده به دنبال نوشیدن از آب انبارهای شکسته این جهان الهی است
خطاب به این پیام آمده است: «کسی که می شنود بگوید: بیا! اونی که داره
تشنگی بیاید و هر که بخواد آب حیات را مجانی دریافت کند.»
(مکاشفه. 17: 22)

شما که در دلتان به چیزی بهتر از این امید دارید
جهان می تواند بدهد، این آرزو را به عنوان صدای خدا به رسمیت بشناسد
روح تو. از او بخواهید که به شما توبه کند، تا شما را آشکار کند
مسیح در عشق بی پایان خود، در خلوص کامل خود. در زندگی از
منجی، اصول شریعت خدا - عشق به خدا و انسان -
کاملاً نمونه بودند. خیرخواهی، عشق فداکارانه،
این زندگی روح او بود. و زمانی است که در او فکر می کنیم، زمانی که نور
نجات دهنده ما بر ما می افتد که گناهکاری را می بینیم
قلب خودمان
ما ممکن است مانند نیکودیموس فرض کنیم که زندگی ما درست بوده است، شخصیت اخلاقی ما
درست است، و
فکر کن که لازم نیست قلبمان را در برابر خدا خاشع کنیم
گناهکار مشترک اما زمانی که نور مسیح می درخشد
در روحمان خواهیم دید که چقدر نجس هستیم.
ما خودخواهی انگیزه ها را تشخیص خواهیم داد. دشمنی با خدا که

هر عمل زندگی را آلوده کرده است. سپس ما تشخیص خواهیم داد که ما خود عدالت به راستی مانند پارچه های کثیف است و فقط همین خون مسیح می تواند ما را از آلودگی گناه پاک کند، و قلب ما را به شکل خودش تجدید کند.

پرتوی از جلال خدا، درخششی از خلوص مسیح با نفوذ در روح، هر لکه یا آلودگی ایجاد می کند به طور دردناکی متمایز بود و برگها ناهنجاریها و نقصها را نشان دادند از شخصیت انسان امیال واهی را آشکار می کند، بی وفایی دل، ناپاکی لب، اعمال از بی وفایی گناهکار که قانون خدا را باطل می کند، در معرض دید او قرار می گیرد و روح او تحت تأثیر جستجوگر روح خدا تحت تأثیر قرار می گیرد و متأثر می شود. او به محض دیدن شخصیت پاک و بی لک مسیح از خود متنفر است.

هنگامی که دانیال نبی جلال را که احاطه کرده بود دید رسول آسمانی که برای او فرستاده شده بود با یک له شد احساس ضعف و نقص خود را دارند. توصیف اثر او می گوید: «هیچ قدرتی در من باقی نمانده بود. صورت من رنگش عوض شد و تغییر شکل یافت و من هیچ قدرتی نداشتم.» (دانیال 10:8) روحی که به این ترتیب لمس می شود از خودخواهی خود متنفر خواهد بود، از عشق به خود متنفر خواهد بود و از طریق عدالت مسیح به دنبال پاکی قلبی خواهد بود که با شریعت خدا و شخصیت خدا هماهنگ باشد.

مسیح.

پولس می گوید که "در مورد عدالتی که در شریعت است" - تا آنجا که به ظاهر خود اهمیت می داد - او "بی عیب" بود (فیلیپیان 3: 6). اما وقتی خصوصیت معنوی شریعت مشخص شد، خود را یافت یک گناهکار طبق قانون، همانطور که مردان آن را اعمال می کنند، قضاوت می شود برای زندگی ظاهری که از گناه دوری کرده بود. با این حال، زمانی که او به اعماق احکام مقدس خود نگاه کرد و خود را دید حتی چون خدا او را دید، با ذلت سر تعظیم فرود آورد و اعتراف کرد تقصیر تو او می گوید: «یک بار بدون قانون زندگی می کردم، اما، زمانی که حکم، گناه را زنده کرد و من مردم.» (رومیان 7:9) زمانی که او

با دیدن ماهیت روحانی شریعت، گناه در حقیقت ظاهر شد
بدخیمی، و عزت نفس او ناپدید شد.
خداوند همه گناهان را یکسان نمی داند.
در ارزیابی او درجاتی از گناه وجود دارد، همانطور که در آن وجود دارد
ارزیابی انسان اما، هر چند ناچیز به عنوان این یا
این عمل نادرست ممکن است در چشم مردان ظاهر شود، نه
گناه از نظر خدا کوچک است. قضاوت انسان است
جزئی، ناقص، با این حال خداوند همه چیز را چنین می داند
آنها واقعا هستند. مست را تحقیر می کنند و به او می گویند که گناه اوست
شما را از بهشت دور می کند، در حالی که غرور، خودخواهی، طمع تقریباً همیشه
بدون رد شدن بگذرد اما اینها گناهانی هستند که مخصوصاً برای خدا توهین آمیز هستند، زیرا با احسان شخصیت او،
با عشق ایثارگرانه که خود خداست، در تضاد هستند.

جو جهان سقوط نکرده هرکسی که در هر یک از اینها بیفتد
گناهان بزرگ می توانند احساس شرم و فقر شما را به وجود آورند،
و نیاز آنها به فیض مسیح. با این حال، افتخار
احساس نیاز می کند و سپس قلب خود را در برابر مسیح و مسیح می بندد
نعمت های بی نهایت او آمد تا بدهد.
باجگیر فقیری که دعا می کرد: «خدا یا به من رحم کن.
گناهکارا!" (لوقا، 18:13) خود را مردی بسیار شریر می دانست، و دیگران او را در همین نور می دیدند. با این حال، او
خود را احساس کرد
نیاز، و با بار گناه و شرمش پیش آمد
خداوند برای رحمت او التماس می کند. دلت باز بود
تا روح خدا کار مهربان خود را انجام دهد و شما را از آن رهایی بخشد
قدرت گناه دعای پر از غرور و خودپسندی
فریسی نشان داد که قلب او به تأثیر روح القدس بسته است. او به دلیل دوری از خدا، بر خلاف کمال الهی، آلودگی
خود را احساس نمی کرد.

تقدس او احساس نیاز نمی کرد و چیزی دریافت نمی کرد.
اگر گناهکاری خود را می بینید، انتظار نداشته باشید که تبدیل شوید
بهتر. خیلی ها هستند که فکر می کنند برای رفتن به اندازه کافی خوب نیستند
به مسیح آیا امیدوارید با تلاش خودتان بهتر شوید؟

"آیا اتیوپیایی می تواند پوست خود را تغییر دهد یا پلنگ پوست خود را؟
لکه ها؟ پس آیا می توانی نیکی کنی، هر چند به بدی عادت کرده ای؟» (ارمیا 13:23 فقط در خداست که به ما کمک
می کند. ما نباید منتظر ترغیب های قوی تر باشیم، زیرا

فرصت های بهتر یا با خلق و خوی مقدس تر. خیر
ما هیچ کاری از خودمان نمی توانیم بکنیم. ما باید اینگونه به مسیح بیاییم
ما چطوریم.

اما اجازه ندهیم کسی خودش را گول بزند
فکر می کرد که خداوند با محبت و رحمت عظیم خود چنین خواهد کرد
نجات حتی کسانی که لطف او را رد می کنند. گناه بیش از حد گناه را می توان تنها در پرتو صلیب تخمین زد.

وقتی مردان اصرار دارند که خدا آنقدر خوب است که نمی تواند گناهکار را بیرون کند، آنها را
وادار کنید به جلگه نگاه کنند. به این دلیل بود که وجود نداشت
وسایل دیگری که به وسیله آنها انسان می تواند نجات یابد، زیرا بدون این
فداکاری غیرممکن بود که نسل بشر از قدرت فرار کند
آلوده کننده گناه است و با آن ارتباط برقرار می کند
مقدسین - غیرممکن است که دوباره شرکت کنند
از زندگی روحانی - به این دلیل بود که مسیح بر خود گرفت
حتی گناه نافرمانان و رنج کشیدن در جای گناهکاران.
عشق، رنج و مرگ پسر خدا همگی گواه این امر است
عظمت وحشتناک گناه. و اعلام کنید که هیچ راه گریزی از آن نیست
قدرت، بدون امید به زندگی بهتر، جدا از تسلیم شدن
روح به مسیح

توبه کنندگان گاهی خود را بهانه می گیرند
در مورد مسیحیان خود بگویید: «من به اندازه آنها خوبم. آنها نمی کنند
آنها از من فداکارتر، سنجیده تر یا محتاط تر از من هستند. آنها هم مثل من عاشق لذت و خودپسندی هستند.»

بنابراین آنها عیب دیگران را بهانه ای برای غفلت خود از انجام وظیفه می کنند. اما گناهان و عیوب دیگران هیچ کس
را معذور نمی کند، زیرا خداوند به ما الگویی نداده است

انسان گم شده پسر معصوم خدا به عنوان ما داده شد
به عنوان مثال و کسانی که از مسیر اشتباه اساتید شاکی هستند

مسیحیان کسانی هستند که باید زندگی بهتر و نجیب تر نشان دهند
مثال ها. اگر آنها چنین تصور بالایی از اینکه یک مسیحی باید باشد داشته باشند، آیا گناه خودشان خیلی بزرگتر
نیست؟ آنها می دانند چه چیزی درست است و با این حال از انجام آن سرباز می زنند.

مراقب تعلل باشید. کار را به تعویق نیندازید
از گناهان خود برگردید و از طریق آن به پاکی دل بجوید
عیسی. اینجا جایی است که هزاران نفر اشتباه کرده اند، به ضررشان
ابدی. من در اینجا به کوتاهی و عدم قطعیت آن نمی پردازم
زندگی، با این حال یک خطر وحشتناک وجود دارد - یک خطر نه
به اندازه کافی درک شده است - در تأخیر در پاسخ به صدای التماس انگیز روح القدس خدا، انتخاب زندگی گناه آلود،
زیرا این همان چیزی است که چنین تاخیری نشان می دهد. گناه، هر چند

را می توان به عنوان کوچک تخمین زد، فقط می توان با آن نوازش کرد
خطر از دست دادن بی نهایت آنچه بر آن غلبه نکنیم ما را شکست خواهد داد و
باعث نابودی ما خواهد شد
آدم و حوا خودشان را متقاعد کردند که از چنین نقطه ای
کوچک به عنوان خوردن میوه ممنوعه نمی تواند به عنوان
عواقب وخیم همانطور که خدا اعلام کرده بود. اما این نکته کوچک تخطی از قانون مقدس و تغییر ناپذیر خداوند بود و
انسان را از خدا جدا کرد و دریچه های مرگ و نفرین ناگفتنی را بر جهان گشود. روزگاری پس از سن زمین را ترک کرده
است

فریاد گریه مداوم، و تمام خلقت ناله و سرگردان است
با هم در درد، به عنوان یک نتیجه از نافرمانی از
مرد. حتی بهشت نیز آثار طغیان انسان را احساس کرده است
در برابر خدا جلگه به عنوان یادبودی برای حیرت آور ایستاده است
فداکاری لازم برای کفاره تخطی از قانون الهی است. ما نمی کنیم
بیاپید به خود اجازه دهیم که گناه را امری پیش پا افتاده بدانیم.
هر عمل تخطی، هر غفلت یا رد فیض مسیح بر خود واکنش نشان می دهد، قلب را سخت می کند، اراده
را تضعیف می کند، درک را کسل می کند، و نه

فقط باعث می شود کمتر تمایل داشته باشید که تسلیم شوید، اما کمتر بتوانید
تسلیم دعای لطیف روح القدس خدا شوید.

بسیاری با این وجدان آشفته را آرام می کنند

فکر می کنند که می توانند مسیر شر را هر زمان که بخواهند تغییر دهند. که می تواند دعوت های رحمت را سبک کند و همچنان تحت تأثیر قرار گیرد. آنها فکر می کنند که بعد از

روح فیض را پس از قرار دادن آنها غمگین کنید

نفوذ در سمت شیطان، در زمان وحشتناک

دشواری ممکن است مسیر خود را تغییر دهد. با این حال، این طوری نیست

به راحتی به دست می آید. تجربه، آموزش یک عمر، دارد

آنقدر شخصیتی که کمتر کسی آرزوی او را دارد شکل گرفته است

تصویر عیسی را دریافت کنید

حتی یک ویژگی بد شخصیتی، یک آرزوی گناه آلود، که دائماً گرامی داشته شود، در نهایت تمام

قدرت انجیل را خنثی خواهد کرد. هر زیاده‌روی گناه، روح را تقویت می‌کند

بیزاری از خدا مردی که خیانت سرسختانه نشان می دهد،

یا بی تفاوتی بی تفاوت نسبت به حقیقت الهی، تنها است

آنچه را که خود کاشته بود درو می کرد. در کل کتاب مقدس وجود ندارد

هشدار وحشتناک تر در مورد بازی با شر که در سخنان مرد خردمند بیان شده است: گناهکار "به طناب های

گناهش بسته خواهد شد." (امثال، 5:22)

مسیح آماده است تا ما را از گناه رهایی بخشد، اما او اراده را مجبور نمی کند. و اگر، از طریق تخطی

مداوم، بسیار

اراده کاملاً به شر بستگی دارد و ما نمی خواهیم چنین باشیم

آزاده، اگر قرار باشد فیض او را نپذیریم، دیگر چه می تواند

انجام دادن؟ ما خودمان را با عزم خود نابود کرده ایم

رد عشق او (...)" اکنون مناسب ترین زمان است،

اینک، اکنون، روز نجات است." «امروز اگر صدای او را می شنوید، دل های خود را سخت مکن.» (دوم قرن بیان

2: 6 و عبرانیان 7: 3 و 8)

"انسان به بیرون می نگرد، اما خداوند به قلب می نگرد." (من

سموئیل، 16:7) قلب انسان با احساسات متضاد شادی و اشک، قلبی سرکش و گمراه است که در آن ساکن

است.

اینهمه ناپاکی و مغالطه خداوند از انگیزه های شما آگاه است

نیات و مقاصد خود با تمام وجودت به سوی او برو

همانطور که هست خدشه دار شد مانند مزمورنویس، اتاق های خود را به روی چشم بینا باز کنید و فریاد بزنید:
«خدایا، مرا جستجو کن و

قلیم را بشناس، مرا بیازمای و افکارم را بشناس. بین آیا راه بدی در من هست و مرا در این راه راهنمایی کن

ابدی." (مزمور 23: 139 و 24).

بسیاری یک مذهب روشنفکری را می پذیرند، نوعی از

مهربانی وقتی دل پاک نیست اجازه دهید این باشد

دعای او: «خدایا در من دلی پاک بیافرین و در درونم تجدید کن

روحي تزلزل ناپذیر از من.» (مزمور 51:10) صادقانه رفتار کنید

با روح خودت به همان اندازه جدی باشید که اگر زندگی فانی شما در خطر بود، پیگیر باشید. این موضوعی

است که باید بین خدا و روح خودت حل و فصل شود و تا ابد حل و فصل شود. یک امید فرضی و هیچ چیز

بیشتر، خودش را ثابت خواهد کرد

ویرانه اش

کلام خدا را با دعا زیاد مطالعه کنید. این کلمه به شما می دهد

در شریعت خدا و در زندگی مسیح، اصول بزرگ را ارائه می دهد

از قدوسیت، که بدون آن «هیچ کس خداوند را نخواهد دید» (عبرانیان ۱۲:

14) گناه را متقاعد می کند؛ راه نجات را به طور کامل آشکار می کند. به آن توجه کنید، مانند صدای خدا که با

شما صحبت می کند

آلما

همین که عظمت گناه را دیدی، همین که دیدی

همانطور که واقعا هستی، تسلیم ناامیدی نشوید. مسیح آمد

برای نجات گناهکاران ما مجبور نیستیم خدا را با خود آشتی دهیم،

اما - او، عشق شگفت انگیز! - خدا در مسیح «آشتی می کند

جهان با من است» (دوم قرنتیان 5: 19) او برای عشق لطیف خود است

دلهای فرزندان گناهکارش را پر می کند. هیچ پدر زمینی نمی تواند در برابر خطاها و عیوب فرزندانش به اندازه

خدا با کسانی که می خواهد نجات دهد صبور باشد. هیچ کس نمی توانست با مهربانی بیشتر با متخلف دعا

کند. هرگز لب‌های انسان به اندازه او به سرگردان دعا نمی‌کردند.

تمام وعده های او، هشدارهای او چیزی جز این نیست

آه های عشق غیر قابل بیان

وقتی شیطان می آید تا به تو بگوید که گناهکار بزرگی هستی،
به نجات دهنده خود نگاه کن و از شایستگی های او صحبت کن. آنچه به شما کمک خواهد کرد این است که به نور او
بنگرید. گناه خود را بپذیر، اما به او بگو
دشمن این است که «مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات دهد» (اول تیموتائوس ، 1:15) و شما می
توانید با عشق بی همتای او نجات پیدا کنید.
عیسی از شمعون در مورد دو بدهکار سؤال کرد. یکی
به اربابش مبلغ ناچیزی بدهکار بود و دیگری به او یک
مبلغ زیادی با این حال، او هر دو را بخشید و مسیح درخواست کرد
سیمون، کدام بدهکار ارباب خود را بیشتر دوست دارد. شمعون پاسخ داد: "کسی که بیش از همه بخشیده است"
(لوقا . 7: 43) ما گناهکاران بزرگی بوده ایم، اما مسیح مرد تا ما را ببخشد. شایستگی فداکاری او کافی است

از طرف ما به پدر ارائه شود. کسانی که به آنها بیشتر است
با بخشش، آنها او را بیشتر دوست خواهند داشت و به تخت او نزدیک تر می شوند تا او را به
خاطر عشق بزرگ و فداکاری بی پایانش ستایش کنند. و وقتی که
ما محبت خدا را که تشخیص می دهیم کاملاً درک می کنیم
گناه آلود بودن گناه بهتر است وقتی طول را می بینیم
از جریانی که برای ما گذاشته شده است، وقتی چیزی از قربانی بی پایانی را که مسیح برای ما انجام داد درک می
کنیم، قلبمان
ذوب شده به لطافت و پشیمانی

فصل 4

اعتراف

«کسی که گناهان خود را بپوشاند هرگز رستگار نخواهد شد. اما کسی که اعتراف کند و آنها را ترک کند، رحمت خواهد شد.» (گفتن
28: 13).

شرایط کسب رحمت الهی ساده، منصفانه و معقول است. خداوند از ما نمی خواهد که کاری دردناک انجام دهیم تا بتوانیم برای گناه آمرزش بگیریم. ما نیاز نداریم

زیارت های طولانی و طاقت فرسا را انجام دهید یا با درد و رنج انجام دهید
توبه ها برای توصیه روحمان به خدای بهشت، یا
تا کفاره گناه ما اما آن که اقرار کند و رها کند
گناه شما رحمت خواهد کرد
رسول می فرماید: «به گناهان خود اعتراف کنید.

دیگران و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا پیدا کنید.» (یعقوب 5:16)

گناهان خود را نزد خدا اعتراف کنید، تنها کسی که می تواند شما را ببخشد و شما را
دلت برای همدیگه تنگ شده اگر به دوست یا همسایه خود توهین کرده اید، شما
او باید خطای خود را بشناسد و این وظیفه اوست که آزادانه او را ببخشد.
سپس باید از خداوند طلب بخشش کنید، زیرا برادری که
شما صدمه می بینید ملک خداوند است و با آزار دادن او گناه کرده اید
در برابر خالق و نجات دهنده آنها. پرونده در دادگاه مطرح می شود

میانجی واقعی، کاهن اعظم ما، که "در همه موارد مانند ما وسوسه شد، اما گناهی نداشت" و "می تواند با
ضعف های ما همدردی کند" (عبرانیان 4:15)

قادر است ما را از هر لکه گناه پاک کند.

کسانی که جان خود را در برابر خدا خاشع نکرده اند

اعتراف به گناه خود، اولین را کامل نکرده اند

شرط پذیرش اگر آن را تجربه نکنیم

توبه ای که چیزی برای توبه وجود ندارد و ما نداریم

ما در تحقیر واقعی روح و شکست روح با اعتراف به گناهان خود و بیزاری از گناه خود

ما هرگز واقعاً به دنبال بخشش گناه نیستیم. و اگر ما
ما هرگز به دنبال خدا نیستیم، هرگز با خدا آرامش نمی‌یابیم. تنها دلیلی که ما بخشش گناهان گذشته را نداریم این
است که نداریم

ما حاضریم دلهایمان را خاشع کنیم و به شرایط کلام حق رضایت دهیم. دستورالعمل خاصی داده شده است

در مورد این موضوع اعتراف به گناه اعم از علنی یا
خصوصی، باید صادقانه باشد و آزادانه بیان شود. او نباید باشد
از خجالت از گنهکار ربوده شد. نباید از آن ساخته شود
روشی بی‌اهمیت و بی‌ادقت، یا اجبار توسط کسانی که این کار را نمی‌کنند
آنها درک خاصی از ویژگی وحشتناک گناه دارند. اعترافی که بار گشایی اعماق جان است به سوی خدای رحمت بی
نهایت راه می‌یابد. مزمورنویس می‌گوید: «خداوند به دل شکستگان نزدیک است و شکستگان را نجات می‌دهد.

مظلوم،" (مزمور، 34:18)

اقرار واقعی همیشه از یک خاص و
گناهان خاص را می‌شناسد آنها ممکن است به گونه‌ای باشند که
باید تنها پیش خدا برد. آنها ممکن است خطاهایی باشند که
باید به افرادی اعتراف کرد که از طریق آنها آسیب دیده اند. یا ممکن است ماهیت عمومی داشته باشند و باید باشند
علنا اعتراف کرد اما هر اعترافی باید قطعی باشد و به سر اصل مطلب برود و به همان گناهی که مرتکب آن هستید
اعتراف کند.
گناهکار.

در روزگار سموئیل، بنی اسرائیل از خدا دور شدند. آنها
آنها از عواقب گناه رنج می‌بردند. از دست دادن خود
ایمان به خدا، قدرت تشخیص و خرد او را از دست داده اند
برای رهبری ملت، آنها اعتماد خود را به توانایی او از دست دادند
دفاع و دفاع از آرمان او. از بزرگان دور شدند
حاکم کائنات، و مایل بود که آن گونه که بودند اداره شود
ملل اطراف آنها قبل از رسیدن به آرامش، آنها این اعتراف خاص را انجام دادند: «به همه گناهان خود ما را نیز اضافه
می‌کنیم

این اشتباه است که برای خود پادشاه بخواهیم» (اول سموئیل، 12: 19) همون گناه

که آنها متقاعد شده بودند که باید به آن اعتراف کنند. شما ناسپاسی بر روح آنها ستم کرد و آنها را از خدا جدا کرد. اقرار بدون اخلاص مورد قبول خداوند نخواهد بود. توبه و اصلاح باید تغییرات تعیین کننده ای در زندگی ایجاد شود. هر چیزی که برای خدا توهین آمیز است باید کنار گذاشته شود. این خواهد بود نتیجه غم و اندوه واقعی برای گناه کاری که ما داریم آنچه باید از طرف ما انجام دهیم کاملاً پیش روی ما مشخص شده است: «خود را بشوید، پاکیزه شوید، بدی اعمال خود را از قبل دور کنید از چشمان من؛ دست از شرارت بردارید خوب کردن را بیاموزیم؛ عدالت را رعایت کنید، ظالم را سرزنش کنید. از حقوق یتیم دفاع کن و از بیوه ها دفاع کن.» (اشعیا 16: 1 و 17). «اگر فاسقان عهد را باز گردان و دزدیده شده را بپرداز، و بر اساس قوانین زندگی رفتار کن، بدون اینکه مرتکب گناهی شود، قطعاً زنده خواهد ماند. نخواهد مرد» (حزقیال 33: 15) پولس در مورد کار توبه می گوید: «زیرا چقدر مراقبت این چیز را در تو ایجاد نکرده است که به فرموده خدا غمگین شدی! چه دفاع، چه خشم، چه ترس، چه دلم برات تنگ شده، چه غیرت، چه محصولی! در همه چیز نشان دادید که در این تجارت پاک هستی.» (دوم قرنتیان 7: 11)

وقتی گناه ادراکات اخلاقی را ساکت کرده است، فاعل بد عیوب شخصیت خود را تشخیص نمی دهد و نه عظمت بدی که مرتکب شده را درک می کند. و مگر اینکه او تسلیم قدرت قانع کننده روح القدس می شود، در آن باقی می ماند نابینایی جزئی گناه او اعترافات شما صادقانه نیست و مشخص. به هر اعتراف به گناه خود اضافه می کند بهانه ای در بهانه راهش، اعلام می کند که اگر نکرد اگر شرایط خاصی بود این کار و آن را نمی کرد که به خاطر آن مورد سرزنش قرار می گیرد.

بعد از اینکه آدم و حوا از میوه ممنوعه خوردند، آنها احساس شرم و وحشت بر آنها غلبه کرد. اولاً، تنها فکر او این بود که چگونه گناه خود را عذر خواهی کند و از آن فرار کند ترس از حکم اعدام هنگامی که خداوند از او در مورد آدم به گناه خود پاسخ داد و تقصیر را تا حدی به گردن او انداخت

درباره خدا و نسبی درباره رفیقش: «زنی که
تو مرا به همسری دادی، او از درخت به من داد و من خوردم.» زن
تقصیر را به گردن مار انداخت و گفت: مار مرا فریب داد و خوردم. (پیدایش 12: 3 و 13) «چرا مار را ساختی؟ چرا
سعی کردی او را در عدن قرار دهی؟» اینها سوالاتی بود

ضمن عذرخواهی از گناهش، خدا را متهم می کند
با مسئولیت سقوط او روحیه توجیه
خود از پدر دروغ سرچشمه گرفته و توسط آن به نمایش گذاشته شده است
همه پسران و دختران آدم. اعترافات این دستور نیست
الهام گرفته از روح الهی، و مورد قبول خداوند نخواهد بود. توبه واقعی باعث می شود که انسان تقصیر را به گردن
خود بیاندازد و بدون فریب و ریا به آن اعتراف کند. مانند باجگیر بیچاره، بدون اینکه چشمانش را به آسمان بردارد،
فریاد خواهد زد: «خدایا!

به من گناهکار رحم کن» و کسانی که
تشخیص می دهد که خطاهای آنها توجیه خواهد شد، زیرا عیسی از آنها دفاع خواهد کرد
خون او به نفع روح توبه کننده.
نمونه هایی از توبه و ذلت واقعی
موجود در کلام خدا روحی از اعتراف را آشکار می کند که در آن هیچ بهانه ای برای گناه یا تلاش برای توجیه خود
وجود ندارد.
پل سعی نکرد از خود محافظت کند. او گناه خود را به سیاه ترین رنگ آن رنگ آمیزی کرد، بدون اینکه
سعی کند گناه خود را کاهش دهد. او می گوید:
من بسیاری از مقدسین را در زندانها حبس کردم. و در برابر اینها مال خود را دادم
وقتی آنها را کشتند، رأی بدهند.»
"اغلب آنها را در هر کنیسه تنبیه می کردم.
آنها را مجبور به کفرگویی می کند. و بیش از حد عصبانی است
آنها را حتی از طریق شهرهای عجیب و غریب تعقیب کرد." (اعمال 26:10 و
(11) او از اعلام اینکه «مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکارانی را که من سرآمد آنها هستم، نجات دهد، تردید
نکرد.» (اول تیموتائوس: 1)

15).

قلب متواضع و شکسته، تحت تسلط واقعی
با توبه، چیزی از محبت خدا و هزینه آن را قدردانی خواهید کرد
جلگه. و همانطور که یک پسر به یک پدر معشوق اعتراف می کند

توبه کننده واقعی تمام گناهان خود را نزد خدا می آورد. و نوشته شده است: «اگر به گناهان خود اعتراف

کنیم، او امین و عادل است

گناهان ما را ببخش و ما را از هر ناحقی پاک کن.» (اول یوحنا: 1

9).

فصل 5

تقدیس

وعده خدا این است: «مرا خواهید جست و آنگاه مرا خواهید یافت

مرا با تمام وجودت جستجو کن.» (ارمیا 29:13)

تمام قلب باید به خدا تسلیم شود، وگرنه هرگز نمی توان تغییری در ما ایجاد کرد که به وسیله آن به تصویر او بازگردیم. ما ذاتاً از خدا بیگانه هستیم. روح القدس وضعیت ما را با کلمات زیر توصیف می کند: "مرده در

گناهان و گناهان شما» (افسیان 1: 2) "کل سر بیمار است،

و تمام دل بیمار است"; "در او هیچ صدایی نیست" (اشعیا 5: 1 و 6).

ما را در دام شیطان محکم گرفته اند. "او را اسیر کرد تا اراده او را انجام دهد" (دوم تیموتائوس 26: 2) خدا ما را می خواهد

شفا بدهد. ما را آزاد کن اما برای اینکه این اتفاق بیفتد به یک دگرگونی کامل نیاز دارد، یک تجدید کامل ماهیت ما، ما باید کاملاً تسلیم او شویم. جنگ علیه خود بزرگترین نبردی است که تاکنون انجام شده است. تسلیم نفس، تسلیم شدن

کاملاً به خواست خدا نیاز به تلاش دارد. اما روح

قبل از اینکه بتوان آن را تجدید کرد باید تسلیم خدا شد

تقدس

حکومت خدا چنان نیست که شیطان ظاهر می کند،

مبتنی بر تسلیم کور، کنترل غیر منطقی است. خداوند

به عقل و وجدان متوسل می شود. «پس بیایید و با هم استدلال کنیم» است

دعوت خالق به موجوداتی که او ساخته است. خدا مجبور نمی کند

اراده مخلوقاتش او نمی تواند این افتخار را بپذیرد

هوشمندانه و داوطلبانه داده نمی شود. یک تسلیم صرف

اجباری مانع از رشد واقعی ذهن یا شخصیت می شود.

انسان را به یک ماشین خودکار تبدیل می کند. این هدف نیست

ایجاد کننده. او آن مرد را می خواهد، تاج کاری او

قدرت خلاق، دستیابی به بالاترین توسعه ممکن است. او اوج نعمتی را که ما را در نظر گرفته است پیش روی ما

قرار می دهد.

به واسطه لطف او تعالی بخشید. او ما را دعوت می کند که خودمان را بدهیم خود را به او بسپاریم تا او بتواند اراده خود را در ما عملی کند. این به ما بستگی دارد که انتخاب کنیم آیا از بردگی آزاد می شویم

گناه، شریک شدن در آزادی باشکوه فرزندان خدا.

در سپردن خود به خدا، باید

لزوماً هر چیزی را که ما را از او جدا می کند، رها کنیم. برای این

منجی می گوید: «پس هر که از شما این کار را نکند

از هر چه که دارد چشم پوشی می کند، او نمی تواند شاگرد من باشد.» (لوقا: 14

33) هر چیزی که دل ما را از خدا دور کند باید باشد

رها شده است. هر چیزی که دل را از خدا دور کند باید ترک شود. مامون بت خیلی هاست. عشق به پول، میل به ثروت،

زنجیر طلایی است که آنها را به شیطان می بندد. آبرو و افتخارات دنیوی را طبقه دیگری می پرستند. زندگی آسان

خودخواهی و رهایی از مسئولیت، بت دیگران است. ولی

این پیوندهای بردگی باید شکسته شود. ما نمی توانیم

نصف خدا و نصف دنیا بودن ما بچه نیستیم

خدایا مگر اینکه ما کاملاً خدا باشیم. کسانی هستند که

اعتراف می کنند که به خدا خدمت می کنند، در حالی که به تلاش های خود برای اطاعت از

شریعت او اعتماد می کنند، تا یک جامعه صالح و صالح تشکیل دهند.

نجات را تضمین کند دلشان از یک نفر تکان نمی خورد

احساس عمیق عشق مسیح، اما به دنبال انجام وظایف

از زندگی مسیحی گویی خداوند آنها را برای به دست آوردن بهشت خواسته است.

چنین دینی ارزشی ندارد. هنگامی که مسیح در قلب، روح ساکن است

از عشق او پر خواهد شد، از لذت ارتباط با او

او که با او متحد می شود و در تدبیر او نفس خواهد بود

فراموش شده. عشق به مسیح محرک عمل خواهد بود. آنهایی که

عشق قانع کننده خدا را احساس می کنند، آنها نمی پرسند که چقدر کم است

می توان آن را برای برآوردن نیازهای خداوند ساخت. آنها نمی کنند

آنها کمترین استاندارد را می خواهند، اما آرزوی انطباق کامل با اراده نجات دهنده خود را دارند. با آرزوی صمیمانه آنها

همه چیز را بدهید، و علاقه ای متناسب با ارزش آن ابراز کنید

هدفی که آنها به دنبال آن هستند پیشه ای از مسیح بدون او
عشق عمیق یک اشتباه محض، رسمی خشک و یک بار سنگین است.
آیا احساس می کنید که تسلیم همه چیز به مسیح، قربانی بسیار بزرگی است؟ این سوال را از خود
پرسید: «مسیح چه می کند
به من دادی؟» پسر خدا همه چیز را داد - زندگی، عشق و رنج -
برای رستگاری ما و چه بسا که ما نالایقان
آیا ما دل‌های خود را از او دریغ خواهیم کرد؟ آ
ما در هر لحظه از زندگی خود در آن شرکت داشته ایم
برکات لطف اوست و به همین دلیل ما نمی توانیم
عمق جهل و بدبختی را که از آن نجات یافته ایم را کاملاً درک کنید. آیا می‌توانید به کسی که گناهانتان او را سوراخ
کرده است نگاه کنید و هنوز هم مایل باشید که تمام عشق و فداکاری او را از بین ببرید؟ با توجه به تحقیر بی
نهایت از

پروردگار جلال، آیا ما زمزمه می کنیم زیرا می توانیم وارد شویم
زندگی فقط از طریق درگیری و انکار؟
سوال بسیاری از قلب های مغرور این است: "چرا من نیاز دارم؟
قبل از اینکه بتوانم از پذیرش نزد خدا مطمئن شوم، به توبه و ذلت بروم؟" من شما را به مسیح هدایت می کنم.
او بدون گناه بود و بیش از آن شاهزاده بهشت بود. با این حال، در

لطف انسان توسط نژاد گناه شد. «او در شمار متخلفان قرار گرفت. و گناهان بسیاری را بر دوش گرفت و شفاعت
کرد

برای متخلفان» (اشعیا، 53:12)

اما وقتی همه چیز را می دهیم از چه چیزی دست می کشیم؟ یکی
قلب آلوده به گناه، برای عیسی برای تطهیر، برای پاک کردن از طریق
خون خود او و برای نجات با عشق بی همتای او. و
حتی مردها هم فکر می کنند سخت است که همه چیز را رها کنند! از شنیدن این موضوع شرمنده ام، از نوشتن
آن شرم دارم.

خدا از ما نمی خواهد که چیزی را که هست رها کنیم
برای حفظ بهترین منافع ما در هر کاری که انجام می دهد، او این را دارد
از نظر رفاه فرزندان. که همه اونایی که ندارند
منتخب مسیح می تواند بفهمد که او چیزی بسیار دارد
ارائه بهتر از چیزی که خودشان به دنبال آن هستند

یکسان. انسان بزرگترین ضرر و ظلم را در حق خود می کند
روح خود را هنگامی که بر خلاف اراده خدا فکر می کند و عمل می کند.
هیچ شادی واقعی را نمی توان در مسیری که از سوی آن کسی که بهترین را می داند و برای خیر و صلاح مخلوقاتش
برنامه ریزی می کند ممنوع کرده است، یافت. راه معصیت، راه بدبختی است و

لغو کردن

این اشتباه است که فکری را که خدا از آن خشنود است ایجاد کنیم

بینید فرزندان او رنج می برند. تمام بهشت به شادی علاقه دارد
از انسان پدر آسمانی ما راه های شادی را بر روی آن نمی بندد
هیچ یک از مخلوقات او مقتضیات الهی از ما می خواهد که از آن عیش و نوش هایی که باعث رنج و ناامیدی می شود که
درها را به روی ما می بندد، دست برداریم.

شادی و بهشت نجات دهنده جهان مردان را به عنوان می پذیرد
آنها با تمام خواسته ها، نقص ها و ضعف هایشان هستند. خودش است
نه تنها از گناه پاک می شود و رستگاری او را تضمین می کند
خون، اما آرزوی دل های همه کسانی را که می پذیرند یوغ او را بر دوش بگیرند و بار او را بر دوش بگیرند، برآورده خواهد
کرد. هدف اوست
صلح و آرامش را به همه کسانی که برای نان زندگی نزد او می آیند، ابلاغ کن. او از ما می خواهد که فقط آن وظایف را
انجام دهیم که

قدم های ما را به اوج سعادت خواهد رساند که
نافرمان هرگز نمی تواند به آن برسد. زندگی واقعی و شاد
روح این است که مسیح در درون شکل بگیرد، امید جلال.
بسیاری از خود می پرسند: "چگونه باید خود را تسلیم کنم؟
برای خدا؟" می خواهی خودت را به او بسپاری، اما هستی
ضعیف در قدرت اخلاقی، در اسارت شک، و کنترل شده توسط
عادات زندگی گناه شما وعده ها و تصمیمات شما مانند ردی از شن است. شما نمی توانید افکار خود را کنترل کنید،

انگیزه های شما، محبت های شما علم به وعده هایش
عهد شکسته و ناتمام اعتماد شما را نسبت به صداقت خود ضعیف می کند و باعث می شود احساس کنید که خدا
نمی تواند شما را بپذیرد.

آی تی. با این حال، لازم نیست ناامید شوید. چه چیزی نیاز دارید
درک اراده واقعی است. این قدرت حاکم است

از ماهیت انسان، قدرت تصمیم‌گیری یا انتخاب. همه بستگی به عمل صحیح اراده دارد. خداوند قدرت انتخاب را به انسان داد. این وظیفه شماست که آن را اعمال کنید. شما نمی‌توانید قلب خود را تغییر دهید، خودتان نمی‌توانید محبت‌های خود را به خدا بدهید.

اما شما می‌توانید انتخاب کنید که به او خدمت کنید. شما می‌توانید اراده خود را به او بدهید. سپس او در شما کار خواهد کرد تا بخواهید و مطابق با آن عمل کنید حسن نیت او. بنابراین تمام طبیعت شما تحت الشعاع قرار خواهد گرفت کنترل روح مسیح محبت شما متمرکز خواهد بود او، افکار شما با او هماهنگ خواهد شد.

میل به نیکی و تقدس فی نفسه حق است. با این حال، اگر در آنجا متوقف شوید، آنها بی ارزش خواهند شد. زیاد آنها در حالی که منتظرند و می‌خواهند مسیحی باشند گم خواهند شد. آنها به حدی نمی‌رسند که اراده خود را به خدا بسپارند. آنها نمی‌کنند آنها اکنون مسیحی بودن را انتخاب می‌کنند.

از طریق اعمال صحیح اراده، یک کل تغییر می‌تواند در زندگی شما ایجاد شود. با تسلیم اراده خود به مسیح، تو با قدرتی که بالاتر از همه قدرت‌هاست متحد می‌شوی و قدرت‌ها شما از بالا قدرت خواهید داشت تا شما را تزلزل ناپذیر نگه دارد، و بدین ترتیب از طریق تسلیم دائمی در برابر خدا قادر خواهید بود زندگی جدید، همان زندگی ایمانی را تجربه کنید.

فصل 6

ایمان و پذیرش

به محض اینکه وجدان شما توسط روح بیدار شد
ای مقدس، تو چیزی از بدخیم بودن گناه، از قدرت، گناه و نفرینش دیده ای. و تو با بغض به او نگاه می کنی.
شما احساس می کنید که گناه شما را از خدا جدا کرده است، که اسپر قدرت شر هستید. هر چه بیشتر برای
فرار تلاش کنید، درماندگی خود را بیشتر درک می کنید. انگیزه های آنها ناپاک است. قلب تو

این کثیفه. می بینید که زندگی شما پر از خودخواهی و گناه بوده است.
آرزوی بخشیده شدن، پاک شدن، آزاد شدن دارید. هماهنگی با خدا،
برای به دست آوردن آن چه کاری می توانید انجام دهید؟
این آرامشی است که شما نیاز دارید. بخشش آسمانی، آرامش و عشق در
روح پول نمی تواند آنها را بخرد، عقل نمی تواند به آنها برسد. شما هرگز نمی توانید امیدوار باشید، با تلاش
خود، آنها را تضمین کنید. اما خداوند آنها را به عنوان هدیه به شما تقدیم می کند، «بدون پول و

گرانها» (اشعیا 55:1) اگر فقط خود را تمدید کنید مال شماست
دست و آنها را بگیری خداوند می فرماید: «اگرچه گناهان شما باشد
مانند قرمز مایل به قرمز مانند برف سفید خواهند شد. حتی اگر
مثل زرشکی سرخ باشند، مثل پشم خواهند شد.» (اشعیا 1:
(18) من به تو قلب تازه ای خواهم داد و روحی تازه در درونت قرار خواهم داد"
(حزقیال 36:26).

به گناهان خود اعتراف کردی و آنها را از دل خود رها کردی.
تصمیم گرفتی خودت را به خدا بسپاری. اکنون نزد او برو و از او بخواه که فوراً گناهانت را پاک کند و بده

تو به قلب جدید پس باور کنید که او این کار را می کند زیرا او
پرومتئوس این درسی است که عیسی در دوران حضورش آموخت
زمین، که ما باید باور کنیم که هدیه ای را که خداوند دریافت کرده ایم
به ما وعده می دهد و مال ماست. عیسی مردم را از بیماری ها شفا داد
وقتی به قدرت او ایمان آوردند، او در کارها به آنها کمک کرد
که آنها می توانستند ببینند، بنابراین به آنها اعتماد به او را القا می کردند

در مورد چیزهایی که نمی توانستند ببینند، آنها را به سمت آنها سوق می دهد
به قدرت او در بخشش گناهان ایمان داشته باشید. او این را به طور کامل آموزش داد
در شفای مرد فلج شده: «اکنون که بدانید که
پسر انسان بر روی زمین اختیار دارد که گناهان را ببخشد
-سپس به فلج گفت: برخیز، رختخوابت را بردار و برو
خانه شما» (متی. 9: 6). یوحنا، مبعث، در مورد این می گوید
معجزات مسیح: «اما اینها ثبت شد تا ایمان بیاورید
که عیسی مسیح، پسر خداست، و با ایمان داشتن، می توانید داشته باشید
زندگی به نام او.» (یوحنا. 31: 20)

از سوابق ساده کتاب مقدس در مورد چگونگی شفای بیماران توسط عیسی، می توانیم چیزی در مورد
چگونگی ایمان آوردن به او برای آموزش گناهان بیاموزیم. بیایید به داستان فلج بتسدا برگردیم. رنجور بیچاره درمانده
بود. او از اندام خود استفاده نکرده بود

به مدت سی و هشت سال با این حال، عیسی به او دستور داد: «برخیز،
تختت را بردار و راه برو.» مرد بیمار می توانست بگوید:
«پروردگارا، اگر مرا شفا دهی، از قول تو اطاعت خواهم کرد.» اما نه،
او به کلام مسیح ایمان آورد، معتقد بود که شفا یافته است، و انجام داد
بلافاصله تلاش می خواست راه برود و راه رفت. تحت عمل کرد
کلام مسیح و خدا قدرت داد. او عاقل شد.
به همین ترتیب شما یک گناهکار هستید. نمیتونی کفاره بدی
گناهان گذشته شما با این حال، خداوند وعده داده است که همه این کارها را برای
شما از طریق مسیح شما این قول را باور دارید. تو اعتراف کن
گناهانش، و خود را به خدا می سپارد. تمایل شما به خدمت
لو همان طور که شما این کار را انجام دهید، خداوند او را برآورده خواهد کرد
کلمه برای شما اگر قول را باور کنید، باور دارید که هستید
آمرزیده و پاک، خداوند آن را چنین می کند. شما درست شده‌اید، درست همانطور که مسیح به فلج قدرت داد تا راه
برود، وقتی آن مرد به آن ایمان داشت
درمان شد. اینطور است اگر شما آن را باور کنید.

انتظار نداشته باشید که احساس کنید کامل شده اید، بلکه بگویید: «من این را باور دارم. این چنین
است، نه به این دلیل که من آن را احساس می کنم، بلکه به خاطر خدا

عیسی می‌گوید: «هر چه در دعا بخواهید، ایمان داشته باشید که آن را دریافت کرده‌اید و از آن شما خواهد شد» (مرقس 11:24). برای دریافت این وعده شرطی وجود دارد که به خواست خدا دعا کنیم. اما اراده خدا این است که ما را از شر آن پاک کند

گناه کنید، فرزندان او شوید و ما را قادر به زندگی مقدس کنید.

سپس می‌توانیم این نعمت‌ها را بخواهیم و باور کنیم که آنها را دریافت کرده ایم و خدا را شکر کنیم که آنها را دریافت کرده ایم. این مال ماست

افتخار آمدن نزد عیسی و پاک بودن و ایستادن در برابر شریعت، بدون

شرم یا پشیمانی بنابراین اکنون هیچ محکومیتی وجود ندارد

کسانی که در مسیح عیسی هستند» (رومان 8: 1)

از این پس، شما به خودتان تعلق ندارید. با قیمتی خریده شدی «با دانستن اینکه از طریق چیزهای فاسد نبوده است،

مثل نقره یا طلا که بازخرید شدی... اما برای چیز گرانبها

خون، مانند بره بی عیب و بی عیب، خون

مسیح» (اول پطرس 1: 18 و 19). از طریق همین عمل ساده اعتقاد به

خدایا، روح القدس زندگی جدیدی در قلب تو ایجاد کرد. شما هستید

مانند فرزندی که در خانواده خدا به دنیا آمده است و او شما را مانند آن دوست دارد پسرش را دوست دارد.

حالا که خودت را به عیسی دادی، برنگرد، نکن

جدا از او، اما روز به روز بگویند: «من از آن مسیح هستم. من خود را به او سپردم» و از او بخواهید که روح خود را به شما بدهد و شما را نزد او نگه دارد

رحمت. همانطور که با تسلیم شدن به خدا و ایمان به او،

شما فرزند او می‌شوید، باید در او زندگی کنید. رسول می‌فرماید: «اکنون،

همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته اید، در او سیر کنید.»

(کولسیان 2:6)

به نظر می‌رسد برخی احساس می‌کنند که باید محاکمه شوند، و

آنها باید قبل از اینکه بخواهند برکت او را بخواهند به خداوند ثابت کنند که اصلاح شده اند. اما الان هم می‌توانند از

خداوند طلب برکت کنند. آنها باید فیض او، روح مسیح را برای کمک به ناتوانی‌های خود داشته باشند، در غیر این

صورت نمی‌توانند در برابر شر مقاومت کنند. عیسی دوست دارد

به سوی او آمده ایم، همان طور که هستیم، پر از گناه،

درمانده، وابسته ما می‌توانیم با تمام وجود بیاییم

ضعفاها، حماقت‌های ما، گناهکاری‌های ما، و با توبه به پای او می‌افتیم. جلال اوست که ما را در آغوش او بپیچد

عشق بورز و زخم‌های ما را ببند تا ما را از هر ناپاکی پاک کند.

اینجاست که هزاران نفر شکست می‌خورند: آنها به عیسی اعتقاد ندارند

شخصاً، فردی ببخشید. آنها در کلام خدا به خدا چنگ نمی‌زنند. این امتیاز برای همه کسانی است که از آن پیروی می‌کنند

شرایط خود می‌دانند که بخشش گسترده است

آزادانه برای هر گناهی این شبهه را دور بریزید

وعده‌های خدا برای شما نیست. آنها برای هر کدام هستند

متجاوز توبه‌کننده قدرت و فیض از طریق فراهم شده است

مسیح باید توسط فرشتگان خدمتگذار برای هر روح مؤمن آورده شود. هیچ کس آنقدر گناهکار نیست که نتواند

قدرت، خلوص و عدالت را در عیسی، که برای آنها مرد، بیابد. او منتظر است

تا لباس‌های آلوده و آلوده‌شان را بردارند

گناه کرد و جامه سفید عدالت را بر آنها پوشاند. او

به آنها دستور می‌دهد که زنده بمانند و نمرند.

خداوند با ما مذاکره نمی‌کند همانطور که انسان‌های محدود مذاکره می‌کنند

با همدیگر. افکار او افکار رحمت، عشق و مهربانی است. او می‌گوید: «شریر راه خود را رها کنید، شریر افکار خود را

رها کنید. به سوی خداوند که به شما رحم خواهد کرد، روی آورید و به خدای ما روی آورید،

زیرا او در بخشش غنی است.» "من خلاف‌های شما را مانند

مه و گناهانت، مثل ابر.» (اشعیا، 44:22؛ 55:7)

می‌گوید: «چون من از مرگ کسی لذت نمی‌برم

خداوند. پس تبدیل شوید و زندگی کنید» (حزقیال، 18: 32)

شیطان آماده است تا فوراً نعمت را بدزد

ضمانت‌های خداوند او می‌خواهد هر بارقه امید و هر پرتو نوری را از روحش برباید، با این حال، شما نباید به او اجازه

این کار را بدهید. به سخنان وسوسه‌کننده گوش نده، بلکه بگو: «عیسی مرد تا من زنده بمانم. او مرا دوست دارد و

نمی‌خواهد من هلاک شوم.

من یک پدر آسمانی دلسوز دارم. و اگر چه من سوء استفاده کرده‌ام

از محبت او، با توجه به نعمت‌هایی که به من داد

هدر رفته، برخوادم خاست و نزد پدرم خواهم رفت و خواهم گفت: به آسمان و در برابر تو گناه کردم، دیگر شایسته نیستم که پسر تو خوانده شوم. با من به عنوان یکی از کارگران خود رفتار کن.» این مثل می گوید که چگونه از گمشده پذیرایی خواهد شد: «او هنوز خیلی دور بود.

وقتی پدرش او را دید و با دلسوزی برایش دوید و او را در آغوش گرفت
و او را بوسید.» (لوقا. 15:18-20)

اما حتی این مثل، همان طور که هست، لطیف و تأثیرگذار است
قادر به ابراز تمام شفقت بی پایان پدر آسمانی نیست. O

خداوند از طریق پیامبرش اعلام می‌دارد: «تو را به عشقی جاودانی دوست داشتم. مطابق
بنابراین من شما را با مهربانی جذب کردم» (ارمیا. 31:3) در حالی که گناهکار هنوز از خانه پدر دور است و خود را
در سرزمینی غریب تلف می‌کند، دل پدر در حسرت اوست. و هر اشتیاق بیدار شده در روح برای بازگشت به
سوی خدا چیزی کمتر از این نیست

التماس مهربان روح او، التماس، التماس، هدایت
به قلب مهربان پدرانه اش گم شد.

با وعده های غنی کتاب مقدس که پیش روی شماست، می توانید
شک و تردید ایجاد کند؟ آیا می توانید باور کنید که وقتی گناهکار بیچاره
آرزوی بازگشت، آرزوی بازگشت از گناهان، ممکن است خداوند شما را شدیداً بازدارد که با توبه به پای خود بیایید؟

دور از چنین افکاری! هیچ چیز نمی تواند بیشتر از این که چنین تصویری از پدر آسمانی ما داشته باشید، روح شما
را آزار دهد. او متنفر است

گناه می‌کند، اما گناهکار را دوست دارد، و خود را در شخص سپرد
مسیح، تا هر که بخواهد نجات یابد و داشته باشد

سعادت ابدی در ملکوت جلال چه زبانی

قوی یا لطیف می‌توانست از آنچه که او برای ابراز محبت خود نسبت به ما انتخاب کرد استفاده شود؟ او اعلام
می‌کند: «شاید

زن کودکی را که هنوز شیر می‌دهد فراموش می‌کند، به طوری که نمی‌کند

دلت برای بچه رحمت؟ اما حتی اگر او را فراموش کند، من تو را فراموش نخواهم کرد.» (اشعیا. 49:15)

شما که شک دارید و می‌لرزید، نگاه کنید، زیرا

عیسی زندگی می‌کند تا برای ما شفاعت کند. خدایا شکر بابت هدیه

از پسر عزیزت، و دعا کن که او برایش نمرده باشد

تو بیهوده روح امروز شما را دعوت می کند. با تمام وجودت بیا
قلب به عیسی، و شما می توانید دعای برکت او.
همانطور که وعده ها را می خوانید، به یاد داشته باشید که آنها ابراز محبت و رحمت وصف ناپذیری
هستند. قلب بزرگ عشق بیکران با شفقت بی پایان به سوی گناهکار کشیده می شود. "در

که از طریق آن رستگاری و از طریق خون او آمرزش گناهان داریم.»
(افسیان 1:7) بله، فقط باور کنید که خدا یاور شماست. او
می خواهد تصویر اخلاقی خود را در انسان بازگرداند. به محض اینکه شما
با اقرار و توبه به او نزدیک شوید، او نزدیک خواهد شد
از شما با رحمت و مغفرت.

فصل 7

آزمون شاگردی

«اگر کسی در مسیح باشد، مخلوق جدیدی است. چیزهای قدیمی

قبلاً گذشت؛ اینک چیزهای جدید شده است» (دوم قرنتیان. 17: 5)

ممکن است شخصی نتواند زمان یا مکان دقیق را بگوید یا کل زنجیره شرایط را در فرآیند تبدیل ردیابی کند، اما این ثابت نمی کند که او تبدیل نشده است. مسیح گفت

خطاب به نیکودیموس: «باد هر جا که بخواهد می وزد، صدایش را می شنوید، اما نمی کنید

شما می دانید از کجا می آید و نه به کجا می رود. بنابراین همه متولد می شوند

از روح» (یوحنا. 8: 3) مثل باد که نامرئی است، اما هست

تأثیرات کاملاً دیده و احساس می شود، روح خدا در آن است

کار او بر قلب انسان آن قدرت بازآفرینی،

که هیچ چشم انسانی نمی تواند ببیند، جان تازه ای در روح ایجاد می کند. موجودی جدید در تصویر خدا ایجاد می کند.

در حالی که کار روح ساکت و نامحسوس است، تأثیرات آن آشکار است. اگر

قلب توسط روح خدا تجدید شده است، زندگی شهادت خواهد داد

از آن. حتی اگر کاری برای تغییر قلبمان انجام ندهیم یا

تا ما را با خدا هماهنگ کند، هرچند که نباید

به هر طریقی به خودمان یا کارهای خوبمان اعتماد کنیم،

زندگی ما به هر نحوی نشان خواهد داد که فیض خداوند است

در درون ما ساکن است تغییر در شخصیت، عادات، اهداف مشاهده خواهد شد. تضاد بین آنچه بوده اند و آنچه

هستند مشخص و مشخص خواهد شد. شخصیت، نه با کارهای خوب گاه به گاه یا کارهای بد گاه به گاه، بلکه با گرایش

کلمات آشکار می شود

و اعمال عرفی

درست است که ممکن است یک اصلاح رفتار وجود داشته باشد

بدون قدرت تجدید کننده مسیح. عشق نفوذ و

میل به احترام دیگران می تواند یک زندگی منظم ایجاد کند.

احترام به خود می تواند ما را به دوری از ظاهر شیطان هدایت کند. یکی

قلب خودخواه می تواند اعمال سخاوتمندانه انجام دهد. چرا دیگه پس
آیا ما تعیین خواهیم کرد که در کدام سمت هستیم؟
صاحب قلب کیست؟ افکار ما با کیست؟ دوست داریم با چه کسی صحبت کنیم؟ کی دارد

پرشورترین محبت ها و بهترین انرژی های ما؟ اگر
ما از آن مسیح هستیم، افکار ما با او و ماست
افکار شیرین از آن اوست هر چه داریم و هستیم همین است
ما مشتاقیم که تصویر او را داشته باشیم و از او نفس بکشیم
روح، اراده او را انجام دهید و او را در همه چیز خشنود کنید.
کسانی که در مسیح عیسی مخلوقات جدیدی می شوند، ثمرات روح را نشان خواهند داد: «محبت،
شادی، صلح، صبر، مهربانی، نیکی، وفاداری، نرمی، خویشتن داری».

(غلاطیان 22: 5 و 23) آنها دیگر خود را از شکل نمی دهند

طبق شهبوات پیشین، اما با ایمان پسر

خداوند ردپای او را دنبال می کند، شخصیت او را منعکس می کند و خود را پاک می کند
همانطور که او پاک است. چیزهایی که زمانی از آنها متنفر بودند، اکنون
عشق؛ و چیزهایی که زمانی دوست داشتند از آنها متنفر بودند. متکبران و
قاطعانه، فروتن و فروتن می شود. بیهوده و مغرور جدی و معتدل می شود. مست هوشیار می شود و

ناخواسته، خالص آداب و رسوم بیهوده و مدهای دنیا کنار گذاشته شده است. مسیحیان به دنبال «زیور ظاهری»
نیستند، بلکه به دنبال «انسان» خواهند بود

باطن دل به جامه فساد ناپذیر روح حلیم متحد شده است

و صلح آمیز» (اول پطرس 3: 3 و 4).

هیچ دلیلی بر توبه واقعی وجود ندارد مگر اینکه

او اصلاحاتی را انجام می دهد. اگر رهن را برگرداند، آنچه را که دارد برمی گرداند

دزدیده شده، به گناهان خود اعتراف کند و خدا و همسایه اش را دوست داشته باشد
گناهکار می تواند مطمئن باشد که از مرگ به زندگی رسیده است.

هنگامی که ما به عنوان موجودات سرگردان و گناهکار به مسیح می آییم و در فیض بخشنده او شریک

می شویم، عشق در قلب متولد می شود. هر وظیفه سبک است، زیرا یوغ که مسیح است

تحمیل سبک است اطاعت تبدیل به لذت می شود و ایثار الف

لذت راهی که زمانی در تاریکی پوشیده به نظر می رسید تبدیل می شود

می درخشد با پرتوهای خورشید عدالت.

زیبایی شخصیت مسیح در شخصیت او دیده خواهد شد

پیروان این لذت او بود که اراده خدا را انجام دهد. عشق به خدا و غیرت برای جلال او قدرت کنترل کننده زندگی ما بود.

نجات دهنده عشق همه اعمال او را زیبا و اصیل ساخت. O

عشق مال خداست قلب غیر تقدیس نمی تواند سرچشمه بگیرد

آن را تولید کند یا تولید کند. فقط در قلب عیسی یافت می شود

سلطنت می کند. "ما دوست داریم زیرا او ابتدا ما را محبت کرد" (اول یوحنا. 4:19)

در دلی که به فیض الهی تازه شده است، عشق اصل عمل است.

شخصیت را تغییر می دهد، انگیزه ها را کنترل می کند، احساسات را کنترل می کند،

دشمنی را فرو می نشاند و محبت ها را بزرگ می کند. این عشق که در روح نهفته است، زندگی را خوشایند می کند و

تأثیر می گذارد

تصفیه کننده در همه چیز در اطراف

فرزندان خدا دو خطا دارند:

به ویژه کسانی که به تازگی شروع به اعتماد به او کرده اند

لطف - آنها به ویژه باید از خود محافظت کنند. اولی، قبلاً

نظر در مورد، این است که به کارهای خود نگاه کنند، به هر کاری که می توانند انجام دهند اعتماد کنند تا آنها را با خدا

هماهنگ کنند. کسی که سعی می کند با تلاش خود برای حفظ قانون مقدس شود، تلاش می کند

عدم امکان هر کاری که انسان بدون مسیح می تواند انجام دهد آلوده به خودخواهی و گناه است. این فقط فیض مسیح

است،

از طریق ایمان، که می تواند ما را مقدس کند.

خطای مخالف و نه کمتر خطرناک، ایمان به مسیح است

انسان را از رعایت قانون خدا رها می کند. از آنجایی که تنها با ایمان است که در فیض مسیح شریک می شویم، اعمال

ما هیچ ربطی به رستگاری ما ندارد.

اما در اینجا توجه داشته باشید که اطاعت صرفاً رضایت نیست

نمای بیرونی، در عین حال خدمتی از عشق. قانون خدا یک بیان است

از طبیعت خودش و این تجسم اصل عشق است

و بنابراین، پایه حکومت او در آسمان و زمین است. اگر

اگر محبت کنیم، قلبهای ما به مثابه خدا تجدید می شود
اگر قانون الهی در روح نهادینه شود، آیا قانون خدا در زندگی اجرا نمی شود؟ هنگامی که اصل عشق در قلب نهادینه
شود، هنگامی که انسان به شکلی که او را آفریده تجدید می شود، وعده عهد جدید محقق می شود: «قوانین خود
را در قلب او خواهم گذاشت و

آنها را بر ذهن او خواهم نوشت» (عبرانیان 10: 16) و اگر قانون باشد
در دل نوشته شده، آیا زندگی را شکل نخواهد داد؟ اطاعت - خدمت
و تسلیم محبت آمیز نشانه واقعی شاگردی است. و همینطور
کتاب مقدس می گوید: «زیرا محبت خدا این است که باید آن را حفظ کنیم
دستورات او.» «کسی که می گوید من او را می شناسم و احکام او را نگاه نمی دارم، دروغگو است و حقیقت در او
نیست» (اول یوحنا 3: 5 و 4: 2) به جای رهایی انسان از اطاعت، این ایمان و تنها ایمان است که ما را در فیض
مسیح شریک می کند.

که ما را قادر می سازد اطاعت کنیم.
ما با اطاعت خود رستگاری به دست نمی آوریم، زیرا
نجات هدیه ای رایگان از جانب خداست که با ایمان دریافت می شود.
«همچنین می دانید که او برای زدودن گناهان و در او ظاهر شد
هیچ گناهی وجود ندارد هر که در آن بماند زندگی نمی کند
گناه کردن هر که گناه کند او را ندیده و نشناخته است.»
(اول یوحنا 5: 3 و 6) در اینجا آزمایش واقعی است. اگر در مسیح بمانیم، اگر محبت خدا در ما ساکن باشد، ما

احساسات، افکار ما، اعمال ما در درون خواهند بود
هماهنگی با خواست خدا همانطور که در احکام بیان شده است
شریعت مقدس او: «فرزندان، نگذارید کسی شما را فریب دهد.
کسی که عدالت می کند عادل است، همانطور که عادل است.» (اول یوحنا
3: 7) عدالت با معیار شریعت مقدس خدا تعریف می شود، به عنوان
بیان شده در ده دستور داده شده در سینا.
آن ایمان پرگفته به مسیح که ادعا می کند انسان ها را از تعهد اطاعت از خدا رها می کند، ایمان
نیست، بلکه فرض است. "زیرا به فیض از طریق ایمان نجات یافته اید."

با این حال، «ایمان بدون اعمال به خودی خود مرده است» (افسیان
2: 8 و یعقوب 2: 17) عیسی قبل از آمدن به زمین درباره خود گفت:

«ای خدای من از انجام اراده تو لذت می برم. داخل من
قلب، قانون توست.» (مزمور 40:8) و درست قبل از اینکه دوباره به آسمان عروج کند، اعلام کرد: "من احکام پدرم
را نگاه داشته ام و در محبت او می مانم." (یوحنا 15:10)

کتاب مقدس می گوید: «اکنون از این طریق می دانیم که او را شناختیم: اگر
ما احکام او را نگاه می داریم... کسی که می گوید او باقی می ماند
در او نیز باید راه برود همان گونه که راه می رفت» (اول یوحنا 3: 2-
6) «زیرا مسیح نیز برای شما رنج کشید و شما را ترک کرد
برای شما مثالی است که در گام های او پیروی کنید» (اول پطرس 2: 21)
شرایط زندگی ابدی اکنون همان است که همیشه بوده است - همان چیزی که در بهشت قبل از سقوط
والدین اول ما بود - اطاعت کامل از قانون خدا، عدالت کامل. اگر حیات ابدی به هر شرطی تضمین می شد کمتر از

در این صورت، خوشبختی کل جهان در خطر خواهد بود. O
راه برای گناه، با همه جانشینی آن باز خواهد بود
نفرین و بدبختی، جاودانه شدن.
آیا ممکن بود آدم، قبل از سقوط، شخصیتی را شکل دهد
عادل با اطاعت از قانون خدا. اما او نتوانست این کار را انجام دهد، و به دلیل گناه او، طبیعت ما سقوط کرده است،
و ما نمی توانیم خود را عادل کنیم. از آنجایی که ما گناهکار و بی خدا هستیم، نمی توانیم کاملاً از مقدسات اطاعت
کنیم

قانون ما هیچ عدالتی از خود نداریم که بتوانیم آن را برآورده کنیم
ما مدعی قانون خدا هستیم. با این حال، مسیح راهی برای فرار ایجاد کرد
برای ما. او بر روی زمین در میان آزمایش ها و وسوسه هایی مانند زندگی می کرد
که باید با آن روبرو شویم. او زندگی بی گناهی داشت. او
او برای ما مرد، و اکنون او پیشنهاد می کند که گناهان ما را ببرد و عدالت خود را به ما بدهد. اگر خودت را به او
بسپاری و او را بپذیری
پس به عنوان نجات دهنده تان، هر چند که زندگی تان گناه آمیز بوده است، به خاطر او، شما را عادل می دانند.
شخصیت مسیح در جایگاه شخصیت شما قرار می گیرد و شما دقیقاً در پیشگاه خداوند پذیرفته شده اید

انگار هرگز گناه نکرده ای

بیشتر از این، مسیح قلب را تغییر می دهد. او در می ماند
قلبت با ایمان شما باید این ارتباط را با مسیح با ایمان و تسلیم مستمر اراده خود به او حفظ کنید و تا زمانی
که این را حفظ کنید، او در شما کار خواهد کرد تا مطابق رضایت خود بخواهید و عمل کنید. بنابراین می توانید
بگویید: "و این زندگی که،

اکنون، من در جسم دارم، با ایمان به پسر خدا زندگی می کنم که مرا دوست داشت و
او خود را برای من تسلیم کرد» (غلاطیان 2:20). پس عیسی
به شاگردان خود گفت: «این شما نیستید که سخن می گوئید، بلکه روح است
از پدر شما کسی است که در شما سخن می گوید.» (متی 10:20). بنابراین، با
مسیح در شما کار می کند، شما همان روح را ظاهر خواهید کرد و همان اعمال را انجام خواهید داد - کارهای
عدالت، اطاعت.
پس چیزی در خود نداریم که به آن ببالیم. ما دلیلی برای خود برتر بینی نداریم. تنها ما

دلیل امید در عدالت مسیح است که به ما نسبت داده شده است، و
در آن کار در درون و از طریق ما توسط روح او.
وقتی از ایمان صحبت می کنیم، باید تمایزی قائل شد.
در ذهن روشن باشد نوعی باور وجود دارد که کاملاً است
متمايز از ایمان وجود و قدرت خداوند و صحت کلام او حقایقی است که حتی شیطان و لشکریانش نیز با دل
نمی توانند آن را انکار کنند. کتاب مقدس می گوید که شیاطین نیز «ایمان می آورند و می لرزند» (یعقوب
2:19). اما این ایمان نیست. جایی که نه تنها وجود دارد

اعتقاد به کلام خدا، اما تسلیم اراده
او؛ جایی که قلب به او داده می شود؛ محبت هایی که بر اوست،
ایمان وجود دارد - ایمانی که با عشق عمل می کند و روح را پاک می کند. از طریق این ایمان
قلب در تصویر خدا تجدید می شود و قلبی که در آن است
یک حالت تجدید ناپذیر، که تابع قانون خدا نیست (حتی
ممکن است واقعاً باشد) اکنون از احکام مقدس خود لذت می برد و با مزمور سرا فریاد می زند: «من چقدر
شریعت تو را دوست دارم! این مدیتیشن من است، در تمام طول روز!» (مزمور 119:97 و عدالت شریعت
در ما تحقق یافته است، «که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس

کسانی هستند که عشق بخشنده را شناخته اند
مسیح، و آنها واقعاً دوست دارند فرزندان خدا باشند، اما هنوز فکر می کنند که شخصیت آنها ناقص است، زندگی آنها
ضعیف است، و آنها آماده هستند.

شک کنید که آیا قلب آنها به نحوی توسط روح القدس تجدید شده است. به اینها می گویم: تسلیم ناامیدی نشوید.

باید بارها به پای عیسی سجده کنیم و گریه کنیم
گاهی به خاطر اشتباهات و عیوبمان. اما ما نیازی به ماندن نداریم
دلسرد. حتی اگر از دشمن شکست بخوریم، نیستیم
رانده شده، ما از سوی خدا رها یا طرد نشده ایم.
نه. مسیح در دست راست خداست و او نیز برای ما شفاعت می کند. جان عزیز می گوید: «فرزندان من، اینها را برای
شما می نویسم

تا گناه نکنی اما اگر کسی گناه کند، نزد پدر وکیل داریم، عیسی مسیح عادل» (اول یوحنا 2: 1) و فراموش نکنید

از سخنان مسیح: "پدر خود شما را دوست دارد" (یوحنا 16: 27) او
می خواهد با خودش آشتی کند، پاکی خودش را ببیند و
تقدس در تو منعکس شده است و اگر تسلیم او شوید، آن که دارد
کار خوبی را در شما آغاز کرد، آن را تا روز آینده پیش خواهد برد
عیسی مسیح با اشتیاق بیشتر دعا کنید؛ کامل تر باور کن
همانطور که ما اعتماد به قدرت خود را از دست می دهیم،
بیا بید به خود اجازه دهیم به قدرت نجات دهنده خود اعتماد کنیم تا او را که سلامت صورت ماست ستایش کنیم.

هر چه به عیسی نزدیکتر می شوید، بیشتر کوتاهی می کنید

در چشمان شما ظاهر می شود، زیرا دید شما واضح تر خواهد بود، و
نواقص شما در تضاد آشکار و متمایز با او خواهد بود
طبیعت کامل این گواه بر فریبکاری های شیطان است
قدرت خود را از دست داده اند که تأثیر حیات بخش روح خدا شما را بیدار می کند.

هیچ عشق ریشه ای به عیسی نمی تواند در قلبی که گناهکاری خود را درک نمی کند، ساکن شود.

رومی که با فیض مسیح دگرگون شده است، روح او را تحسین خواهد کرد

شخصیت الهی با این حال، اگر ما بدشکلی خود را نبینیم

اخلاق، این شواهد غیرقابل انکاری است که ما الف نداشتیم
چشم انداز زیبایی و تعالی مسیح.

هر چه کمتر از خودمان قدردانی کنیم، بیشتر

خواهیم دید که چه چیزی را در خلوص و دوست داشتنی بیکران خود قدر بدانیم

نجات دهنده رؤیایی از گناهکاری ما را به سمت آن هدایت می کند

اونی که میتونه ببخشه و هنگامی که روح، درک آن

درماندگی، خود را به دنبال مسیح بیندازید، او خود را در آن آشکار خواهد کرد

قدرت. هر چه بیشتر احساس نیاز ما را به سوی او هدایت می کند

و برای کلام خدا، دیدگاه های متعالی تری نسبت به او خواهیم داشت

شخصیت، و ما به طور کامل تصویر او را منعکس خواهیم کرد.

فصل 8

رشد در مسیح

تغییر قلبی که با آن فرزندان خدا می شویم در کتاب مقدس به آن تولد جدید گفته می شود. باز هم با جوانه زدن بذر خوب کاشته شده توسط کشاورز مقایسه می شود.

به همین ترتیب، کسانی که به تازگی به مسیح گرویده اند، مانند «فرزندان تازه متولد شده» هستند تا «بزرگ شوند» (اول پطرس 2:2 و افسسیان 4:15) به قد مردان و زنان در مسیح عیسی. یا،

مانند بذر خوبی که در مزرعه کاشته شده باشد، رشد خواهند کرد و

میوه تولید کند اشعیا می گوید که آنها را باید «بلوط نامید

عدالتی که خداوند برای جلال او کاشته است» (اشعیا. 61:3)

بنابراین، تصاویری از زندگی طبیعی برای کمک به ما ترسیم می شود

حقایق اسرارآمیز زندگی معنوی را بهتر درک کنید.

تمام خرد و مهارت انسان نمی تواند در کوچکترین شیء طبیعت زندگی ایجاد کند. فقط از طریق زندگی

است که خود خدا به آن گیاه و حیوان ارتباط داده است

میتوان زندگی کرد.

بنابراین، زندگی فقط از طریق زندگی خداست

معنویت در دل انسان ها ایجاد می شود. مگر اینکه یکی

انسان "از بالا متولد شده است" (یوحنا 3: 3) او نمی تواند تبدیل به یک شود

شرکت کننده در زندگی که مسیح آمد تا ببخشد.

همانطور که در زندگی است، در مورد رشد نیز چنین است. این خداست که جوانه

را به گل تبدیل می کند و گل را به میوه تبدیل می کند. برای مال توست

قدرتی که دانه ایجاد می کند، «اول علف، سپس

بلال، و سرانجام دانه کامل در خوشه» (مرقس 4: 28)

حوشع در مورد اسرائیل می گوید: «مثل سوسن شکوفا خواهد شد». "آنها

آنها مانند غلات زنده خواهند شد و مانند تاک شکوفا خواهند شد.» (حوشع

14: 5-7).

و عیسی ما را دعوت می کند که «نیلوفرها را مانند آنها در نظر بگیریم

رشد کنید» (لوقا 12: 27) گیاهان و گلها نه به خاطر آنها رشد می کنند

مراقبت، اضطراب یا تلاش خود، اما با دریافت چه چیزی
خداوند برای تامین زندگی آنها عنایت کرده است. کودک با هیچ اضطراب یا قدرتی نمی تواند قد خود را افزایش
دهد. و دیگر نمی توانید، از طریق اضطراب یا تلاش شخصی، اطمینان حاصل کنید

رشد معنوی. گیاه و کودک با دریافت از رشد می کنند
آنچه زندگی را تأمین می کند در اطراف شماسه - هوا، نور خورشید و غذا.
این هدایای طبیعت به حیوانات و گیاهان چیست؟
مسیح برای کسانی است که به او اعتماد دارند. او "نور همیشگی" شماسه،
"خورشید و سپر" (اشعیا 60:19 و مزمور 84:11) او برای اسرائیل مانند شبنم خواهد بود. "او مانند بارانی خواهد
آمد که بر مزرعه درو شده نازل می شود" (هوشع 14:15 و مزمور 72:6) او آب زنده است، «نان خدا... که از آسمان
نازل می شود و به جهان حیات می بخشد» (یوحنا 6:33)

خدا در هدیه بی نظیر پسرش جهان را احاطه کرد
با فضایی از لطف واقعی به اندازه هوایی که در اطراف می چرخد
در سراسر جهان. همه کسانی که انتخاب می کنند این فضا را تنفس کنند
حیات بخش زندگی خواهد کرد و به قد و قامت زن و مرد خواهد رسید
در مسیح عیسی
همانطور که گل به خورشید تبدیل می شود، به طوری که پرتوهای درخشان
ممکن است به کمال زیبایی و تقارن آن کمک کند، پس باید به خورشید حق برگردیم تا نور آسمانی بر ما بتابد تا
شخصیت ما باشد.

به شکل مسیح رشد کرد.
عیسی همان چیزی را تعلیم می دهد که می گوید: «در بمان
من. و من در تو خواهم ماند. چطور شعبه تولید نمی کند
میوه به خودی خود، اگر روی تاک نماند، شما نیز نخواهید ماند
شما می توانید بدهید، اگر در من نمانید... بدون من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید» (یوحنا 4: 15 و 5).
شما برای داشتن یک زندگی مقدس به همان اندازه به مسیح وابسته هستید که شاخه روی تنه برای رشد و
ثمر دادن هستید.
غیر از او زندگی نداری. شما قدرتی ندارید که در برابر وسوسه مقاومت کنید یا در فیض و تقدس رشد کنید. در او
ماندن،

شما می توانید شکوفا شوید با کشیدن زندگی خود از او، نمی توانید

پژمرده می شود و بی ثمر می ماند. شما مانند درخت کاشته شده خواهید بود
کنار رودخانه های آب
بسیاری تصور می کنند که باید برخی از کارها را خودشان انجام دهند. آنها برای بخشش به مسیح
اعتماد کرده اند

گناه کنند، اما اکنون با تلاش خود به دنبال زندگی هستند
به درستی. با این حال، هر تلاشی با این ماهیت شکست خواهد خورد.
عیسی گفت: جز من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید. رشد ما در
فیض، شادی، سودمندی ما همه به اتحاد ما با مسیح بستگی دارد. از طریق ارتباط با او، روزانه، ساعتی -

با اقامت در او - که ما باید در فیض رشد کنیم. او نه تنها نویسنده، بلکه تکمیل کننده ایمان ماست. مسیح اول،
آخر و همیشه است.

او نه تنها در ابتدا و انتهای مسیر، بلکه در هر قدم باید همراه ما باشد. داوود می گوید: «ای خداوند،

من همیشه او را در حضور خود دارم. در سمت راست من، نه

من متزلزل خواهم شد» (مزمور. 16:8)

شما می پرسید، "چگونه در مسیح خواهم ماند؟" همان طور که در ابتدا او را پذیرفتید. "اکنون همانطور
که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته اید، در او سیر کنید." «پرهیزکاران با ایمان زندگی خواهند کرد»

(کولسیان 2: 6؛ عبرانیان 10: 38) خودتو دادی به

خدا، به طور کامل او باشد، او را بندگی و اطاعت کند، و

مسیح را به عنوان نجات دهنده خود گرفت. خودت نتونستی

تاوان گناهان خود را بپردازید یا قلب خود را تغییر دهید. با این حال، داشتن

خودت را به خدا تسلیم کردی، به خاطر او ایمان آوردی

مسیح، همه اینها را برای تو انجام داد. با ایمان مسیح شدی و با

ایمان شما باید در او رشد کند - دادن و گرفتن. شما باید همه چیز را بدهید -

قلبت، اراده ات، خدمتت - خودت را به او بسپار تا تمام خواسته هایش را اطاعت کند. و شما باید همه چیز را
دریافت کنید - مسیح، پری همه برکات، تا در قلب شما بمانید، قدرت شما، عدالت شما، یاور ابدی شما باشد -

تا به شما قدرت اطاعت بدهد.

صبح خودت را وقف خدا کن. درستش کن
اولین فعالیت شما دعای تو این باشد: «خداوند مرا بگیر،
کاملاً مال تو باشد من تمام نقشه هایم را زیر پای تو می گذارم، امروز مرا در خدمتت به کار گیر. با من بمان و تمام
کارهایم را در خودت بساز.» این یک است

سوال روزانه هر روز صبح خود را وقف خدا کنید
برای آن روز تمام برنامه های خود را به او بسپارید تا باشید
همانطور که مشیت او نشان می دهد انجام شده یا رها شده است. مثل این،
شما می توانید زندگی خود را روز به روز به دست خدا بسپارید و خواهد شد
بیشتر و بیشتر شبیه زندگی مسیح است.
زندگی در مسیح زندگی آرام است. ممکن است وجود نداشته باشد
خلسه از احساس، اما باید یک اعتماد پایدار و صبور وجود داشته باشد. امید تو به خودت نیست، به توست

مسیح. ضعف تو با قوت او و جهل تو با قدرت او متحد شده است
خرد، شکنندگی تو در برابر نیروی پایدار او. پس شما این کار را نمی کنید
باید به خودش نگاه کند، نباید فکرش را کند
روی خودت تمرکز کن، اما به مسیح نگاه کن. ذهن را بساز
بر عشق او، بر زیبایی، بر کمال شخصیت او تمرکز کنید. مسیح در انکار خود، مسیح در تحقیر خود، مسیح

در پاکی و قداست او. مسیح در عشق بی همتای خود - این موضوع تفکر روح است. و با دوست داشتن او، کپی
برداری از او،
کاملاً به او وابسته هستید که باید به او تبدیل شوید
شبیه او.

عیسی می گوید: در من بمان. این کلمات بیانگر
ایده استراحت، ثبات، اعتماد به نفس. باز هم دعوت می کند:
"بیا پیش من... و من به شما آرامش خواهم داد" (متی 11: 28 و 29 کلمات
مزمور نویس همین فکر را بیان می کند: "در خداوند آرام بگیرد و برای او صبر کنید." و اشعیا یقین می دهد: "در
آرامش و اطمینان نیروی تو خواهد بود." (مزمور 37: 7 و اشعیا 30: 15) این استراحت در بی تحرکی یافت نمی شود،

زیرا در دعوت ناجی وعده استراحت متحد شده است
با دعوت به کار: «یوغ مرا بر خود بگیرید... و خواهید یافت

استراحت کن» (متی 29: 11) قلبی که بیشتر از همه آرام می گیرد

کاملاً در مسیح فداکارترین و فعالترین فرد در کار خواهد بود

توسط او

وقتی ذهن بر خود متمرکز می شود، از آن منحرف می شود

مسیح، منبع قدرت و زندگی. به همین دلیل، تلاش مستمر است

شیطان توجه را از منجی منحرف کند و در نتیجه از آن اجتناب کند

اتحاد و ارتباط روح با مسیح. او سعی خواهد کرد ذهن را منحرف کند

به یک یا همه این نکات: لذت های دنیا،

دغدغه های زندگی، سردرگمی ها و پشیمانی ها، عیب ها و نقص ها.

فریب نیرنگ های آنها را نخورید. او اغلب رهبری می کند

بسیاری از کسانی که واقعاً با وجدان هستند و می خواهند برای خدا زندگی کنند، بر عیب ها و ضعف های خود تمرکز می

کنند و بنابراین امیدوارند که با جدا کردن آنها از مسیح، پیروزی را به دست آورند. ما نباید

خود را مرکز قرار دهید و نگرانی و ترس در مورد اینکه آیا را نوازش دهید

نجات خواهیم یافت همه اینها روح را از منبع منحرف می کند

قدرت ما حضانت روح را به خدا بسپار و به او توکل کن.

درباره عیسی صحبت کنید و در مورد او فکر کنید. بگذار خود در او گم شود.

تمام شک و تردید را رها کنید؛ ترس های خود را رد کنید مانند پولس رسول بگویید: «دیگر من نیستم که زندگی می کنم،

بلکه مسیح در من زندگی می کند. و این زندگی را که اکنون در جسم زندگی می کنم، با ایمان به پسر خدا زندگی می کنم که

مرا محبت کرد و خود را برای من داد» (غلاطیان ۲:

20) به خدا استراحت بده او قادر است آنچه شما را حفظ کند

اگر خود را به دست او بسپاری، او خواهد داد

تو را بیش از یک فاتح به واسطه ی کسی که دوست دارد، می سازد

شما.

هنگامی که مسیح ماهیت انسانی را بر خود گرفت، او را مقید کرد

انسانیت به خود با پیوندی از عشق که هرگز با هیچ نیرویی نمی تواند شکسته شود مگر با انتخاب خود انسان.

شیطان دائماً اغوا می کند تا ما را وادار کند که این پیوند را بشکنیم - انتخاب کنیم که خود را از مسیح جدا کنیم. اینجا

کجاست

ما باید تماشا کنیم، بجنگیم، دعا کنیم، تا هیچ چیز نتواند ما را وسوسه کند

استاد دیگری را انتخاب کنید ، زیرا ما همیشه در انجام این کار آزادیم

این. اما بیایید به خودمان اجازه دهیم که چشمانمان را به مسیح خیره نگه داریم و او ما را حفظ خواهد کرد. با نگاه به عیسی، ما در امان هستیم. هر چیزی می تواند ما را از دست او بیرون کند. با مشاهده دائم او، ما "از جلال به جلال به شکل خود او تبدیل می شویم، همانطور که به وسیله خداوند روح" (دوم قرنتیان، 3:18)

این گونه بود که شاگردان نخستین شباهت پیدا کردند با منجی عزیز هنگامی که آن شاگردان شنیدند با سخنان عیسی، آنها نیاز خود را به او احساس کردند. او را جستجو کردند، او را یافتند، از او پیروی کردند. آنها با او در خانه بودند، در میز، در اتاق، در مزرعه. آنها به عنوان شاگرد با معلمی همراه او رفتند و هر روز از زبان او درس های مقدس می گرفتند درست است، واقعی. آنها به او به عنوان بندگان ارباب خود نگاه کردند تا وظیفه خود را بیاموزند. آن شاگردان مردانی بودند که «مطلق به

احساساتی که هستیم» (یعقوب، 17: 5 آنها داشتند همان نبرد با گناه برای مبارزه. آنها نیاز داشتند همان فیض برای زندگی مقدس. حتی جان، شاگرد محبوب، کسی که بیشتر شباهت منجی را کاملاً منعکس می کرد، طبیعتاً آن صفت دوستی را نداشت. او نه تنها بیهوده و جاه طلب بود، بلکه در هنگام آزردن شدن نیز تندخو و کینه توز بود. با این حال، به محض اینکه شخصیت وجود الهی بود

بر او تجلی کرد، نقص خود را دید و مورد تحقیر قرار گرفت این دانش قدرت و صبر، قدرت و لطافت، عظمت و فروتنی که او در زندگی روزمره پسرش مشاهده کرد خداوند روح او را پر از شگفتی و عشق کرد. روز به روز از تو قلبش به سمت مسیح معطوف بود تا اینکه در عشق، خود را از دست داد توسط استادش خلق و خوی جاه طلب و کینه توز او با قدرت شکل دهی مسیح تسلیم شد. تأثیر بازآفرینی روح القدس قلب او را تازه کرد. قدرت عشق مسیح

باعث دگرگونی شخصیت شد این نتیجه درست است اتحاد با عیسی وقتی مسیح در قلب ساکن است، تمام طبیعت وجود دارد تبدیل شده است. روح مسیح، عشق او، قلب را نرم می کند،

روح را تسخیر می کند و افکار و خواسته ها را به سوی خدا و خداوند متعال می برد
آسمان.

هنگامی که مسیح به آسمان عروج کرد، احساس حضور او
هنوز با پیروانش بود. حضور شخصی بود، پر
از عشق و نور عیسی، نجات دهنده، که با آنها راه می رفت، صحبت می کرد و دعا می کرد،
که امید و آرامش را به دلهایشان برانگیخته بود،
در حالی که پیام صلح هنوز بر لبان او بود
به آسمان اهمیت می دهد، و آهنگهای صدای او دوباره به آنها رسید،
بنابراین ابرهای فرشتگان او را پذیرفتند: "و اینک، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان جهان" (متی 28: 20) او
در قالب انسانیت به آسمان عروج کرده بود. آنها

آنها می دانستند که او در برابر عرش خداست، هنوز دوست و دوست آنهاست
ناجی؛ که همدردی او تغییر نکرده است. که او هنوز
او را با انسانیت رنج دیده یکی می دانستند. او بود
تقدیم محاسن خون گرانهای او در پیشگاه خداوند،
دستها و پاهای زخمی خود را به یاد بهایی که او نشان می دهد
برای بازخرید او پرداخت. آنها می دانستند که او به عروج رسیده است
بهشت تا مکان هایی را برای آنها آماده کند و دوباره بیاید و آنها را برای خود بگیرد.

به محض ملاقات، پس از معراج، مشتاق بودند تا درخواست های خود را به نام عیسی به پدر ارائه دهند.

با هیبت بزرگ به نماز سجده کردند و دعا را تکرار کردند
ضمانت: «اگر چیزی از پدر بخواهید، به شما خواهد داد
نام من. تا به حال چیزی به نام من نپرسیده اید. پرسیدم و
دریافت خواهید کرد تا شادی شما کامل شود» (یوحنا 16: 23 و
(24) آنها با این استدلال قوی دست ایمان را بالاتر و بالاتر دراز کردند: "این مسیح عیسی است که مرد، یا بهتر است
بگویم زنده شد، که در دست راست خداست و همچنین برای ما شفاعت می کند" (رومیان 8: 34) و پنطیکاست
حضور تسلی دهنده را که مسیح درباره او گفته بود «در شما خواهد بود» برایشان آورد. خودش است

بعداً گفته بود: «بهتر است که من بروم، زیرا اگر من

نیست، تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. با این حال، اگر من بروم، من

برایت می فرستم.» (یوحنا 14:17 و 16:7) از این به بعد، از طریق

روح، مسیح پیوسته در قلب فرزندان ساکن خواهد شد.

پیوند او با او نزدیکتر از زمانی بود که او بود

شخصاً با آنها نور و عشق و قدرت مسیح ساکن از طریق آنها درخشید، و از این رو آن مردان، مشاهده کردند

آنها شگفت زده شدند. و فهمیدند که با عیسی بوده اند.»

(اعمال رسولان. 4:13)

او تمام آنچه را که مسیح برای شاگردان اول بود می خواهد

امروز برای فرزندان باشد، زیرا در آخرین دعا، با

گروه کوچکی از شاگردان دور او جمع شدند، او گفت: "من فقط برای اینها نیستم، بلکه برای کسانی که به واسطه

کلام آنها به من ایمان دارند نیز دعا می کنم" (یوحنا. 17: 20)

عیسی برای ما دعا کرد و از ما خواست که با او یکی باشیم،

همانطور که او با پدر یکی است. این چه اتحادی است! O

نجات دهنده در مورد خود گفت: "پسر هیچ کاری از خود نمی تواند انجام دهد".

"پدری که در من می ماند، اعمال خود را انجام می دهد" (یوحنا 19: 5 و 14)

(10) بنابراین، اگر مسیح در قلب ما ساکن است، او در ما کار خواهد کرد "هم به خواست و هم برای انجام

رضایت او" (فیلیپیان. 2:13) ما همانطور که او کار کرد کار خواهیم کرد. ما همان روحیه را نشان خواهیم داد. و

بنابراین، با دوست داشتن او و ماندن در او، "در همه چیز به او که

سر، مسیح.» (افسیان. 4: 15)

فصل 9

کار و زندگی

خداوند منبع حیات، نور و شادی در جهان است. مثل رعد و برق از نور خورشید، مانند نهرهای آبی که از چشمه‌ای زنده سرازیر می‌شود، برکت از سوی او بر همه مخلوقاتش جاری می‌شود. و جان خدا هر جا در دل آدمیان باشد در محبت و برکت به سوی دیگران جاری خواهد شد.

شادی ناجی ما در ارتقاء و رستگاری بود از مردان افتاده برای این، او زندگی ارزشمند خود را در خود حساب نکرد خودش، اما او صلیب را تحمل کرد و شرم را نادیده گرفت. مثل این فرشتگان نیز همیشه مشغول کار برای آن هستند شادی دیگران این شادی شماست. چه دل‌هایی مغرور این خدمت را تحقیر آمیز تلقی می‌کند، خدمت به بدبختان و به تمام معنا از نظر شخصیت و مقام پست، کار فرشتگان بی گناه است. روح عشق فداکارانه مسیح روحی است که بهشت را فرا گرفته است و همان است

جوهره شادی‌های شما این روحیه‌ای است که پیروان آن هستند مسیح را خواهند داشت، کاری که انجام خواهند داد. هنگامی که عشق مسیح در قلب تنیده شود، همانطور که عطر شیرینی که نمی‌توان آن را پنهان کرد. نفوذ مقدس شما هر کسی که با آنها در تماس باشیم احساس خواهد شد. روح مسیح در دل مانند چشمه‌ای در بیابان جاری است

تا همه را طراوت بخشد و کسانی که آماده هلاکت هستند با حرص از آب حیات بنوشند.

عشق به عیسی در میل به کار نمود پیدا خواهد کرد چگونه او برای برکت و اعتلای بشریت کار کرد. او برای همه موجودات عشق، لطافت، همدردی و مراقبت از پدر آسمانی ما زندگی منجی بر روی زمین زندگی آسایشی نبود و ارادت به خودش او با پشتکار، فداکار زحمت کشید.

تلاش خستگی ناپذیر برای نجات بشریت از دست رفته از
آخور به کالواری، راه انکار را در پیش گرفت و در پی رهایی از کارهای طاقت فرسا، سفرهای طاقت فرسا بود و

مراقبت کامل و کار او گفت: «پسر انسان نیامد

خدمت شود، اما خدمت کند و جاننش را به عنوان باج بدهد

بسیاری» (متی، 28: 20) این تنها هدف و هدف بزرگ او بود

زندگی هر چیز دیگری فرعی بود و اهمیت کمتری داشت. مال تو بود

غذا و نوشیدنی به خواست خدا عمل کنید و کار او را تمام کنید. من و

منفعت شخصی در کار او نقشی نداشت.

بنابراین، کسانی که در فیض مسیح شریک هستند، آماده هر گونه قربانی خواهند بود، تا دیگران برای

که او درگذشت، ممکن است در هدیه آسمانی شریک باشد. آنها هر کاری از دستشان بر بیاید انجام خواهند داد

تا دنیا را به مکانی بهتر تبدیل کنند

در او. این روحیه نتیجه مطمئن یک واقعاً است

تبدیل شده است. به محض اینکه کسی نزد مسیح می آید، در او متولد می شود

دلت میل دارد که چیزهای گرانبها را به دیگران بشناساند

دوستی که در عیسی یافت. حقیقت نجات دهنده و تقدیس کننده

نمی توانی در دلت ساکت باشی. اگر لباس عدالت مسیح را بپوشیم و از شادی روح او در

داخلی، ما نمی توانیم ساکت بمانیم. اگر چشیده باشیم و ببینیم که پروردگار خوب است، حرفی برای گفتن داریم. مثل فیلیپ

هنگامی که او نجات دهنده را یافت، ما دیگران را به سوی او دعوت خواهیم کرد

حضور ما به دنبال ارائه جاذبه های مسیح به آنها خواهیم بود، و

واقعیت های نامرئی جهان آینده میل شدیدی وجود خواهد داشت

تا راهی را که عیسی پیمود. تمایل اختصاصی به وجود خواهد داشت

که اطرافیان ما می توانند به این موضوع فکر کنند

بره خدایی که گناه دنیا را می برد.»

و تلاش برای برکت دادن به دیگران برکتی را برای خود ما به همراه خواهد داشت. این هدف خدا از دادن یک

نقشی برای بازی در طرح رستگاری او اطمینان داد

مردم این امتیاز را دارند که در طبیعت الهی شریک شوند

و به نوبه خود بر هموعان خود صلوات بفرستید. این بیشترین است

بالاترین افتخار، بزرگترین شادی، که ممکن است خداوند نصیبش کند
مرد. کسانی که بدین ترتیب در کارهای عشق شرکت می کنند به خالق خود نزدیکتر می شوند.

خدا می توانست پیام انجیل و تمام کار خدمت محبت آمیز را به فرشتگان آسمانی واگذار کند. او می
توانست داشته باشد

از ابزارهای دیگری برای رسیدن به هدف خود استفاده کرد. اما، در او
عشق بی نهایت، ما را برگزید تا با او، با مسیح و
فرشتگان، تا ما بتوانیم برکت، شادی و لذت را به اشتراک بگذاریم
اعتلای معنوی، که از این خدمت فداکارانه ناشی می شود.
ما از طریق مشارکت در مصائب او با مسیح همدردی می شویم. هر فداکاری برای خیر و صلاح دیگران،
روحیه خیرخواهی را در دل انسان تقویت می کند.

اهدا کننده، او را نزدیکتر با نجات دهنده جهان، که
«او ثروتمند بود، اما به خاطر ما فقیر شد، به طوری که از طریق او
فقر ما می توانستیم ثروتمند باشیم.» و فقط زمانی است که ما این را دوست داشته باشیم
ما هدف الهی را در خلقت خود انجام می دهیم که زندگی می تواند باشد
یک نعمت برای ما

اگر همانطور که مسیح شاگردانش را تعیین می کند کار کنید و روح ها را به سوی او جلب کنید، نیاز به
تجربه عمیق تر و دانش بیشتر در امور الهی را احساس خواهید کرد و گرسنه و تشنه عدالت خواهید بود. تو با خدا
دعا خواهی کرد،

و ایمان شما تقویت خواهد شد و روح شما آبهای عمیق تری خواهد نوشید
چاه نجات رویارویی با مخالفت ها و مبارزات شما را به این سمت می برد
کتاب مقدس و برای دعا. در فضل و دانش رشد خواهید کرد
مسیح، و تجربه ای غنی ایجاد خواهد کرد.

روحیه کار فداکارانه برای دیگران به شخصیت عمق، ثبات و زیبایی مسیحی می بخشد و منجر می
شود

آرامش و خوشبختی برای صاحبش آرزوها بالاست جایی برای تنبلی و خودخواهی نیست. کسانی که به این ترتیب
فیض های مسیحی را اعمال می کنند، رشد خواهند کرد و قوی خواهند شد

برای خدا کار کن ادراکات معنوی روشنی خواهند داشت، الف
ایمان محکم و رو به رشد و قدرت فزاینده در دعا. روح از

خداوند با حرکت بر روح شما، هارمونی های مقدس را بیدار می کند
روح، در پاسخ به لمس الهی. کسانی که این گونه تقدیس می کنند
خود را به تلاش ایثارگرانه برای خیر و صلاح دیگران، مطمئناً برای نجات خود تلاش می کنند.

تنها راه رشد در فیض بودن است
از خودگذشتگی همان کاری را که مسیح انجام داد انجام می دهد
بر ما - خودمان را به میزان توانایی‌هایمان مشغول کنیم
کمک کنیم و به کسانی که به کمک ما نیاز دارند کمک کنیم
به آنها بدهید. قدرت از طریق ورزش به دست می آید. فعالیت خودش است
شرایط زندگی کسانی که به دنبال حفظ زندگی مسیحی با پذیرش منفعلانه برکاتی هستند که از طریق ابزار به دست می
آید

فیض، که هیچ کاری برای مسیح انجام نمی دهند، به سادگی تلاش می کنند
بدون کار کردن با خوردن زندگی کنید و در عالم روحانی هم همینطور
در دنیای طبیعی، این همیشه منجر به انحطاط و
زوال. مردی که از ورزش کردن اندام هایش امتناع می ورزد
به زودی تمام قدرت استفاده از آنها را از دست می دهند. بنابراین، مسیحی که نمی کند
از هدایای خدادادی استفاده می کند، نه تنها رشد نمی کند
مسیح، اما قدرتی را که از قبل داشت از دست می دهد. کلیسای مسیح عاملی است که خدا برای
نجات انسان تعیین کرده است. ماموریت شما این است که
انجیل به جهان و این تعهد بر عهده همه مسیحیان است.
هر فردی به اندازه استعدادها و امکانات خود باید
ماموریت ناجی را انجام دهید. عشق مسیح که در ما آشکار شد،

ما را به همه کسانی که او را نمی شناسند بدهکار می کند. خدا به ما داده است
نور، نه فقط برای خودمان، بلکه برای ریختن بر آنها.
اگر پیروان مسیح بیدار بودند

امروز هزاران نفر هستند که انجیل را اعلام می کنند
در سرزمین های بت پرست و همه کسانی که نتوانستند شخصاً در کار مشارکت داشته باشند، باید همچنان از آن
حمایت کنند

یعنی همدردی و دعای شما. و باید در کشورهای مسیحی کار اختصاصی تری برای ارواح وجود داشته باشد.

ما نیازی به رفتن به سرزمین های بت پرست نداریم، یا حتی آن را ترک کنیم
دایره باریک خانه، اگر مسئولیت ما در آن است، به

برای مسیح کار کن ما می توانیم این کار را در حلقه خانواده انجام دهیم
کلیسا، در میان کسانی که با آنها معاشرت می کنیم و با آنها تجارت می کنیم.

بیشتر زندگی ناجی ما روی زمین بود
در کارگاه نجاری در ناصره به زحمت و زحمت بیمار پرداخت.
فرشتگان خدمتگزار هنگامی که پروردگار حیات را تماشا کردند
دوش به دوش دهقانان و کارگران راه می رفت، بی آنکه وجود داشته باشد
شناخته شده و بدون تکریم، او بسیار صادقانه انجام می داد
ماموریت شما در حین کار در هنر فروتنانه شما به عنوان
وقتی بیماران را شفا می داد یا بر امواج طوفانی جلیل راه می رفت. بنابراین، در پست ترین وظایف و
پست ترین موقعیت های زندگی، می توانیم برای عیسی راه برویم و کار کنیم.

رسول می فرماید: «هرکس در آن در برابر خدا بایستد
که در آن او خوانده شد» (اول قرن تیان . (24: 7) تاجر می تواند
کسب و کار خود را به گونه ای انجام دهید که استاد شما را تجلیل کند
به خاطر وفاداریش اگر او پیرو واقعی باشد
مسیح، دین خود را به هر آنچه انجام می شود خواهد برد، و به آنها آشکار خواهد کرد
مردان روح مسیح مکانیک می تواند کوشا و وفادار باشد
نماینده او که در مسیرهای فروتنانه زندگی در میان کوه های جلیل تلاش کرد. همه کسانی که نام مسیح را بر می
دارند

بنابراین باید کار کنند تا دیگران با دیدن کارهای خوب آنها،
باشد که آنها به جلال خالق و نجات دهنده خود هدایت شوند.
بسیاری خود را از تسلیم هدایای خود معذور کرده اند
خدمت مسیح زیرا دیگران دارای عطایای بزرگتری بودند
و مزایای این نظر غالب شده است که فقط کسانی که
به ویژه مستعد هستند که باید خود را تقدیس کنند
مهارت های خدمت به خدا برای بسیاری درک شده است
که استعدادها فقط به یک طبقه مطلوب داده می شود، به
طرد دیگرانی که بدیهی است فراخوانده نشده اند
در کار یا پاداش شرکت کنید. اما این نیست
به این شکل در تمثیل نشان داده شده است. وقتی صاحب خانه زنگ زد
بندگان خود را به هر کس کار خود داد .

با روحیه عشق باید فروتنان را برآورده کنیم
وظایف زندگی «مثل خداوند» (کولسیان 13:23) اگر محبت خدا در دل باشد در زندگی متجلی می شود. عطر شیرین
مسیح ما را احاطه خواهد کرد و تأثیر ما را بالا خواهد برد

برکت دادن

شما نباید منتظر رویدادهای بزرگ باشید یا منتظر بمانید
توانایی های فوق العاده قبل از رفتن به کار برای خدا. شما این کار را نمی کنید
شما باید فکر کنید که دنیا در مورد شما چه فکری خواهد کرد. اگر
زندگی روزمره او گواهی بر پاکی و صداقت ایمانش است و
دیگران متقاعد شده اند که شما می خواهید برای آنها سود ببرید
تلاش ها به طور کامل هدر نخواهد رفت.
فروتن ترین و فقیرترین شاگردان عیسی می تواند برای دیگران برکت باشد. آنها ممکن است متوجه نباشند
که هستند

انجام هر کار خیر خاصی، اما با تأثیر ناخودآگاه آن
می تواند موجی از برکات را آغاز کند که گسترده خواهد شد و
عمیق تر شدن، و نتایج پر برکتی که ممکن است هرگز ندانند
تا روز پاداش نهایی آنها احساس نمی کنند و نمی دانند که هستند
انجام هر کاری بزرگ آنها فراخوانده نشده اند که خود را با اضطراب موفقیت خسته کنند. آنها فقط باید بروند

با آرامش به پیش بروید و با وفاداری به کارهایی که مشیت الهی دلالت می کند انجام دهید و زندگی شما بیهوده
نخواهد بود. شما

روح خود هر چه بیشتر به شکلی شبیه خواهد شد
مسیح. آنها با خدا در این زندگی کارگر هستند و
بنابراین آنها خود را برای بزرگترین کار و شادی آماده می کنند
در مورد زندگی آینده صادق است

فصل 10

معرفت خدا

راه هایی که خداوند در پی ایجاد آنهاست بسیار است
از خود ما را شناخته و ما را با او در ارتباط قرار دهد.
طبیعت بدون توقف با حواس ما صحبت می کند. قلب باز تحت تأثیر عشق و جلال خدا قرار خواهد گرفت که
توسط آن آشکار شده است
از طریق کارهای دستان او گوش توجه می تواند بشنود و
ارتباطات خدا را از طریق چیزهای طبیعت درک کنید.
مزارع سرسبز، درختان سر به فلک کشیده، غنچه ها و گل ها،
ابر در حال گذر، بارش باران، جویبار غرش و
شکوه های بهشتی، با قلب های ما صحبت کنید و ما را به تبدیل شدن دعوت کنید
آشنا با کسی که همه آنها را ساخته است.
نجات دهنده ما درس های ارزشمند خود را با چیزهای طبیعت پیوند داد. درختان، پرندگان، گل‌های
دره‌ها، تپه‌ها، دریاچه‌ها و آسمان‌های زیبا و حوادث و محیط زندگی روزمره، همگی با کلام حقیقت پیوند خوردند، به
طوری که

بنابراین اغلب می توان درس های او را به یاد آورد،

حتی در میان دغدغه های شلوغ زندگی کاری

مرد.

خدا می خواهد فرزندانش قدر کارهای او را بدانند، و

از زیبایی ساده و آرامی که او خانه زمینی ما را با آن زینت داده است، لذت ببرید. او عاشق زیبایی است و بیش از

هر چیزی که در ظاهر جذاب است، زیبایی شخصیت را دوست دارد. او این آرزو را دارد

بیباید خلوص و سادگی، لطف آرام گلها را پرورش دهیم.

اگر ما فقط توجه بیشتری داشته باشیم، آثار خلق شده توسط

خداوند به ما درس های گرانبهایی از اطاعت و حقیقت خواهد آموخت. از آنجا که

ستارگانی که در مسیر نامرئی خود در فضا،

آنها قرن به قرن مسیری را که برایشان تعیین شده است دنبال می کنند تا اینکه

کوچکترین اتم، چیزهای طبیعت مطیع اراده خالق هستند.

و خداوند بر هر چیزی ناظر است و هر چه را که آفریده است حفظ می کند. اون یکی که

جهان های بیشماری را از طریق بی نهایت حفظ می کند، در همان زمان
زمان مراقب نیازهای گنجشک قهوه ای کوچکی است که آواز می خواند
ملودی فروتنانه اش بدون ترس وقتی مردها جلو می روند
برای کارهای روزانه و همچنین زمانی که خود را به نماز می سپردند. شب هنگام به رختخواب رفتن و صبح هنگام
بیدار شدن؛ وقتی که
مرد ثروتمند در قصر خود جشن می گیرد یا زمانی که مرد فقیر
بچه هایش را دور سفره ی ناچیز جمع می کند، هر کدام با لطافت
با کمک پدر آسمانی بدون خدا اشکی ریخته نمی شود
بنویس. هیچ لبخندی وجود ندارد که او متوجه نشود.
اگر فقط این را باور کنیم، همه نگرانی های بی مورد است
رها خواهد شد. زندگی ما اینقدر پر از

ناامیدی هایی مثل الان، چون همه چیز، چه بزرگ و چه کوچک، به دست خدا سپرده می شود که خجالت نمی
کشد.

به دلیل کثرت مراقبت، یا بار سنگین آن. ما
پس از آن ما باید از آرامش روحی که برای بسیاری از افراد است لذت ببریم
برای مدت طولانی غریبه بوده اند.
در حالی که حواس شما از زیبایی های جذاب لذت می برد
از زمین، به دنیای آینده بیندیش که هرگز لکه گناه و مرگ را نخواهد شناخت. جایی که سطح طبیعت دیگر سایه
نفرین را بر تن نخواهد کرد. اجازه دهید تخیل شما خانه نجات یافتگان را نقاشی کند و به یاد داشته باشید که با
شکوه تر از شما خواهد بود

بالاترین تخیل می تواند به تصویر بکشد. در هدیه های متنوع خداوند در
طبیعت، ما فقط ضعیف ترین درخشش جلال او را می بینیم. این است
نوشته شده است: «چشم ندیده، گوش نشنیده است
آنچه خداوند برای دوستدارانش آماده کرده است در دل انسان نفوذ کرده است.» (اول قرنتیان. 9: 2)

شاعر و طبیعت شناس در مورد طبیعت چیزهای زیادی برای گفتن دارند، اما این مسیحی است که
از زیبایی زمین با آن شادی می کند.
قدردانی بیشتر، زیرا او کار پدرش را می شناسد و عشق او را در گل، بوته و درخت درک می کند. هیچ کس نمی
تواند قدردانی کند
معنای کوه ها و دره ها، رودخانه ها و دریاها را کاملاً درک کنید

به آنها به عنوان ابراز محبت خداوند به آنها نگاه کنید
مرد.

خدا از طریق اعمال مشیتهی خود و از طریق تأثیر روح خود بر قلب با ما صحبت می کند. در شرایط ما و

محلله ها، در تغییراتی که روزانه در اطراف ما رخ می دهد،
اگر قلبمان باشد، می توانیم درس های ارزشمندی پیدا کنیم
برای تشخیص آنها باز است مزمورنویس، کار را توصیف می کند
مشیت خداوند می فرماید: «زمین پر از احسان پروردگار است».
(مزمور 33:5) «کسی که عاقل است اینها را در نظر بگیرد و بیاندیشد
رحمت خداوند» (مزمور 107:43)

خدا در کلام خود با ما صحبت می کند. در اینجا ما با خطوط روشنی از شخصیت او، از رفتار او با مردم، و
از کار بزرگ رستگاری آشکار می شویم. داستانی در برابر ما باز است

پدرسالاران، پیامبران و دیگر مردان مقدس دوران باستان. آنها
آنها مردانی بودند که «مطلوب همان احساسات ما هستند» (یعقوب 5:17)
ما می بینیم که آنها چگونه با دلسردی هایی مانند ما مبارزه کردند
خود، چگونه تحت وسوسه قرار گرفتند، همانطور که ما نیز انجام داده ایم
و با این حال آنها دوباره دلگرم شدند و به لطف خدا مغلوب شدند و با تماشای آنها ما در مبارزه برای عدالت دلگرم می
شویم. وقتی از تجربیات ارزشمندی که به آنها داده شده، از نور، عشق و برکتی که به آنها داده شده است می خوانیم

لذت ببرند، و کاری را که از طریق لطفی که به آنها داده شده، انجام دادند
روحهی که به آنها الهام شده است، شعله انگیزه مقدس را در آن روشن می کند
قلب های ما، و میل به شبیه بودن در شخصیت و مانند آنها
آنها، با خدا راه بروید.

عیسی در مورد کتب عهد عتیق گفت - و این در مورد عهد جدید بسیار صادق است - "آنها چیزهایی
هستند که از من هستند.

شهادت دهید» (یوحنا 5:39) نجات دهنده، کسی که امید ما به زندگی ابدی در او متمرکز است. بله، کل کتاب مقدس
از مسیح صحبت می کند. از اولین گزارش خلقت، برای «بدون او هیچ چیز

انجام شد» (یوحنا 1:3) به وعده نهایی: «اینک، من به سرعت می آیم.»
(مکاشفه 22:12) ما کارهای او را می خوانیم و از او می شنویم

صدا اگر می خواهید با ناجی آشنا شوید، مطالعه کنید

کتاب مقدس

تمام قلب خود را با سخنان خدا پر کنید. آنها آب زنده ای هستند که تشنگی سوزان شما را سیراب می کنند.

آنها نان زنده بهشت هستند.

عیسی می گوید: «مگر اینکه گوشت پسر انسان را نخورید

خون او را بنوشید، در شما حیات نخواهید داشت.» خودش است

خود را توضیح می دهد و می گوید: «حرف‌هایی که با شما گفتم روح است و

آنها حیات هستند» (یوحنا 6: 53 و 63). بدن ما با چه چیزی ساخته شده است

می خوریم و می نوشیم و همانطور که در اقتصاد طبیعی اتفاق می افتد،

این در اقتصاد معنوی است: این چیزی است که ما در مورد آن تعمق می کنیم که به طبیعت معنوی ما لحن

و قوت می بخشد.

موضوع رستگاری موضوعی است که فرشتگان مایل به درک آن هستند. این خواهد بود دانش و آهنگ از

رستگاری از طریق

قرن های بی وقفه ابدیت آیا او شایسته مراقبت نیست

در نظر گرفتن و مطالعه در حال حاضر؟ رحمت و محبت بی پایان عیسی،

فداکاری که از جانب ما انجام شد، جدی ترین و جدی ترین را فراخوانید

بازتاب ما باید به شخصیت معشوقمان فکر کنیم

نجات دهنده و شفیع. ما باید در رسالت یگانه تعمق کنیم

که آمد تا قومش را از گناهانشان نجات دهد. هنگامی که به این ترتیب به موضوعات آسمانی می اندیشیم، ایمان و عشق ما

تقویت می شود و ما

دعاها به طور فزاینده ای مورد قبول خداوند قرار خواهند گرفت، زیرا چنین خواهد شد

بیشتر و بیشتر با ایمان و عشق آمیخته می شود. آنها باهوش خواهند بود و

پرشور اعتماد دائمی به عیسی وجود خواهد داشت، و هر روز،

تجربه زنده در قدرت او برای نجات کامل همه

کسانی که از طریق او نزد خدا می آیند.

وقتی در کمالات منجی تعمق می کنیم،

ما آرزو خواهیم کرد که کاملاً به تصویر پاکی او تبدیل و تجدید شویم. گرسنگی و تشنگی روح برای شبیه شدن به او که ما او را

می پرستیم وجود خواهد داشت. هر چه بیشتر ما

افکار درباره مسیح است. هر چه بیشتر درباره او صحبت کنیم

دیگران، و ما او را در برابر جهان نمایندگی خواهیم کرد.

کتاب مقدس فقط برای تحصیلکردگان نوشته نشده است. به برعکس، برای مردم عادی طراحی شده بود. حقایق بزرگی که برای رستگاری لازم است، مانند ظهر روشن می شود. و هیچ کس فریب نمی خورد و راه را گم نمی کند، مگر کسانی که به جای حکم آشکار، از حکم خود پیروی کنند.

اراده نازل شده خداوند
ما نباید شهادت کسی را بگیریم
در مورد آنچه که کتاب مقدس تعلیم می دهد، اما ما باید آن را مطالعه کنیم
سخنان خدا برای خودمان اگر به دیگران اجازه دهیم
به جای ما فکر کنید، ما انرژی و توانایی های ضعیفی خواهیم داشت
آتروپی شده قوای نجیب ذهن ممکن است به دلیل عدم تمرین روی موضوعاتی که ارزش تمرکز آنها را دارند،
چنین شوند

ضعیف شده و توانایی درک عمق را از دست می دهد
معنی کلام خدا اگر باشد ذهن منبسط خواهد شد
در تحقیق در مورد رابطه موضوعات در کتاب مقدس،
مقایسه کتاب مقدس با کتاب مقدس، و چیزهای معنوی با
معنوی

هیچ چیز حساب شده تر از مطالعه کتاب مقدس برای تقویت عقل نیست. هیچ کتاب دیگری به اندازه حقایق گسترده و اصیل کننده کتاب مقدس در ارتقای افکار و نیرو بخشیدن به قوا نیست. اگر کلام خدا

اگر آنطور که باید مورد مطالعه قرار می گرفت، مردان دارای یک
ذهن، اشراف شخصیت، و ثبات هدف به عنوان
در این زمان ها به ندرت دیده می شود.
اما فایده بسیار کمی از خواندن وجود دارد
عجله از کتاب مقدس شخص می تواند کل کتاب مقدس را در آن بخواند
پوششش به پوششش و در عین حال ناتوانی در دیدن زیبایی آن یا درک معنای عمیق و پنهان آن. یک قطعه مطالعه
شده تا زمانی که معنای آن برای ذهن روشن شود و ارتباط آن با برنامه نجات آشکار شود، ارزش بسیار بیشتری
نسبت به خواندن دارد.

توجه به بسیاری از فصل ها بدون هیچ هدف مشخصی در نظر و
بدون کسب هیچ دستورالعمل مثبت. کتاب مقدس را با

شما. وقتی فرصت دارید، آن را بخوانید؛ متن ها را به خود پین کنید
حافظه حتی وقتی در خیابان راه می روید، می توانید الف را بخوانید
عبور کنید، و روی آن مدیتیشن کنید، بنابراین آن را در ذهن خود تثبیت کنید.
ما نمی توانیم بدون توجه و توجه پرشور خرد به دست آوریم
مطالعه همراه با دعا برخی از بخش های کتاب مقدس عبارتند از
در واقع، خیلی واضح است که سوء تفاهم نشود. اما دارند
دیگرانی که معنایشان در ظاهر نیست، از آنها گرفتار شد
نگاه کتاب مقدس باید با کتاب مقدس مقایسه شود. ممکن است داشته باشد
تحقیق و تأمل دقیق همراه با دعا. و چنین مطالعه ای
پاداش زیادی دریافت خواهد کرد. همانطور که معدنچی رگه هایی از فلز گرانبها را که در زیر سطح زمین پنهان
شده است کشف می کند، او که
با پشتکار کلام خدا را مانند گنجی پنهان جستجو می کند، حقایق را می یابد که بالاترین ارزش را دارند، که عبارتند
از
از دید محقق بی دقت پنهان است. سخنان از
الهام که در دل اندیشیده شود، مانند سیلابی خواهد بود که از آن سرازیر می شود
منع زندگی

کتاب مقدس هرگز نباید بدون دعا مطالعه شود. قبل از باز کردن
در صفحات آن باید روشنایی روح القدس را بخواهیم و داده خواهد شد. هنگامی که ناتانائیل نزد عیسی آمد،
نجات دهنده فریاد زد: «اینک یک اسرائیلی واقعاً که در او نیرنگ نیست.» ناتانائیل گفت:

"من را از کجا می شناسی؟" عیسی پاسخ داد: «پیش از فیلیپس
صدا کن، وقتی زیر درخت انجیر بودی دیدمت.» (یوحنا 1:47 و
(48) و عیسی نیز ما را در مکانهای مخفی دعا خواهد دید، اگر
بیایید نور را از او بجوییم تا بدانیم حقیقت چیست.
ملائکه از عالم نور با کسانی خواهند بود که در خضوع و خضوع
قلب، هدایت الهی را بجویید.
روح القدس منجی را تعالی و جلال می بخشد. این کار شماست
به مسیح، خلوص عدالت او و نجات بزرگی که از طریق او داریم، تقدیم می کنیم. عیسی گفت: «از آنچه هست
دریافت خواهد کرد

او آن را به شما اعلام خواهد کرد» (یوحنا 14: 16) روح حقیقت است
تنها معلم مؤثر حقیقت الهی خدا چقدر برای مسابقه ارزش قائل بود

انسان، از آنجایی که پسرش را داد تا برای او بمیرد، و اشاره می کند
روح او استاد و راهنمای همیشگی انسان باشد.

فصل 11

امتیاز دعا

از طریق طبیعت و وحی، از طریق او

مشیت، و با تأثیر روح خود، خدا با ما صحبت می کند. اما این کافی نیست. ما نیز باید خود را بریزیم

برای داشتن زندگی معنوی و انرژی باید داشته باشیم

رابطه واقعی با پدر آسمانی ما ذهن ما می تواند

ما می توانیم در کارهای او، او، تعمق کنیم

رحمت، برکات او. با این حال، این در اکثر موارد نیست

گسترده، با او ارتباط برقرار کنید، برای ارتباط با خدا لازم است که

ما چیزی برای گفتن به او در مورد زندگی واقعی خود داریم.

دعا، باز کردن قلب شما به سوی خدا به عنوان یک دوست است. خیر

برای اینکه به خدا بفهمیم که چه هستیم، لازم است.

با این حال، برای اینکه ما را قادر به دریافت او کنیم. دعا خدا را نزد ما پایین نمی آورد، بلکه ما را به سوی او

بالا می برد.

هنگامی که عیسی بر روی زمین بود، او به او تعلیم داد

شاگردان چگونه باید دعا کنند او به آنها دستور داد که خود را ارائه دهند

نیازهای روزانه خود را در پیشگاه خداوند قرار دهید و تمام نیازهای خود را بر عهده او بگذارید.

اهمیت دادن. و او به آنها اطمینان داد که درخواستهایشان خواهد بود

شنیده شدن برای ما نیز قطعی است.

خود عیسی، زمانی که در میان مردم زندگی می کرد، بود

اغلب در نماز نجات دهنده ما خود را شناسایی کرد

با نیازها و ضعف های ما، که در آنها یک

دعا کننده، گدای که از پدرش به دنبال لوازم جدید است

قدرت، به طوری که او می تواند برای انجام وظیفه و آزمایش قوی ظاهر شود. او

او در همه چیز الگوی ماست.

او در ناتوانی های ما برادر است. «در هر چه بود

و سوسه شده، همانطور که ما هستیم.» اما، مانند معصوم، طبیعت او

از شر عقب نشینی کرد او در یک دنیا مبارزات و شکنجه های روحی را تحمل کرد

از گناه انسانیت او نماز را لازم و ضروری ساخت

امتیاز او آسایش و شادی را در مشارکت با او یافت
پدر، و اگر نجات دهنده انسان ها، پسر خدا، نیاز به دعا احساس می کرد، چه اندازه انسان های ضعیف باید
پراز دعا باشند.
از گناه، نیاز به دعای پرشور و دائمی را احساس کنید.
پدر آسمانی ما منتظر است تا برکت کامل خود را بر ما بریزد. این افتخار ماست که تا حد زیادی
از آن بنوشیم
منبع عشق نامحدود چقدر خوب است که ما اینقدر کم دعا می کنیم!
خداوند آماده و مایل است که دعای خالصانه ترین را بشنود
فروتنی فرزندانش و با این حال هنوز خیلی آشکار است
بی میلی از جانب ما برای شناخت نیازهایمان به خدا. فرشتگان بهشت در مورد انسانهای فقیر و ناامید که
در معرض وسوسه قرار می گیرند چه فکری می کنند که دل عشق بیکران خداوند با اشتیاق به سویش متمایل
می شود.

آماده اند تا بیش از آنچه می توانند بخواهند یا فکر کنند به آنها بدهند
با این حال آنها خیلی کم نماز می خوانند و ایمانشان کم است؟ فرشته ها دوست دارند
برای خدا سجده کن. دوست دارند به او نزدیک شوند
ارتباط با خدا به عنوان بالاترین لذت آنها، و در عین حال
فرزندان زمین که آنقدر به کمکی نیاز دارند که فقط خدا می تواند بدهد، به نظر می رسد که از راه رفتن بدون
نور روح او، یعنی همراهی، راضی هستند.
از حضور او
تاریکی شیطان، غفلت کنندگان را فرا می گیرد
دعا وسوسه های پیشنهادی دشمن ما را به گناه می کشاند. و
همه اینها به این دلیل است که آنها از امتیازاتی که خدا به آنها می دهد استفاده نمی کنند.
در قرار الهی نماز داد. چرا باید کودکان و
دختران خدا اینقدر از نماز اکراه داشته باشید، در حالی که نماز کلید است
به دست ایمان برای باز کردن انبار غله بهشت، جایی که منابع نامحدود قدرت مطلق در آن ذخیره شده است؟
بدون دعای بی وقفه و بیداری مجدانه، در خطر غفلت و انحراف از صراط مستقیم هستیم. حریف به دنبال

پیوسته سد راه عرش رحمت، به
مبادا با دعای پرشور و ایمان، فیض و قدرت را به دست آوریم
در برابر وسوسه مقاومت کنید

شرایط خاصی وجود دارد که در آن می توانیم از خداوند انتظار داشته باشیم
دعای ما را بشنو و مستجاب کن یکی از اولین موارد این است که ما نیاز خود را به کمک او احساس می کنیم.
او وعده داد: بر تشنه‌ها آب خواهم ریخت و بر خشکی جویبار.

(اشعیا 44:3) کسانی که گرسنه و تشنه عدالت هستند، که مشتاقند
خدایا مطمئن باش که زیاد خواهی داشت. قلب مجبور است
باز بودن در برابر نفوذ روح یا برکت خدا نمی تواند
دریافت شود.

نیاز بزرگ ما خود حجت است و
از طرف ما با شیواترین خواهش می کند. اما باید خداوند را جستجو کرد تا این کارها را برای ما انجام دهد. او می
گوید: "بخواهید تا به شما داده شود" (متی 7: 7) «کسی که پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را به خاطر همه ما
واگذار کرد، چگونه به ما نخواهد داد

همچنین همه چیز با اوست؟» (رومیان 8:32)
اگر گناه را در دل خود نگه داریم، اگر ما
به هر گناه شناخته شده ای بچسبید، خداوند ما را نخواهد شنید.
ولی دعای روح توبه کننده و پشیمان همیشه قبول است. چه زمانی
همه اشتباهات شناخته شده اصلاح شده است، ما می توانیم باور کنیم که خدا درخواست های ما را خواهد داد.
شایستگی های خودمان هرگز ما را به لطف خدا توصیه نمی کند. این شایستگی مسیح است که ما را نجات
خواهد داد، خون اوست که ما را پاک خواهد کرد. با این حال، ما یک

کاری که باید در رعایت شرایط پذیرش انجام شود.
یکی دیگر از عناصر غلبه بر نماز ایمان است. ... "مورد نیاز است
هر کس به خدا نزدیک شود معتقد است که او وجود دارد و او وجود دارد
او را پاداش دهنده کسانی می کند که در جستجوی او هستند» (عبرانیان 11: 6) عیسی به شاگردانش گفت:
«هر چه در دعا بخواهید، ایمان داشته باشید که آنها را خواهید گرفت و خواهید داشت» (مرقس 11:24) ما
او را به درون او می بریم
کلمه؟

یقین گسترده و نامحدود است. و امین است آن که وعده داده است.
وقتی دقیقاً چیزهایی را که درخواست می کنیم دریافت نمی کنیم،
زمانی که در آن درخواست می کنیم، هنوز باید باور داشته باشیم که خداوند می شنود، و
او دعای ما را مستجاب خواهد کرد. ما خیلی خطاپذیر و کوتاهی هستیم

از آنجایی که ما گاهی چیزهایی را طلب می‌کنیم که برای ما برکت نیست
ما، و پدر آسمانی ما با محبت به دعاها می‌پاسخ می‌دهد و به ما چیزی را می‌دهد که برای بزرگ‌ترین خیر ما
خواهد بود - آن چیزی که خودمان آرزو می‌کنیم اگر با بینشی روشن‌شده الهی، بتوانیم همه چیز را آن‌طور که
واقعاً هستند ببینیم. چه زمانی

به نظر می‌رسد دعاها ما مستجاب نشده است، ما باید به آن بچسبیم
قول دهید، زیرا زمان پاسخ قطعاً فرا خواهد رسید و ما دریافت خواهیم کرد
نعمتی که ما بیش از همه به آن نیاز داریم اما تظاهر به این که نماز است
همیشه به همان روش و برای چیز خاصی که
ما آرزو می‌کنیم، فرض است. خدا عاقل‌تر از آن است که اشتباه کند و خوب است
آنقدر زیاد است که هیچ چیز خوبی را از کسانی که درست راه می‌روند دریغ نکنیم.
بنابراین، از اعتماد به او نترسید، حتی اگر پاسخ فوری به دعای خود نبینید. بر وعده مطمئن او تکیه کنید:
«پرس،

و به شما داده خواهد شد.» (متی. 7:7)

اگر با تردیدها و ترس‌های خود مشورت کنیم،
یا سعی کنیم هر چیزی را که نمی‌توانیم به وضوح ببینیم حل کنیم،
قبل از اینکه ایمان داشته باشیم، سردرگمی‌ها فقط افزایش می‌یابد و
عمیق‌تر خواهد شد. اما اگر همان‌طور که واقعاً هستیم، با احساس ناتوانی و وابستگی به سوی خدا آمدم و
با ایمان متواضعانه و متواضعانه، نیازهای خود را به خدایی که علمش بی‌نهایت است و همه چیز را در
آفرینش می‌بیند و بر همه چیز بر همه چیز حکومت می‌کند آگاه کنیم.

اراده و کلام، او می‌تواند و به فریاد ما پاسخ می‌دهد، و انجام خواهد داد
باشد که نور در قلب ما بدرخشد. از طریق دعای خالصانه
ما در ارتباط با ذهن نامتناهی قرار گرفته ایم. ما میتوانیم
در همان لحظه، شواهد قابل توجهی وجود ندارد که چهره از
نجات دهنده ما با شفقت و محبت بر ما تکیه کرده است.
اما این‌طور است. ما ممکن است لمس مشهود او را احساس نکنیم، اما دست او با عشق و مهربانی بر
ماست.

وقتی برای طلب رحمت و برکت خداوند می‌آییم، باید روحیه محبت و بخشش در دل داشته
باشیم.

چگونه می‌توانیم دعا کنیم: «مثل ما بدهی‌های ما را ببخش
بدهکاران ما را ببخش» (متی، 6:12) همچنان الف را پرورش دهید

روحیه آشتی؟ اگر توقع داشته باشیم که نمازمان باشد

شنیده شد، ما باید دیگران را به همان شکل و به همان شکل ببخشیم

تا حدی که امیدواریم بخشیده شویم.

استقامت در نماز شرط قبولی شده است. ما همیشه باید دعا کنیم اگر می خواهیم در ایمان رشد کنیم و

تجربه. ما باید «در نماز مداومت» داشته باشیم تا

«به دعا ادامه دهید و با شکرگزاری مراقب باشید» (رومیان

12:12 و کولسیان 4:2) پیتر از ایمانداران می خواهد که «هوشیار باشند

و در دعا بیدار باشید» (اول پطرس 7: 4) پولس دستور می دهد: «اما در همه چیز

درخواستهای شما را با دعا و نیایش و شکرگزاری در حضور خدا آشکار کنید.» (فیلیپیان 4:6) یهودا می گوید: «اما شما

عیزان، که در روح القدس دعا می کنید، خود را در محبت خدا نگه دارید» (یهودا 20 و 21) نماز بی وقفه است

اتحاد بی وقفه روح با خدا، به طوری که زندگی خدا

به زندگی ما سرازیر می شود. و از زندگی ما خلوص و قداست جاری می شود

به خدا برگرد

در نماز همت لازم است. اجازه نده

هیچ چیز شما را متوقف نمی کند تمام تلاش خود را بکنید تا ارتباط آشکار بین عیسی و روح خود را حفظ کنید.

به دنبال هر فرصتی برای رفتن بودم

جایی که معمولاً نماز خوانده می شود. کسانی که واقعاً به دنبال ارتباط با خدا هستند در مجلس دعا دیده می شوند.

وفادار به انجام وظیفه، و توجه و مشتاق جمع آوری همه

مزایایی که می توانند به دست آورند. آنها از هر فرصتی استفاده خواهند کرد

خود را در جایی قرار دهند که بتوانند پرتوهای نور را از بهشت دریافت کنند.

ما باید در خانواده نماز بخوانیم و مهمتر از همه از دعای پنهانی غافل نشویم که حیات روح است. رستگاری

روح در حالی که نماز غفلت می شود محال است. نماز خانواده و نماز عمومی کافی نیست. در تنهایی،

اجازه دهید روح به روی نگاه جستجوگر خداوند باز شود. دعای پنهانی را فقط خدایی که دعاها را می شنود باید بشنود.

هیچ گوش فضولی نباید بار هموعان را به دوش بکشد

طومارها در دعای پنهانی روح از تأثیرات آن آزاد می شود

محیطی عاری از هیاهو. با آرامش، اما با اشتیاق، او این کار را خواهد کرد
به خدا برسه تأییری لطیف و دائمی از جانب کسی است که در نهان می بیند و گوشش برای شنیدن دعای دل باز
است. با ایمانی آرام و ساده، روح با خدا ارتباط برقرار می کند و پرتوهای نور الهی را جذب می کند تا آن را تقویت کند و

او را در درگیری با شیطان حفظ کنید. خدا برج قوت ماست
تو اناقت نماز بخون و در حالی که به کار خود ادامه می دهید
هر روز اجازه بده قلبت بارها به سوی خدا بلند شود.
اینگونه بود که خونخ با خدا راه رفت. این دعاهاى خاموش
بر تخت فیض مانند بخور گرانبها صعود کن. شیطان نمی تواند بر کسی که قلبش متمایل به خداست غلبه کند.

هیچ زمان و مکان نامناسبی برای تقدیم عریضه به خداوند وجود ندارد. هیچ چیز نمی تواند ما را از بالا
بردن آن باز دارد

قلب به روح دعای خالصانه در ازدحام در خیابان، در
از طریق یک معامله تجاری می توانیم الف را به خدا ارتقا دهیم
درخواست کنید و برای هدایت الهی دعا کنید، همانطور که نعمیا در آن زمان انجام داد
او درخواست خود را به پادشاه اردشیر ارائه کرد. یک اتاق از
دعا را در هر کجا که هستیم می توان یافت. ما باید درهای قلب را مدام باز داشته باشیم، و ما

دعوت صعودی که عیسی ممکن است بیاید و ساکن شود
مهمان بهشتی در روح ما
اگرچه ممکن است یک فضای آلوده و فاسد وجود داشته باشد
در اطراف ما، ما نیازی به نفس کشیدن این میاسما نداریم، اما
ما می توانیم در محیط پاک بهشت زندگی کنیم، می توانیم هر دری را ببندیم
به تصورات ناپاک و افکار ناپسند، ما را بالا می برد
روح با دعای خالصانه به حضور خدا کسانی که دلشان برای دریافت کمک و برکت خداوند باز است

در جوی مقدس تر از زمین راه می رود و خواهد داشت
ارتباط دائمی با بهشت
ما باید دیدگاههای متمایزتری نسبت به عیسی داشته باشیم، و دیدگاههای بیشتری
درک گسترده از ارزش واقعیت های ابدی. زیبایی از
تقدس باید دل فرزندان خدا را پر کند. و برای چه

این را می توان انجام داد، ما باید به دنبال آیات الهی باشیم

چیزهای بهشتی

روح وسعت و تعالی باشد تا خداوند دمی از فضای ملکوتی به ما عطا فرماید. ما میتوانیم

ما را آنقدر به خدا نزدیک کن که در هر غیر منتظره ای

در آزمایش، افکار ما به طور طبیعی به سوی او معطوف می شود

همانطور که گل به سمت خورشید می چرخد.

نیازها، شادیها، غمهایتان را نگه دارید،

نگرانی ها و ترس هایشان در پیشگاه خداوند. تو نمی توانی

بر او بار بیاور نمی تواند او را خسته کند. کسی که موهای سرش را می شمارد نسبت به نیازهای فرزندانش بی تفاوت

نیست. «... زیرا خداوند سرشار از رحمت و رحیم است» (یعقوب . 5:11 قلب پرمهر شما از غم های ما متاثر شده است

و

حتی با بیان ما از آنها. هر چیزی را که باعث می شوید نزد او ببرید

گنجی برای ذهن هیچ چیز آنقدر بزرگ نیست که او بتواند حمل کند،

زیرا او جهان ها را نگه می دارد و بر همه امور حکومت می کند

کائنات. هیچ چیزی که به هیچ وجه به آن مربوط نمی شود

آرامش ما آنقدر ناچیز است که او متوجه نشود. هیچ فصلی در تجربه ما برای خواندن آن تاریک نیست. هیچ ابهامی

وجود ندارد که حل آن برای او دشوار باشد.

هیچ مصیبتی بر کوچکترین فرزندان او نمی رسد،

هیچ اضطرابی روح آنها را آزار نمی دهد، هیچ تحسینی

شادی، هیچ دعای صادقانه ای از لبان ما فرار نمی کند، که پدر ماست

آسمانی مشاهده نمی کنند، یا آنچه که توجه فوری او را جلب نمی کند.

او «شکسته های دل را شفا می دهد و زخم هایشان را می بندد» (مزمور.

147:3) روابط بین خدا و هر روح بسیار متمایز و متمایز است

کامل، گویی هیچ روح دیگری برای او وجود ندارد

پسر محبوب خود را داده بود.

عیسی گفت: «به نام من بخواهید، و من به شما نمی گویم که برای شما از پدر دعا خواهم کرد،

زیرا خود پدر شما را دوست دارد» (یوحنا 16:26 و

27) من تو را برگزیدم... تا هر چه از پدر بخواهی

به نام من آن را به شما عطا کند» (یوحنا 15:16) اما به نام دعا کنید

عیسی چیزی بیش از ذکر نام او در ابتدا و انتهای دعا نیست. این است که بر اساس ذهن و روح دعا کنیم

عیسی، همانطور که به وعده های او ایمان داریم، در او آرام می گیریم

لطف کنید و کارهای او را انجام دهید.

خدا قصد ندارد هیچ یک از ما تبدیل شویم

گوشه نشین یا راهبان و کناره گیری از دنیا، به منظور

وقف اعمال عبادی. زندگی باید همانگونه باشد که بود

مسیح - بین کوه و جمعیت، کسی که هیچ کاری نمی کند جز

دعا کن، به زودی دست از این کار برمی داری، وگرنه نمازت می شود

رسمی و روتین وقتی مردان از زندگی اجتماعی کناره گیری می کنند،

دور از حوزه وظایف مسیحی و حمل صلیب. چه زمانی

آنها از کار سخت برای استاد دست می کشند، که برای آنها سخت کار می کرد، خود را از هدف اساسی دعا محروم

می کنند، و

آنها هیچ انگیزه ای برای فداکاری ندارند. دعای شما می شود

شخصی و خودخواه آنها نمی توانند برای حاجت دعا کنند

بشریت یا بنای پادشاهی مسیح، دعا برای قدرت

برای کار با

وقتی از امتیازات غفلت کنیم برای ما ضرر است

در خدمت خداوند یکدیگر را تقویت و تشویق کنید. حقایق کلام او قدرت و اهمیت خود را در ذهن از دست می

دهند.

قلب های ما با تو روشن و بیدار نمی شود

نقوذ تقدیس، و ما در معنویت کاهش می یابد. ما باختیم

در روابط ما به عنوان مسیحی، به دلیل عدم همدردی

از یکی به دیگری کسی که خود را می بندد این کار را نمی کند

او در حال پر کردن مکانی است که خداوند برای او طراحی کرده است. O

پرورش به دلیل عناصر اجتماعی طبیعت ما را به داشتن سوق می دهد

همدردی با دیگران، وسیله ای برای پیشرفت و شدن

در خدمت خدا قوی تر باشیم

اگر مسیحیان با یکدیگر ارتباط داشتند، با یکدیگر صحبت می کردند

از عشق خدا و حقایق گرانبهای رستگاری، او

دلهایشان شاداب می شد و یکدیگر را تازه می کردند

دیگران. ما باید هر روز بیشتر از پدرمان بیاموزیم

آسمانی، کسب تجربه جدیدی از فیض او؛

سپس مایل خواهیم بود که از محبت او صحبت کنیم، و با انجام این کار، قلب ما گرم و دلگرم خواهد شد. اگر بیشتر درباره عیسی و کمتر در مورد خود فکر می‌کردیم و صحبت می‌کردیم، این کار را می‌کردیم

بسیار بیشتر از حضور او

اگر هر چند وقت یکبار به خدا فکر می‌کردیم

ما او را حفظ خواهیم کرد

همیشه در افکارمان هستیم و از صحبت درباره او خوشحال می‌شویم

و او را ستایش کن. ما در مورد چیزهای زمانی صحبت می‌کنیم زیرا علاقه مندیم

در آنها. ما در مورد دوستان خود صحبت می‌کنیم زیرا آنها را دوست داریم. ما

شادی‌ها و رنج‌های ما با آنها یکی شده است. داریم، در

با این حال، دلایل بی‌نهایت بزرگتر برای دوست داشتن خدا از

دوستای زمینی‌مون رو دوست داشته باشیم و باید بیشترین باشد

طبیعت جهان به او جایگاه اول را در همه ما بدهد

افکار، از خوبی او صحبت کنید، و از قدرت او بگوئید. به

چنین هدایای غنی را به ما عطا کن، آیا این طرح او نبود

افکار ما را جذب کنیم و آنقدر آنها را گرامی بداریم که

ما چیزی نداشتیم که به او بدهیم. اینها مدام به ما مدیون هستند

او را به ما یادآوری کنید و ما را با پیوندهایی از عشق و قدردانی پیوند دهید

بخشنده بهشتی ما ما بسیار وابسته به زمین زندگی می‌کنیم. ما باید چشمانمان را به درب باز حرم بالا ببریم،

جایی که نور جلال خدا در چهره مسیح می‌درخشد که «هست

همچنین می‌تواند کسانی را که نزد او می‌آیند تا حد امکان نجات دهد

خدا» (عبرانیان. 7:25)

ما باید خدا را بیشتر «به خاطر نیکی و نیکی او» ستایش کنیم

کارهای شگفت‌انگیز برای فرزندان انسان» (مزمور. 107:8)

عبادات ما نباید فقط خواستن و گرفتن باشد.

اجازه ندهیم همیشه به نیازهایمان فکر کنیم و

هرگز در مزایای دریافتی. ما زیاد نماز نمی‌خوانیم و هستیم

حتی در شکرگزاری ما فقیرتر. ما کانتینر هستیم

ثابت رحمت خدا، و با این حال چقدر کم

سپاسگزاری می کنیم، چقدر کم او را به خاطر داشته هایش ستایش می کنیم

ساخته شده توسط ما!

در زمانهای قدیم، هنگامی که اسرائیل برای عبادت او جمع شدند، خداوند به آنها دستور داد: «در آنجا به حضور یهوه خدای خود بخورید و از هر کاری که انجام می دهید، شما و خانه هایتان، از آنچه انجام می دهید، خوشحال خواهید شد یهوه خدایت را برکت داد» (تثنیه، 12:7) آنچه برای جلال خدا انجام می شود باید با آن انجام شود شادی، سرودهای حمد و شکر، نه با اندوه و مالیخولیا.

خدای ما پدری مهربان و مهربان است، خدمت او را نباید تمرینی دردناک و غم انگیز تلقی کرد.

پرستش خداوند و شرکت در کار او باید لذت بخش باشد.

خداوند فرزندانش را که چنین بزرگی برایشان آماده کرده است نمی خواهد رستگاری، طوری رفتار کن که گویی او یک مدیر کار سخت و سخت است. او بهترین دوست شماست و امیدوارید که وقتی او را می پرستید، بتوانید باشید با آنها، برای برکت و آرامش آنها، و قلب آنها را پر می کند با شادی و عشق خداوند می خواهد فرزندانش پیدا کنند آسایش در خدمت او، لذت بیشتر از سختی در آن. او آرزو می کند که کسانی که برای عبادت او می آیند، گرانمایی را با خود ببرند به فکر مراقبت و محبت او باشند تا در تمام مشاغل روزمره شاد باشند و به دست آورند

لطف به رفتار صادقانه و صادقانه در همه چیز.

ما باید دور صلیب جمع شویم. مسیح و او

مصلوب، باید موضوع تفکر، گفتگو و

از شادترین احساس ما ما باید تمایل داشته باشیم

سپردن همه چیز به دستی که هر یک از ما به صلیب میخکوب شد.

روح می تواند با بال های ستایش به بهشت نزدیک تر شود. خداوند با سرودها و سرودها در بارگاه

های بهشتی پرستش می شود و

با ابراز سپاس، به عبادت لشکریان آسمانی نزدیک می شویم. «چه فداکاری از اعمال به من می دهد

او خدا را جلال می دهد» (مزمور، 50: 23) بیایید نزدیکتر شویم

با شادی احترام آمیز در برابر خالق ما، با "شکرگزاری و صدای موسیقی" (اشعیا. 51:3)

فصل 12

با شک و تردید چه کنیم

بسیاری، به ویژه کسانی که تازه وارد زندگی مسیحی شده اند، هستند گاهی اوقات با نشانه هایی از شک و تردید نگران می شوند. در کتاب مقدس وجود دارد بسیاری از چیزها را نمی توانند توضیح دهند یا حتی درک کنند، و شیطان از آنها استفاده می کند تا ایمان آنها را به کتاب مقدس به عنوان مکاشفه ای از جانب خدا متزلزل کند. می پرسند: «چگونه راه درست را بشناسم؟ اگر کتاب مقدس در واقع کلام خداست، من چگونه می توانم باشم

از این تردیدها و حیرت ها رها شده اید؟»

خداوند هرگز از ما نمی خواهد که ایمان بیاوریم بدون اینکه به ما کافی بدهد شواهدی که بر اساس آن ایمان خود را استوار کنیم. وجود او، شخصیت او، صداقت کلام او، همه توسط شهادتی که به عقل ما متوسل می شود. و این شهادت فراوان است. با این حال، خداوند هرگز احتمال شک را از بین نمی برد.

ایمان ما باید مبتنی بر شواهد باشد، نه برهان.

کسانی که می خواهند شک کنند فرصت خواهند داشت، در حالی که آنها کسانی که واقعاً میل به دانستن حقیقت دارند، فراوانی خواهند یافت شواهدی که بر اساس آن ایمان خود را استوار کنند. درک کامل این موضوع برای ذهن های محدود غیرممکن است شخصیت و آثار موجود بینهایت. برای مشتاق ترین ها درک، تحصیل کرده ترین ذهن، وجود مقدس باید همیشه در راز پوشیده بمانید «آیا رمز خدا را باز خواهی کرد یا به کمال خداوند متعال نفوذ خواهی کرد؟

همان گونه که بلندی های آسمان ها حکمت اوست. چه کاری می توانی انجام بدهی؟ بیشتر

او عمیق تر از پرتگاه است. چه چیزی می توانید بدانید؟» (ایوب 7: 11 و 8).

پولس رسول فریاد می زند: «ای ژرفای ثروت، بسیار

از حکمت به عنوان شناخت خدا! چقدر غیر قابل درک هستند

قضایای او و راههای او چقدر نامشخص است!» (رومیان

1: 33) اما اگر چه "ابرها و تاریکی او را احاطه کرده اند"، "عدالت و داوری پایه تخت او است" (مزمور 97:2).

ما میتوانیم

هم رفتار او با ما و هم دلایل او را درک کنید

اعمال، که ما قادر خواهیم بود عشق و رحمت بی نظیر را، متحد با قدرت بی پایان، تشخیص دهیم. ما می توانیم اهداف او را به اندازه ای که برای دانستن خیر ما لازم است درک کنیم. و فراتر

از این، به دستی که قادر مطلق است، به دلی که پر است اعتماد کن
از عشق.

کلام خدا به عنوان شخصیت نویسنده الهی آن،

رازهایی را ارائه می دهد که هرگز نمی توانند کامل شوند

توسط موجودات محدود قابل درک است. ورود گناه به دنیا،

تجسم مسیح، بازسازی، رستاخیز، و بسیاری از موضوعات دیگر که در کتاب مقدس ارائه شده است، اسرار بسیار عمیقی هستند.

برای اینکه ذهن انسان توضیح دهد یا حتی به طور کامل بفهمد. اما ما هیچ دلیلی نداریم که در کلام شک کنیم

خداوند به خاطر عدم درک اسرار مشیتش. در

دنیای طبیعی، ما دائماً توسط اسرار احاطه شده ایم

ما نمی توانیم بفهمیم ساده ترین اشکال زندگی

مشکلاتی را مطرح می کند که خردمندترین فیلسوفان از آن ناتوان هستند

توضیح دادن. همه جا شگفتی هایی وجود دارد که فراتر از دانش ماست. پس آیا باید تعجب کنیم که در دنیای معنوی نیز

اسرار وجود دارد که ما نمی توانیم آنها را درک کنیم؟ مشکل فقط در ضعف و

تنگی ذهن انسان خدا به ما در کتاب مقدس داده است

شواهد کافی از شخصیت الهی او، و ما نباید شک کنیم

کلام او برای این واقعیت است که ما نمی توانیم همه اسرار را درک کنیم

از مشیت او

پطرس رسول می گوید که در کتاب مقدس «چیزهایی وجود دارد که درک آنها دشوار است، که نادانان و

ناپایدار آنها را منحرف می کنند... به نابودی خود» (دوم پطرس 3:16). دشواری های کتاب مقدس توسط شکاکان به عنوان

استدلالی علیه کتاب مقدس ذکر شده است. با این حال، دور از آن، اینها یک قدرت قدرتمند هستند

شواهدی از الهام الهی او اگر او در مورد آن خودداری نمی کرد

از خداوند، اما آنچه ما به راحتی می توانیم درک کنیم. اگر شما

عظمت و عظمت را می شد از طریق درک کرد

در این صورت، کتاب مقدس اعتبار غیرقابل انکار قدرت الهی را ارائه نخواهد کرد. عظمت و رمز و راز موضوعاتی که در معرض دید قرار می گیرند باید ایمان به آن را به عنوان کلام خدا برانگیزد.

خداوند.

کتاب مقدس حقیقت را با این سادگی و با چنین سادگی آشکار می کند
سازگاری کامل با نیازها و خواسته های قلب انسان،

که در عین حال تحسین و افسون را به فرهیخته ترین اذهان برانگیخته است

در عین حال که متواضع و نادان را قادر می سازد تا آن را تشخیص دهد

راه نجات و با این حال، این حقایق ساده بیان شده است

آنها به موضوعاتی آنقدر رفیع، بسیار وسیع، و بی‌نهایت فراتر از قدرت درک انسان مربوط می‌شوند که ما فقط

می‌توانیم آنها را بپذیریم زیرا خداوند آنها را اعلام کرده است. بنابراین

طرح رستگاری در برابر ما گسترده شده است، به طوری که هر

شخص می تواند مراحلی را که باید برای توبه بردارد ببیند

با خدا و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح، تا از آن نجات پیدا کنیم

راهی که خداوند تعیین کرده است اما در زیر این حقایق، به همین راحتی

فهمیده می شود، رازهایی نهفته است که ذهن را در آن غرق می کند

جستجو کردن. با این حال، آنها به جوینده صادق حقیقت با تکریم و ایمان الهام می بخشند. هر چه بیشتر در مورد

کتاب مقدس تحقیق می کند، اعتقادش عمیق تر می شود که این کتاب کلام خدای زنده و عقل انسانی است.

در برابر عظمت وحی الهی تعظیم می کند.

تشخیص دهید که ما نمی توانیم به طور کامل درک کنیم

حقایق بزرگ کتاب مقدس تنها اعتراف به این است که ذهن محدود است

ناتوان از درک بی نهایت؛ آن مرد، با محدود خود

دانش بشری، نمی تواند اهداف را درک کند

دانایی کل.

از آنجا که آنها نمی توانند تمام اسرار آن را درک کنند، شکاک و کافر کلام خدا را رد می کنند. و همه

کسانی که ادعا می کنند به کتاب مقدس اعتقاد دارند در این مورد از خطر آزاد نیستند. O

رسول می فرماید: ای برادران مواظب خود باشید تا مبادا وارد شوید

هر کس از شما دل بد کفر داشته باشد، روی برگرداند

از خدای زنده» (عبرانیان .3:12 درست است که آموزه های کتاب مقدس را به دقت بررسی کنیم و «اعماق خدا» (اول قرن‌تینان (10: 2) را تا آنجا که در کتاب مقدس برای ما مکشوف شده است جستجو کنیم. در حالی که "چیزهای پنهان متعلق به یهوه، خدای ماست." نازل شده متعلق به ماست» (تثنیه .29:29) اما کار از شیطان قدرت تحقیق ذهن را منحرف می کند. یک معین غرور با توجه به حقیقت کتاب مقدس آمیخته است بنابراین اگر نتوانند هر بخش از کتاب مقدس را برای رضایت خود توضیح دهند، بی تاب و ناامید می شوند. و

برای آنها بسیار تحقیر کننده است که تشخیص دهند که آنها را درک نمی کنند کلمات الهام گرفته شده حاضر نیستند صبورانه منتظر بمانند تا خدا ببیند که حق برایشان راحت است. آنها احساس می کنند که خرد انسانی بدون کمک آنها کافی است

تا آنها را قادر سازد تا کتاب مقدس را درک کنند و در صورت عدم انجام این کار، عملاً اقتدار آن را انکار کنند. درست است که بسیاری نظریه ها و آموزه هایی که عموماً به آن ها می فهمند برگرفته از کتاب مقدس بر اساس تعالیم آن نیست، در واقع برخلاف روش کلی الهام. این موارد باعث شک و تردید بسیاری از اذهان شده است. با این حال، آنها را به کلام خدا نسبت نمی دهند، بلکه بیشتر به انحراف آن مربوط می شوند

مردان او را می سازند اگر ممکن بود مخلوقات به کمال برسند پس با رسیدن به این امر، خدا و کارهای او را درک کرد نکته، هیچ چیز دیگری برای آنها وجود نخواهد داشت که در مورد آن کشف کنند حقیقت، بدون پیشرفت در دانش، نه رشد ذهن یا قلب خدا دیگر وجود نخواهد داشت عالی و انسان با رسیدن به حد معرفت و دستاوردها، پیشرفت را متوقف می کند. خدا را شکر کنیم که اینطور نیست. خدا بی نهایت است؛ در او یافت می شود «همه گنج ها از حکمت و دانش» (کولسیان .3: 2) و در سراسر انسان های ابدیت همیشه می توانند جستجو کنند، همیشه یاد بگیرند،

بدون اینکه هرگز گنجینه های حکمت و خوبی های او را تمام کند

قدرت تو

خدا می خواهد که حتی در این زندگی، حقایق کلام او همیشه برای قومش آشکار شود. تنها یک وسیله

وجود دارد که از طریق آن می توان به این دانش دست یافت. ما میتوانیم

به درک کلام خدا تنها از طریق دستیابی به

روشنایی روح که به وسیله آن داده شد. "هیچ کس نمی داند

چیزهای خدا، اما روح خدا»، «زیرا روح

او چیزها، حتی اعماق خدا را جستجو می کند» (اول قرنیتان

11: 2 و 10) وعده ناجی به پیروانش این بود: "هنگامی که او، روح راستی، بیاید، شما را به تمام حقیقت

راهنمایی خواهد کرد... زیرا او آنچه از آن من است دریافت خواهد کرد و به شما اعلام خواهد کرد" (یوحنا 16:13 و

14).

خدا می خواهد که انسان از توانایی های خود استفاده کند

استدلال و مطالعه کتاب مقدس باعث تقویت و تعالی ذهن می شود

هیچ مطالعه دیگری نمی تواند این کار را انجام دهد. با این حال، مهم است که مراقب باشید

عقل را که در معرض ضعف و ناتوانی است خدایی کنیم

از انسانیت اگر ما نمی خواهیم که کتاب مقدس به روی آنها بسته شود

درک ما، برای اینکه واضح ترین حقایق دیگر درک نشود، باید سادگی و ایمان یک کودک کوچک را داشته باشیم،

مایل به یادگیری باشیم، از خداوند یاری جوییم.

روح. احساس قدرت و حکمت خدا و ماست

ناتوانی در درک عظمت او باید الهام بخش ما باشد

با فروتنی، و ما باید کلام او را با احترام باز کنیم،

گویی با ترس مقدس وارد حضور او شدیم. زمانی که ایالات متحده

برویم سراغ کتاب مقدس، عقل باید مقامی بالاتر از آن را بشناسد

خودش و دل و عقل باید در برابر بزرگان تعظیم کند

من هستم.

چیزهای زیادی وجود دارد که دشوار یا مبهم به نظر می رسند،

که خداوند آن را برای کسانی که به این ترتیب روشن و ساده می کند

به دنبال درک آنها باشید اما بدون هدایت روح القدس،

ما پیوسته در معرض انحراف کتاب مقدس هستیم یا

آنها را اشتباه تفسیر کنید خواندن بی ثمر زیادی از کتاب مقدس وجود دارد، و در در بسیاری از موارد، آسیب مثبت است. هنگامی که کلام خدا بدون احترام و بدون دعا باز می شود. وقتی افکار و عواطف و محبت‌ها بر خدا ثابت نیست و با اراده او هماهنگ نیست، ذهن از شک و تردید تاریک می‌شود. و در خود مطالعه از کتاب مقدس، شک و تردید قوی تر می شود. دشمن کنترل را به دست می گیرد فکر می کند و تفسیرهایی را پیشنهاد می کند که صحیح نیستند. هر زمان که مردان در جستجوی کلمات و عمل می کند تا با خدا هماهنگ باشد، پس هر چند آماده باشد ممکن است، آنها ممکن است در درک خود از کتاب مقدس اشتباه کنند، و اعتماد به توضیحات آنها امن نیست. کسانی که برای یافتن اختلاف به کتاب مقدس نگاه می کنند، تشخیص روحانی ندارند. با دید تحریف شده، آنها

دلایل زیادی برای شک و بی ایمانی به چیزها پیدا خواهد کرد که واقعا واضح و ساده هستند. مبدل هر چه باشد، علت واقعی شک و شک و تردید در بیشتر موارد عشق به گناه است. آموزه ها و محدودیت های کلام خدا در دل خوشایند نیست مغرور، گناه دوست؛ و کسانی که حاضر نیستند از خواسته های شما اطاعت کنید آماده اند که در اختیار شما تردید کنند. برای رسیدن به حقیقت باید صمیمانه داشته باشیم میل به دانستن آن، و قلبی مشتاق برای اطاعت از آن. همه کسانی که با این روحیه به مطالعه کتاب مقدس می آیند، خواهند یافت شواهد فراوانی وجود دارد که این کلام خداست و می تواند درکی از حقایق او به دست آورید که آنها را عاقل کند رستگاری مسیح گفت: "اگر کسی بخواهد اراده او را انجام دهد، تعلیم را خواهد دانست" (یوحنا 7:17) به جای سوال کردن و تحقیق کردن در مورد چیزی که نمی‌فهمید، توجه کنید به نور به فیض مسیح، هر وظیفه ای را که دارید انجام دهید برای درک شما روشن شد، و شما قادر خواهید بود

آنچه را که اکنون در آنها هستید درک کرده و به انجام برسانید شک.

آزمونی وجود دارد که برای همه -چه باسوادترین و چه بی سوادترین -باز است -آزمون تجربه. خداوند ما را دعوت می کند

حقیقت کلام او و صداقت را برای خود تأیید کنیم

از وعده های او و ما را دعوت می کند: «بچشید و ببینید که خداوند هست

خوب است» (مزمور. 34:8) به جای وابستگی به حرف های دیگران،

باید خودمان ثابت کنیم او می گوید: «بخواهید و خواهید گرفت.»

(یوحنا. 16: 24) وعده های شما محقق خواهد شد. آنها هرگز

ناموفق؛ آنها هرگز نمی توانند شکست بخورند. و همانطور که ما

همانطور که به عیسی نزدیکتر میشویم و در کمال محبت او شادی میکنیم، تردیدها و تاریکیهای ما در نور او ناپدید میشوند.

حضور

پولس رسول می گوید که «او [خدا] ما را از امپراتوری آزاد کرد

از تاریکی و ما را به پادشاهی پسر عشق او منتقل کرد.»

(کولسیان. 1:13) و هرکسی که از مرگ به زندگی گذشت

قادر است "تصدیق کند که خدا صادق است" (یوحنا. 3:33) او می توانست

شهادت دهید: «من به کمک نیاز داشتم، و آن را در عیسی یافتم. هر یک

حاجت برآورده شد، گرسنگی جانم برطرف شد. و اکنون کتاب مقدس برای من مکاشفه عیسی مسیح است. می پرسی

چرا من به عیسی ایمان دارم؟ - زیرا او یک نجات دهنده الهی برای من است.

چرا من به کتاب مقدس اعتقاد دارم؟ - چون فکر کرده ام که او صدای اوست

خدا برای روح من.» ما می توانیم در خودمان داشته باشیم

شهادت می دهد که کتاب مقدس صادق است، که مسیح پسر است

خداوند. می دانیم که به طور مصنوعی از افسانه ها پیروی نکرده ایم

کامپوزیت ها

پطرس برادران خود را تشویق کرد که «در فیض و فیض رشد کنند

معرفت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح» (دوم پطرس: 3:

18) وقتی قوم خدا در حال رشد در فیض باشند، خواهند بود

به طور مداوم درک واضح تری از او به دست می آورد

کلمه. آنها نور و زیبایی جدید را در مقدس خود تشخیص خواهند داد

حقایق این در تاریخ کلیسا در هر زمان صادق بوده است

سالخورده است و تا پایان این کار ادامه خواهد داشت. «اما راه صالحان مانند نور سپیده دم است که روشن‌تر و روشن‌تر می‌درخشد تا روزی کامل شود».

(امثال. 4:18)

با ایمان می‌توانیم به آینده نگاه کنیم و به آن بچسبیم

و عده خداوند برای رشد عقل، از طریق

قوای انسانی که با الهیات و همه ظرفیت‌های روح یکی می‌شوند

در تماس مستقیم با منبع نور قرار می‌گیرد. ما میتوانیم

از این واقعیت خوشحال باشیم که هر چیزی که ما را دچار سردرگمی کرده است

در عنایت خداوند، او روشن خواهد شد. چیزهای سخت به

اگر درک شوند، توضیحی خواهند یافت. و جایی که ذهن محدود ما فقط آشفتگی و اهداف شکسته را کشف

کرد،

ما کامل‌ترین و زیباترین هارمونی را خواهیم دید. «در حال حاضر ما مانند یک آینه، تاریک می‌بینیم. سپس ما

چهره به چهره خواهیم دید. اکنون،

تا حدی می‌دانم؛ آن‌گاه همان‌طور که شناخته شده‌ام، خواهم دانست.»

(اول قرنتیان. 13: 12)

فصل 13

شادی در خداوند

فرزندان خدا خوانده شده اند تا نماینده باشند
مسیح که نیکی و رحمت خداوند را آشکار می کند. همانطور که عیسی شخصیت واقعی پدر را به ما آشکار کرد، ما
نیز چنین کرده ایم
از آشکار ساختن مسیح به جهانی که مهربان و دلسوز او را نمی شناسد
عشق. عیسی گفت: «همانطور که مرا به جهان فرستادی.
من هم آنها را به دنیا فرستادم.» "من در آنها، و تو در من ... به طوری که
بگذار دنیا بداند که تو مرا فرستادی." (یوحنا 18: 17 و 23) پولس رسول به شاگردان عیسی می گوید: «معلوم
است که شما هستید
نامه مسیح»، «همه مردم آن را می شناسند و می خوانند» (دوم
قرنتیان 3: 3 و 2). (در هر یک از فرزندان خود، عیسی یک را می فرستد
نامه ای به جهان اگر پیرو مسیح هستید، او برای شما نامه ای به خانواده، روستا، خیابانی که در آن زندگی می کنید
می فرستد. عیسی،
با ساکن شدن در شما، می خواهد با قلب کسانی صحبت کند که با او آشنا نیستند، شاید آنها کتاب مقدس را نمی
خوانند یا به کتاب مقدس گوش نمی دهند.
صدایی که از صفحاتش با آنها صحبت می کند. محبت خدا را از طریق نبینید
از آثار او اما، اگر نماینده واقعی هستید
عیسی، ممکن است از طریق تو به سوی تو هدایت شوند
چیزی از خوبی او را درک کنید و متقاعد شوید که او را دوست داشته باشید و
به او خدمت کن
مسیحیان به عنوان نورانی در مسیر بهشت قرار می گیرند و باید نوری را که از مسیح بر آنها می تابد بر
جهان منعکس کنند. زندگی و شخصیت آنها باید به گونه ای باشد که از طریق آنها،

دیگران تصور درستی از مسیح و خدمت او خواهند داشت.

اگر ما نماینده مسیح باشیم، خدمت او را نمایان خواهیم کرد
جذاب، همانطور که او واقعاً است. مسیحیان که سابه ها را جمع می کنند و
غم جانشان، زمزمه می کنند و شکایت می کنند، می دهند
دیگران نمایشی نادرست از خدا و زندگی مسیحی هستند. می دهند

این تصور که خداوند از خوشحالی فرزندانش راضی نیست و با این کار آنها شهادت دروغی درباره پدر آسمانی ما منتشر کردند.

شیطان وقتی می تواند فرزندانش را به سوی هدایت کند، خوشحال می شود ناپاوری و ناامیدی از دیدن بی اعتمادی ما لذت می برد خداوند، به اراده و قدرت او برای نجات ما شک دارد. او دوست دارد به ما این احساس را بدهد که خدا با مشیت هایش به ما آسیب خواهد رساند. این کار شیطان است که خداوند را ناقص نشان دهد از شفقت و ترحم حقیقت را در مورد او تحریف می کند. او تصورات نادرست درباره خدا را پر می کند و در عوض قبل از اینکه ذهن خود را به حقیقت در مورد پدر آسمانی خود معطوف کنیم، غالباً ذهن خود را متوجه دروغ های شیطان می کنیم، و ما خدا را با بی اعتمادی به او و زمزمه کردن علیه او بی حرمتی می کنیم. شیطان همیشه در پی آن است که زندگی دینی را در سایه قرار دهد. او می خواهد که برای ما سخت و دشوار به نظر برسد. و هنگامی که مسیحی این دیدگاه از دین را در زندگی خود ارائه می دهد، بنابراین، از طریق بی ایمانی آنها، حمایت از باطل شیطان. بسیاری، که در امتداد جاده زندگی قدم می زنند، معطل می شوند بیش از حد در اشتباهات، خطاها و ناامیدی های خود و آنها دلها پر از غم و ناامیدی است. در حالی که من در اروپا بودم، خواهری که این کار را انجام می داد و در غم و اندوه عمیقی به سر می برد، به من نامه نوشت و از من خواست تا چند کلمه تشویق شبی که نامه شما را خواندم، خواب دیدم در باغی بود و کسی که به نظر صاحب باغ بود، او مرا در مسیرهای خود هدایت می کرد. داشتم میگریتم گل ها و لذت بردن از عطر آنها، زمانی که این خواهر، که راه می رفت در کنار من، او توجه مرا به گیاهان زشت و خاردار جلب کرد که راه او را مسدود کرده بودند. او آنجا بود، ناله و سوگواری او راه را نمی رفت، به دنبال راهنما، اما او در میان خارها و خارها راه می رفت. او با تاسف گفت: «اوه، آیا حیف نیست که این باغ زیبا باشد آلوده به خار؟» سپس راهنما گفت: خارها را رها کن طرف، زیرا آنها فقط به شما آسیب می رسانند. گل رز، نیلوفر و میخک را انتخاب کنید.»

آیا هیچ نقطه روشنی در تجربه شما وجود نداشته است؟ خیر
آیا شما لحظات ارزشمندی را داشته اید که در آن قلب شما وجود دارد
آیا در پاسخ به روح خدا می‌تپید؟ وقتی به فصل‌های تجربه زندگی خود نگاه می‌کنید، نمی‌توانید
چند صفحه خوب؟ وعده‌های خدا وجود ندارد،
مثل گلهای خوشبو که با هر قدم در مسیری که می‌رویند
پیاده روی می‌کنید؟ و اجازه نمی‌دهی زیبایی و شیرینی او تو را پر کند
دل با شادی؟ خارها و خارها فقط صدمه خواهند دید
و به تو صدمه بزنند؛ و اگر فقط این چیزها را جمع کنید و ارائه دهید
آنها را به دیگران، آیا شما جز این نیست که مهربانی را تحقیر می‌کنید؟
خدایا اطرافیان را از پیمودن مسیر زندگی باز می‌دارد؟
جمع آوری تمام خاطرات ناخوشایند عاقلانه نیست
زندگی گذشته - گناهان و ناامیدی‌های آن - صحبت کردن و
بر آنها ناله کن تا غرق شویم
دل‌سردی روح ناامید پر شده است
تاریکی، خاموش کردن نور خدا از روح خود و افکندن الف
سایه بر مسیر دیگران
خدا را شکر برای عکسهای روشنی که برای ما دارد
معرفی کرد. بیایید به خود اجازه دهیم که همه وعده‌های مبارک را با هم جمع کنیم
از محبت او، تا مدام به آنها بنگریم. O
پسر خدا که تخت پدرش را ترک می‌کند و الوهیت خود را می‌پوشد
با انسانیت، تا بتواند انسان را از شر نجات دهد
قدرت شیطان؛ پیروزی او از طرف ما، باز کردن بهشت به روی
انسان، اتاقی را که الوهیت از آن بیرون می‌آید، برای بینایی انسان آشکار می‌سازد
جلال او را آشکار می‌کند. نژاد افتاده برخاسته از ورطه ویرانی که در آن
گناه آن را غرق کرد و بار دیگر در ارتباط با نامتناهی قرار داد
خدا، و با ایمان به ما در امتحان الهی ایستادگی کردیم
نجات دهنده، ملبس به عدالت مسیح و تعالی تا تخت او -
اینها تصاویری هستند که خداوند از ما می‌خواهد که ببینیم.
زمانی که ما تمایل داریم به عشق خدا شک کنیم و
به وعده‌های او بی‌اعتمادیم، ما او را بی‌حرمتی و اندوهگین می‌کنیم
روح القدس شما یک مادر چه احساسی خواهد داشت اگر فرزندان

مدام از او شاکی بودند، انگار نه می خواهم آنها را خوشحال ببینم، در حالی که تلاش تمام زندگی آنها بوده است
علاقه آنها را پیش بینی کنید و به آنها آرامش بدهید؟ بیایید فرض کنیم که
به عشقشون شک کن دلش را می شکست. مثل اینکه
آیا هیچ پدر و مادری احساس می کند که فرزندانش با این گونه رفتار می کنند؟ انگار که
آیا وقتی پدر آسمانی ما به او بی اعتماد هستیم، می تواند ما را در نظر بگیرد؟
عشقی که باعث شد او پسر یگانه خود را بدهد تا
آیا ما می توانیم زندگی داشته باشیم؟ رسول می فرماید: «کسی که امان نداد
پسر خود را، اما او را برای همه ما واگذار کرد، شاید او این کار را نکرد
آیا او با مهربانی همه چیز را به ما خواهد داد؟» (رومیان، 8:32)
و با این حال، چه تعداد، اگر نه در کلام، با عمل می گویند: «
پروردگارا این را به من نگو شاید من دیگران را دوست دارم، اما او مرا دوست ندارد
یا.»

همه اینها به روح خود شما آسیب می رساند، زیرا همه
کلمه شک و تردیدی که به زبان می آورید وسوسه ها را دعوت می کند
شیطان؛ گرایش به شک را در شما تقویت می کند و است
دور نگه داشتن فرشتگان خدمتگزار از شما وقتی شیطان تلاش می کند
تو، یک کلمه شک و تاریکی نگو. اگر تصمیم بگیرید که در را به روی پیشنهادات آنها باز کنید، ذهن شما پر
خواهد شد
بی اعتمادی و سوالات سرکش اگر احساسات خود را بیان کنید، هر شکلی که ابراز می کنید نه تنها واکنش نشان
می دهد

در مورد خودتان، اما بذری است که جوانه می زند و میوه می دهد
در زندگی دیگران و ممکن است مقابله با نفوذ غیرممکن باشد
کلمات تو. ممکن است بتوانید از آن خلاص شوید
دوره وسوسه و فریب های شیطان، اما دیگران، که
تحت تأثیر نفوذ شما قرار گرفته اند، ممکن است نتوانند خود را از بی ایمانی که شما پیشنهاد کرده اید رها کنند.
چقدر مهمه

که ما فقط چیزهایی را بیان می کنیم که قدرت و زندگی می بخشد
معنوی!

فرشتگان گوش می دهند تا بشنوند چه نوع گزارشی از شما دارید
دارد به دنیا در مورد استاد آسمانی خود می گوید. به شما اجازه دهید
گفتگو با کسی باشد که زنده است تا شما را شفاعت کند

در برابر پدر وقتی دست دوستی را می‌گیرید، اجازه دهید که ستایش شود
خداوند بر لبان شما و در قلب شما باشد. این کار شما را جذب خواهد کرد
افکار برای عیسی
همه آزمایش‌هایی دارند، اضطراب‌هایی که تحمل آن‌ها دشوار است، وسوسه‌هایی
که مقاومت در برابر آنها دشوار است. مشکلات را به خودت نگو
هموطنان فانی، اما همه چیز را در دعا به خدا بسپارید.
این را یک قانون قرار دهید که هرگز یک کلمه شک و تردید به زبان نیاورید
دل‌سردی شما می‌تواند کارهای زیادی برای روشن کردن زندگی انجام دهید
دیگران و با سخنان امیدوارانه و مقدس، تلاش خود را تقویت کنید
شادی
روح‌های شجاع بسیاری هستند که به شدت تحت ستم قرار گرفته‌اند
وسوسه، آماده غش کردن در درگیری با خود و قدرت‌های شر. او را در نبرد دشواریش ناامید نکنید. با کلمات او
را تشویق کنید
از شجاعت و امید که شما را در مسیرتان پیش خواهد برد.
بنابراین نور مسیح می‌تواند از شما بتابد: «هیچ یک از شما زنده نیست
برای خودش» (رومیان 7: 14) با نفوذ ناخودآگاه ما،
ممکن است دیگران تشویق و تقویت شوند یا ممکن است تشویق شوند
دل‌سرد و از مسیح و حقیقت رانده است.
بسیاری هستند که تصور اشتباهی از زندگی و شخصیت مسیح دارند. آنها فکر می‌کنند که او عاری
از گرما و جنب و جوش بود، او جدی، شدید و بی‌شادی بود. در بسیاری از موارد، کل
تجربه دینی با این دید تاریک رنگ می‌گیرد.
اغلب گفته می‌شود که عیسی گریه کرد اما هرگز دیده نشد
خندان. نجات دهنده ما واقعاً مرد غمگین بود و
با اندوه آشناست، زیرا او قلب خود را به روی همه گشود
رنج‌های انسان با این حال، گرچه زندگی او انکار نفس و در سایه دردها و نگرانی‌ها بود، روح او چنین نبود.
سلاخی شد. چهره‌اش نشان‌دهنده ناراحتی و نارضایتی نبود، اما همیشه یک حالت آرامش‌بخش بود.
قلب او منبع خوبی برای زندگی بود. و هر جا که رفت، او
آرامش و آرامش، شادی و رضایت را به ارمغان آورد.

ناجی ما عمیقاً جدی و شدید بود

مصمم، اما هرگز غمگین یا کسل کننده نیست. زندگی کسانی که از او تقلید می کنند سرشار از هدف صادقانه خواهد بود. آنها یک خواهند داشت

احساس عمیق مسئولیت شخصی لوویتی خواهد بود

سرکوب شده؛ هیچ شادی پر سر و صدا، هیچ شوخی شیطانی وجود نخواهد داشت

من دوست دارم. اما دین عیسی مانند رودخانه آرامش می دهد. خاموش نمی شود

درخشش شادی؛ شادی را محدود نمی کند و بر آن سایه نمی اندازد

چهره درخشان و خندان مسیح نیامد تا به او خدمت کنند، بلکه آمده است

خدمت. و هنگامی که محبت او در قلب حاکم شود، ما از او پیروی خواهیم کرد

مثال.

اگر اجازه دهیم اعمال در ذهن ما غالب شود

رفتار ناپسند و ناعادلانه دیگران، دوست داشتن آنها را غیرممکن می دانیم.

آنها را همانطور که مسیح ما را دوست داشته است. با این حال، اگر افکار ما

بر عشق و ترحم شگفت‌انگیز مسیح برای ما تمرکز کنید

روح به سوی دیگران جاری خواهد شد ما باید یکدیگر را دوست داشته باشیم و به یکدیگر احترام بگذاریم

دیگران، با وجود ایرادات و نقص هایی که نمی توانیم

با دیدن آنها کمک کنید تواضع و بی اعتمادی به خود

باید پرورش داده شود و نسبت به عیوب دیگران مهربانی صبور باشد. این همه خودخواهی های کوچک را از بین می

برد و ما را می سازد

سخاوتمند و با قلبی بزرگ.

مزمورنویس می گوید: «به خداوند توکل کن و نیکی کن. زندگی می کند در

فرود بیاور و از حقیقت تغذیه کن» (مزمور 37:3) «به خداوند اعتماد کن.»

هر روز وظایف، دغدغه ها و سرگشتگی های خود را دارد. و وقتی که

ما ملاقات می کنیم، چقدر آماده هستیم تا در مورد خود صحبت کنیم

سختی ها و آزمایش ها! بسیاری از مصائب قرض گرفته شده در میان است،

آنقدر ترسها را گرامی می‌دارند، چنان سنگینی از اضطراب را بیان می‌کنند که می‌توان تصور کرد ما فردی دلسوز و

دوست داشتنی نداریم.

منجی، آماده شنیدن تمام درخواست های ما و یاری حاضر در هر زمان که نیاز داریم. بعضی‌ها همیشه می‌ترسند و

دردسر قرض می‌گیرند. همه

روزها با دلایل محبت خدا احاطه شده است. هر روز

آنها از مواهب عنایت او برخوردارند، اما

این نعمت های کنونی را نادیده بگیرید. ذهن آنها پیوسته است
خود را با چیز ناخوشایندی مشغول می کنند که از آن می ترسند
می تواند بیاید یا مشکلی که در واقع وجود دارد،
اگرچه کوچک است، اما چشمانش را بر بسیاری از چیزهایی که مستلزم قردانی هستند کور می کند. مشکلاتی که با
آن مواجه می شوند، به جای
هدایت آنها به سوی خدا، تنها منبع کمک آنها، آنها را از او جدا می کند.
زیرا باعث ناآرامی و شکایت می شوند.
آیا حق داریم که اینگونه کافر باشیم؟ چرا
آیا باید ناسپاس و مشکوک باشیم؟ عیسی مال ماست
دوست همه بهشت به رفاه ما علاقه دارد. ما نباید به سردرگمی ها و دغدغه های زندگی روزمره اجازه دهیم
ذهن ما را آزار دهد و صورتیمان را ببندد. اگر این کار را انجام دهیم، همیشه چیزی برای آزردهی و آزارمان خواهد داشت.
ما نباید
اضطرابی را در خود پرورش دهید که فقط ما را آزار می دهد و خسته می کند، اما نمی کند
به ما کمک می کند تا آزمایش ها را تحمل کنیم. ممکن است گیج شوید
کسب و کار، چشم انداز ممکن است تیره و تار تر شود، و
ممکن است تهدید به ضرر شود، اما ناامید نشوید،
نگرانی های خود را به خداوند بسپارید و آرام و سرشار از شادی بمانید. برای مدیریت عاقلانه امور خود دعا کنید و از
ضرر و فاجعه جلوگیری کنید. تمام تلاش خود را برای ارتقای نتایج مطلوب انجام دهید.

عیسی وعده کمک خود را داده است، اما او از تلاش ما چشم پوشی نمی کند.
وقتی که با تکیه بر یاور ما، همه این کارها را انجام دادی
می تواند، با خوشحالی نتایج را بپذیرد.
خواست خدا این نیست که بر قومش تکلیف شود
با احتیاط. اما ناجی ما را فریب نمی دهد. او به ما نمی گوید: «تترسید. هیچ خطری در راه نیست.» او می داند که
آزمایش ها و خطراتی وجود دارد،
و صادقانه با ما برخورد کن او پیشنهاد نمی کند که قوم خود را از دنیای گناه و بدی بیرون کند، بلکه آنها را به پناهگاه
معصوم راهنمایی می کند.
دعای او برای شاگردان این بود: «من از تو نمی خواهم که آنها را از دنیا ببری، و
آری، آنها را از شر نگه دار.» او می گوید: «در دنیا، شما از آن عبور می کنید

مصیبت ها، اما شاد باشید. من بر جهان غلبه کردم» (یوحنا 17:15 و

16:33).

مسیح در موعظه خود بر روی کوه، درس های ارزشمندی را در مورد نیاز به اعتماد به خدا به شاگردان خود آموخت. هدف این درس ها تشویق فرزندان خدا در تمام اعصار بود.

و آنها به زمان پر از آموزش و آسایش ما رسیده اند. O

منجی به پیروان خود به پرندگان آسمان اشاره کرد که چگونه هستند

آوازه های ستایش خود را بدون فکر و نگرانی تنظیم کنید.

زیرا «نه می کارند و نه درو می کنند». و با این حال پدر بزرگ نیازهای آنها را تامین می کند. ناجی می پرسد: «آیا ارزش زیادی ندارید؟

از پرندگان؟» (متی 6:26) روزی دهنده بزرگ مردان و

حیوانات دست او را می گشاید و همه مخلوقاتش را عرضه می کند. پرندگان ارزش توجه او را ندارند. غذا را در منقارشان نمی گذارد.

اما نیازهای آنها را تامین می کند. آنها باید بگیرند

دانه ای که برای آنها پاشید.

آنها باید مواد لانه کوچک خود را آماده کنند. آنها

باید به بچه هایشان غذا بدهند آنها با آواز خواندن سر کار می روند، زیرا "پدر آسمانی آنها را تغذیه می کند." و "آیا ارزش شما خیلی بیشتر از آنها نیست؟" آیا شما به عنوان پرستندگان باهوش و روحانی ارزشی بیشتر از پرندگان آسمان ندارید؟ وجود ندارد

از نویسنده وجود ما، حافظ جان ما، کسی که

ما را به شکل الهی خود شکل داد تا ما را تأمین کند

نیاز دارد، اگر فقط به او اعتماد کنیم؟

مسیح توجه شاگردانش را به گلهای گل معطوف کرد

زمینه در حال رشد در وفور غنی، درخشش در زیبایی ساده از

که پدر آسمانی به عنوان ابراز محبت خود به انسان به آنها داد. او گفت: «نگاه کن که چگونه نیلوفرها

مزرعه» (متی 6: 28 و 30) زیبایی و سادگی این گل ها

منابع طبیعی بسیار فراتر از شکوه سلیمان است. خیره کننده ترین زینت های تولید شده توسط مهارت های هنر، نیست

می توان با ظرافت طبیعی و زیبایی درخشان گل های آن مقایسه کرد

خلقت خدا. عیسی می پرسد: «اگر خدا علف های آن را بپوشاند

مزرعه ای که امروز وجود دارد و فردا در تنور می اندازند، چه قدر برای شما کم ایمانان؟» (متی 28: 6 و 130) اگر خداوند هنرمند الهی به گلهای ساده ای که در یک روز از بین می روند رنگهای لطیف و متنوعشان را عطا کند چقدر بیشتر از آنها مراقبت می کند؟

کسانی که به صورت او آفریده شدند؟ این درس از

مسیح توبیخ تفکر مضطرب، سرگشتگی و

شک قلبی بدون ایمان

خداوند مایل است که همه پسران و دخترانش را شاد ببیند

صلح و فرمانبردار عیسی می گوید: «سلام را برای شما می گذارم، سلامتی خود را به شما می دهم.

من آن را همانطور که دنیا می دهد به شما نمی دهم. دلت پریشان نشود،

و نه نترسید.» "این چیزها را به شما گفتم تا شادی من در شما باشد و شادی شما کامل شود" (یوحنا 14: 27 و

11: 15).

خوشبختی که به دلایل خودخواهانه، خارج از آن جستجو می شود

مسیر وظیفه، نامتعادل، ناآرام و گذرا است. این است

می گذرد و روح پر از تنهایی و غم می شود. اما شادی وجود دارد و

رضایت در بندگی خدا مسیحی برای راه رفتن رها نمی شود

در مسیرهای نامشخص؛ او در دل شکستگی و ناامیدی بیهوده رها نشده است. اگر لذت های این زندگی را نداریم،

داریم

ما هنوز هم می توانیم با نگاه کردن به زندگی آینده خوشحال باشیم.

اما حتی در اینجا مسیحیان می توانند از شادی لذت ببرند

ارتباط با مسیح؛ آنها ممکن است نور عشق او جاودانه را داشته باشند

آسایش حضور او هر مرحله از زندگی می تواند ما را به سمتی ببرد

نزدیک شدن به عیسی، می تواند تجربه عمیق تری از آن به ما بدهد

محبت شما و باشد که ما را یک قدم به سعادت نزدیکتر کند

خانه صلح پس بیایید اعتماد خود را رد نکنیم، بلکه یقین راسخ تر از همیشه داشته باشیم. "خداوند تاکنون به ما

کمک کرده است"

(اول سموئیل 7: 12) و او تا آخر به ما کمک خواهد کرد. اجازه دهید نگاه کنیم

به ستونهای یادبود، یادبودهایی از آنچه خدا برای آن انجام داده است

ما را دلداری بده و ما را از دست ویرانگر نجات دهد. به خودمون اجازه بدیم

تمام رحمت های لطیف را در خاطر ما تازه نگه دار

که خدا به ما نشان داده است -اشکی که پاک کرد،

دردی که آن را تسکین داد، اضطراب هایی که برطرف کرد، ترس هایی که برطرف شد، نیازهایی که تامین کرد، برکاتی که اعطا شد - بنابراین ما خودمان را برای تمام آنچه در باقیمانده زیارت پیش روی ماست تقویت می کنیم.

ما نمی‌توانیم به دنبال ابهامات جدید در این زمینه باشیم درگیری در راه است، اما ما می‌توانیم به آنچه که گذشته است، نگاه کنیم در مورد آنچه در آینده نهفته است، و بگویید: «تا کنون آقا.» (اول سموئیل 7: 12) همانطور که روزهای شما، صلح شما پایدار خواهد بود" (تثنیه 33:25) آزمایش ها از قدرت آن تجاوز نخواهد کرد به ما داده خواهد شد تا آنها را تحمل کنیم. پس به خودمان اجازه دهیم که دقیقاً همان جایی که می‌ایبیم به کارمان تبدیل شویم، با این باور که هر چه پیش آید، قدرتی متناسب با مصیبت خواهد داشت.

و از پا تا پا، درهای بهشت برای پذیرش گشوده خواهد شد فرزندان خدا، و برکت از لبان پادشاه جلال نازل خواهد شد گوش‌هایت مانند آهنگ‌های خوش آهنگ است: «بیا، خوشا به حال من پدر! وارد پادشاهی شوید که از ابتدا برای شما آماده شده است پایه و اساس جهان.» (متی 25:34) سپس بازخریدگان در خانه هایی که عیسی برای آنها آماده می کند پذیرایی خواهند شد. در آنجا دیگر اصحابشان رذل زمین، دروغگو، بت پرست، ناپاک و کافر نخواهند بود، بلکه با کسانی که بر شیطان غلبه کرده اند، معاشرت خواهند کرد.

فیض الهی، آنها شخصیت های کامل را تشکیل دادند. هر روند گناه، هر نقصی که در اینجا به آنها مبتلا می شود برطرف خواهد شد با خون مسیح و تعالی و شکوه جلال او، که بسیار بیشتر از روشنایی خورشید است، به آنها ابلاغ می شود. و زیبایی اخلاقی، کمال شخصیت او از طریق آنها می درخشد، ارزش غیر قابل مقایسه ای بیشتر از درخشندگی خارجی دارد. آن ها هستند بدون شکست در برابر تخت بزرگ سفید، شریک کرامت و امتیازات فرشتگان.

با توجه به میراث باشکوهی که ممکن است متعلق به آنها باشد، «که آیا انسان در ازای جان خود می دهد؟» (متی 16:26) اون میتونه باشه فقیر، و در عین حال در خود دارای ثروت و منزلتی است که

دنیا هرگز نمی تواند اعطا کند. روح رستگار و پاک شده از
گناه، با تمام استعدادهای شریفش که وقف خدمت به خداست، ارزش بسیار خوبی دارد. و شادی در بهشت
است، در حضور
خدا و فرشتگان مقدس بر روح رستگاری، شادی که در سرودهای پیروزی مقدس بیان می شود.